

# دو درس بزرگ امام خمینی در یک نشست کوتاه

در صفحه ۲

## ایران و جبهه جهانی ضد امپریالیستی

حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران هفته گذشته با آقای یومیل اوربان وزیر تجارت خارجی چکسلواکی، که به ایران آمده بود، دیدار و گفت‌وگو کرد.

رئیس‌جمهور در این دیدار از جمله گفت:

"همه کشورهای مرفعی عالم باید با استحکام پیوند هایشان جبهه مستحکمی علیه امپریالیسم و امارش در سطح جهان بوجود آورند." (اطلاعات - ۳ اسفند ۱۳۶۰)

واقعیت جهان معاصر مویذ سخنان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران است. در جهان ما دو جبهه بیشتر نیست: جبهه ضد امپریالیستی و جبهه امپریالیستی. در جبهه اول، همه کشورهای جنبش‌های مرفعی، انقلابی، و ضد-امپریالیست جهان، صرف‌نظر از عقاید سیاسی، مسلکی، مذهبی‌شان، بقیه در صفحه ۷

## امپریالیسم آمریکا بر جنایتکار تاریخ! (واقعیت‌ها و اعتراف‌ها)

میلیون نفر پرونده کمپوتری دارند. در آلمان غربی "لیست سیاه" شامل صد هزار نفر است!

یکی از کارمندان ارشد "سیا" بنام "روزیتس که" (H. Rositzke) در کتاب خود بنام "عملیات سری سیا" (چاپ نیویورک سال ۱۹۷۷) چنین نوشت:

"رئیس‌جمهورهای آمریکا منظمًا "سیا" را بعنوان افزازی مورد استفاده بقیه در صفحه ۱۰

هر اندازه که نبرد توده‌ها، برای احقاق حقوق انسانی خود، در سراسر جهان دامنه و زرفای بیشتری می‌یابد، برده-داران سرمایه‌داری امپریالیستی هارتر می‌شوند.

اخیرا ژنرال‌دیگان دستور داده‌است که "سیا" در خود آمریکا در زمینه "سوخونفود" در سازمانها، گوش کردن تلفن‌ها، تعقیب کسانی که مورد سوءظن قرار گیرند، خواندن نامه‌ها و... بیفزاید. در انگلستان ۲۲

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۱۸، دوره سوم، دوشنبه ۱۰ اسفند ماه ۱۳۶۰، برابر با ۵ جمادی الاول ۱۴۰۲ و ۱ مارس ۱۹۸۲، بها ۳۰ ریال

## پیروزی بر تجاوزگران صدامی شکست آمریکا است

ایران با کنترل این منطقه توانستند ارتباط بخش شمالی و جنوبی جبهه‌های جنگ را قطع کنند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس نماینده امام در شورای عالی دفاع، پس از جلسه "شورا"، در ارتباط با این پیروزی گفت:

"این عملیات از این جهت جالب بود که ما عملیات خودمان را درست همانجایی که صدام یا حضور خودش نیروی زیادی جمع بقیه در صفحه ۱۲

هفته گذشته رزمندگان دلاور جمهوری اسلامی ایران، در حملات گسترده خود ضربه دیگری بر متجاوزین صدامی وارد آوردند.

سازگزارش‌های رسیده، نیرو-های مسلح جمهوری اسلامی ایران - ارتش سپاه و بسیج - آنها هنگی کامل موفق گشتند که نیروهای متجاوز صدامی را در "تنگ جزانه" محصور به عقب نشینی سازند و کنترل کامل این منطقه را در دست گیرند. این عملیات از این جهت حائز اهمیت است که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

## قاطعیت انقلابی آری خشم کور هرگز!

انفجار بمب در میدان عشرت آباد تهران - تازه‌ترین جنایت آمریکای جهان‌خوار را بشدت محکوم می‌کنیم.

در صفحه ۲



ژولیت در خون نوحوانی خود غوطه‌زد. این کودک زیبا را بمب آمریکائی تکه تکه کرد. اما، هدف اصلی او دیگر قربانیان بیگناه جنایت شوم دشمن اصلی آمریکا نبودند. هدف آمریکا این است که خشم و انتقام کور حانشین قانون شود، گروه‌های مختلف مردم بحان هم بیفتند و در جنگی خانگی، همه "ژولیت‌ها" تکه تکه شوند، تا آمریکا صاحب دوباره وطن ما شود.

ولی درایت رهبران انقلاب نشان داد که دشمن کور خوانده است.

## مبارزه طبقاتی در روند انقلاب ما روبه حدت می‌رود

بقیه در صفحه ۱۵

## رئیس دیوان عالی کشور دبیرکل جامعه روحانیت مبارز

## و آزادی‌های سیاسی

امسال سال قانون است (امام خمینی)

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی و به ویژه مسئولین قضائی کشور برآنند، تا این فرمان رهبر انقلاب را اجرا کنند. کوشش همه جانبه - ای برای استقرار قانون در جامعه دنبال می‌شود، که بخش از آن مربوط به اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران و نظریات رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مسئولان درجه اول کشور درباره آزادی‌های سیاسی است.

مبارزه آزادی، به سهم خود، در این زمینه هم به استقرار قانون یاری رسانده باشیم، نظریات و قوانین موجود را درباره آزادی‌های سیاسی به ترتیب منتشر می‌کنیم. در شماره‌های پیش نظریات امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی، شهید مطهری، حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس‌جمهور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر، حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی و شهدا: رجائی، باهنر و قدوسی را منتشر کردیم. در این شماره نظریات آیت اله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و آیت اله مهدوی کئی نخست‌وزیر سابق و دبیرکل جامعه روحانیت مبارز از نظر خوانندگان می‌گذرد.

### رئیس دیوان عالی کشور:

"آزادی‌ها تأمین می‌شود، تا مردم به قانون احترام بگذارند." (۲ اسفند ۱۳۵۹)

### دبیرکل جامعه روحانیت مبارز:

"در حکومت اسلامی، آزادی در تمام زمینه‌ها برای همه احزاب و سازمان‌های سیاسی وجود خواهد داشت." (خطبه‌های نماز جمعه ۲۱ فروردین ۱۳۶۰ - نقل از اطلاعات، ۲۱ فروردین ۱۳۶۰)

آیت اله مهدوی کئی طی یک مصاحبه با روزنامه "اطلاعات" درباره چگونگی اجرای اعلامیه ماده‌های دادستان کل انقلاب اسلامی در پاسخ این سؤال که: "آیا گروه‌هایی که اعلامیه ده‌ماده‌ای دادستانی را قبول کنند، می‌توانند دفتر و روزنامه داشته‌باشند؟" چنین پاسخ داد:

"مسئله دفتر و روزنامه قهراً مطرح می‌شود و بعضی از گروه‌ها هم آنرا مطرح کرده‌اند، که حالا که به ما اجازه اجتماع و تجمع داده‌اید پس اجازه دفتر هم بدهید... ما امیدواریم که بتوانیم به گروه‌هایی که ابراز حسن نیت می‌کنند، همه این درخواست‌ها را انجام بدهیم و اگر اجازه داده‌شد، طبعاً امنیت این دفاتر هم تأمین خواهد شد." (اطلاعات - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۰)

به پیشواز ۸ مارس روز همبستگی جهانی زنان

## امنیت شغلی زنان تهدید می‌شود

ایران با دست مرد تنها درست نمی‌شود. مزدوزن باید با هم این خرابه را بسازند.

بقیه در صفحه ۳

## عید برای دهقانان تهدید است

گفته‌های سودمندی  
به عمل بدل گردند

درباره اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی، که سه سال تمام است مسئولین و نیروهای متعهد و انقلابی و بیش از همه خود دهقانان تهدید است بر لزوم اجرای آن پای می‌فشارند و اجرای آن را روزشماری که هیچ لحظه شماری می‌کنند، طی چند هفته گذشته شاهد موضع‌گیری‌های مثبت و اظهارات امیدبخش دولت-مردان و مقامات متعهد و مسئول و نهاد‌های انقلابی بودیم. موضع‌گیری مثبت باشد.

آیا اسفندماه، ماه سرنوشتی خواهد بود؟ آیا عید دهقانان زحمتکش، امسال عید واقعی خواهد شد؟ اخبار مربوط به اصلاحات ارضی و تعهد دولت‌مردان پیرو خط امام و شواهد مختلف، دال بر این که به زودی زود قانون واگذاری زمین به دهقانان تهدید است به مجلس خواهد رفت و مصوبه قبلی شورای انقلاب و سه فقیه، به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، این امید را می‌آفریند که، پاسخ پرسش‌های فوق مثبت باشد.

## صنایع سنگین: پایه‌های استقلال اقتصادی و پیشرفت اجتماعی

بقیه در صفحه ۷

در صفحات  
بعد

## انحلال شوراهای کارخانه ذوب آهن اصفهان بسود انقلاب نیست

صفحه ۱۴

## سندآموزنده‌ای از متن تاریخ

ستون احزاب و جمعیتها

صفحه ۱۲

## جمهوری عربی سوریه در سیاست خارجی دارای مشی پیگیر ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی است

صفحه ۸



# دو درس بزرگ امام خمینی

## در یک نشست کوتاه

"برخورد پیامبرگونه امام در این حادثه برای ما درس بود. درست همان لحظاتی که خبر این جنایت هولناک (جنایت انفجار بمب در میدان عشرت آباد تهران) را به امام عرض کردند و ما در حضورشان بودیم، همان لحظاتی بود که ایشان توصیه میکردند به رئیس دیوان عالی کشور، که سعی کنید در زندان بی گناه نداشته باشیم، یا گناهکار قابل عفو نداشته باشیم. این برخورد، برخورد ماست و این راهی است که برادران در دادستانی انقلاب، در زندانها و هر کجا که با مخالفان و دشمنان مواجه هستند، باید پیش بگیرند..."

این بخشی از سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در جلسه روز چهارم اسفند ۶۰، رئیس مجلس شورای اسلامی است که در آن، رئیس مجلس درستی از جنایاتی که ضد انقلاب در کشور مرتکب میشود، ارائه داد. رئیس مجلس درستی "همه گروهک های ضد انقلاب و محارب" را مسئول این گونه جنایات و "ریشه آنها را در آمریکا و فرانسه (مرکز تجمع این جنایتکارها)" دانست. هدف های آنها را برشمرد و روی این هدف مهم آنها انگشت تأکید نهاد که:

"میخواهند حکومت اسلامی را به خشونت وادارند... که چهره جمهوری اسلامی را در دنیا بد نشان دهند... اما ما در این دام نباید بیفتیم. ما باید راه خودمان را برویم، بر اعصابمان مسلط باشیم، با مجرم مثل مجرم رفتار کنیم، با تائب مثل تائب رفتار کنیم، با اصلاح پذیر مثل اصلاح پذیر رفتار کنیم و با جانبداران مثل جانبداران بالفطره همانطور که قرآن از ما خواسته عمل کنیم زیرا ما مسلمانیم."

خلاصه، قاطعیت در برابر ضد انقلاب جنایتکار و از سوی دیگر سعه صدر، حسن سلوک، ارشاد، جلب و جذب در برابر افرادی که روزی ننگ آگاهانه به راه خطائی رفته اند، ولی قابلیت بازگشت به راه انقلاب را دارند. درس بزرگ امام خمینی که پیروان صدیق امام آموخته اند و در بکار بردن آن میکوشند، در این خلاصه نمیشود که "در زندان بیگناه نداشته باشیم یا گناهکار قابل عفو نداشته باشیم." در این هم خلاصه نمیشود که به دام خشونت نیفتیم که ضد انقلاب جنایتکار می خواهد جمهوری اسلامی ایران را در آن بیفکند. نتیجه گیری از این درس میدان بسرویسعتی دارد، که به تعبیر آقای رفسنجانی، در پیام تلویزیونی در آستانه سومین سالگرد انقلاب، ساختن "چهره مطلوب" از نظام جمهوری اسلامی ایران است، تا بتواند برای دیگر خلق های که میخواهند خود را از اسارت رژیم های سرکوبگر دست نشانده امپریالیسم رها کنند، "الگو" قرار گیرد و قابل تقلید باشد.

"دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است." (امام خمینی)

"هر کس ما دیدیم خدمت میکند به ملت، به جمهوری اسلامی، ما باید تقویتش بکنیم... انحصار طلبی یک آفت بزرگی است." (آیت اله منتظری)

اگر اعیال سیاسی می توانیم سرکوب به آن نقطه مطلوب، این نمیشود

باید محیط آزاد باشد، باید افراد افکارشان را بگویند، باید بتوانند گروه تشکیل دهند، باید بتوانند کلوپ داشته باشند، روزنامه داشته باشند، حرفهایشان را بیایند بزنند، اینها باید باشد. در چنین محیطی رشد می کند انسان، در محیط آزادی اینجوری، آنهایی که تئوریسم درست کردند و خواستند این (آزادی ها) نباشد دشمنان اصلی خواستند این چیز را از ما بگیرند و ما نباید در این دام بیفتیم البته با واقع بینی عمل کنیم. (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی)

قاطعیت در سرکوب ضد انقلاب جنایتکار، رفت دربار "گناهکاران قابل عفو" و جلب و جذب آنان، تأمین آزادی فعالیت سیاسی احزاب و سازمان های مدافع انقلاب چنین است "خط امام" و نتایجی که از نخستین درس بزرگ امام خمینی در نشست کوتاه روز سوم اسفند، باید گرفت و بکار بست، تا انقلاب نیرومند تر شود و "چهره مطلوب" چهره "الگو" به خود بگیرد.

درس بزرگ دیگری که امام خمینی در نشست کوتاه روز سوم اسفند دادند، درس شیوه عمل قاطع در غلبه بر موانعی است که بر سر راه تحول بنیادی بسود مستضعفان وجود دارد. عدالت اجتماعی - چنان که همه پیروان صدیق خط امام، همه مسئولین متعهد پیرو خط امام بکرات تأکید کرده اند - از عمده هدف های انقلاب است. اگر ایسن عدالت

اجتماعی عملاً تحقق نیابد، جمهوری اسلامی ایران "چهره مطلوب" نخواهد داشت که سهل است، خود انقلاب از پایه بست خواهد شد. امام خمینی شیوه عمل را در نمونه برخورد با موضوع لایحه اراضی شهری نشان دادند. رئیس مجلس در این زمینه گفت:

"ما امروز خدمت امام آمدمیم که بالاخره تشخیص ضرورت بنا مجلس است یا باشورای نگهبان؟ امام فرمودند تشخیص ضرورت با مجلس است بانظر خبرگان، وشورای نگهبان در این جهت دخالتی نباید بکند."

درس اینست که وقتی بحث وجدل بر سر موضوع هایی مربوط به رفع ستم از ستم دیدگان، مبارستمرگان وغارتگران اجرای عدالت اجتماعی است، دیگر نمی توان و نباید امروز و فردا کرد، در برابر موانع ایستاد، تحول بنیادی بسود مستضعفان را متوقف یا سست کرد.

سه سال از انقلاب می گذرد مسئله اصلاحات ارضی، رفع ستمگری وغارتگری فتوادلها و بزرگ زمینداران، واگذاری زمین بهزحمتکشان ستمدیده وغارت شده روستا - این میلیونها مردم محرومی که از پشتوانه های اصلی انقلاب اند، هنوز حل نشده و لایحه آن، که به تصدیق عالیترین فقهای نیز صد درصد اسلامی است، در پیچ و خم بحثها و جدلها گرفتار است. سه سال از انقلاب می گذرد و هنوز بازرگانی

خارجی، چنان نیم بند دولتی شده، و چنان هنوز در معرض نفوذ و دخالت مخرب سرما به بزرگ بازرگانی وابسته است، که احتکار، کمبود و گران شدن شلاق کش به پیش می تازد. در این مدت سه ساله در مورد رفع بیگاری و فراهم کردن اشتغال می توان گفت که جزو عده هیچ عمل اساسی صورت نگرفته است. در یک کلام، غیر از برخی کوششهای فداکارانه از جانب "جهاد سازندگی"، برخی اقدامات برای توزیع عادلانه برخی کالا - های کثیر المصروف و نظائر اینها عملی بنیادی برای برقراری عدالت اجتماعی انجام نشده است. در این مدت حتی به وضوح مشاهده می شود که ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر شده اند، زیرا میدان غارت فقرا توسط غارتگران هم - چنان باز بوده است. کارشکنی لیبرال ها قبول ولی بعد از اینکه حکومت (هر سه قوه) مقننه، اجرائی و قضائی) بطور کلی در دست پیروان "خط امام" قرار گرفت، تاکنون، هفت هشت هفته و ماه پشت ماه می گذرد و ما در زمینه تحقق عدالت اجتماعی "همچنان بر سر یک کوزه مانده ایم"، و این در حالی است که دیگر به قول امام، "عذری باقی نمانده" و بگفته رئیس جمهور رسیدگی به مستضعفین "دیگر شده است."

درس بزرگ امام خمینی اینست که در این زمینه، در زمینه اجرای عدالت اجتماعی، باید قاطع بود. قاطعیت در اجرای عدالت اجتماعی، نیاز انقلاب، ضرورت انقلاب، حافظ انقلاب، ضامن انقلاب، سلاح پیروزی بی برگشت انقلاب است.

این هشیاری و برخورد انقلابی در برابر دام خطرناکی که ضد انقلاب، پیش پای انقلاب گسترده است، ناشی از رهبری مدبرانه امام خمینی است:

"دیروز برخورد پیامبرگونه امام در این حادثه برای ما درس بود. درست همان لحظاتی که خبر این جنایت هولناک را به امام عرض کردند و ما در حضورشان بودیم، همان لحظاتی بود که ایشان توصیه می کردند به رئیس دیوان عالی کشور، که سعی کنید در زندان بیگناه نداشته باشیم، یا گناهکار قابل عفو هم نداشته باشیم. این برخورد، برخورد ماست و این راهی است که برادران در دادستانی انقلاب، در زندانها و هر کجا که با مخالفان و دشمنان مواجه هستند، باید پیش بگیرند..."

(همانجا)

آری، راه ما این است. انقلاب در پس هر توطئه، در پی یافتن علان آن - شبکه های ضد انقلابی ساواک و سیا - تلاش می ورزد و جنایتکاران را سرکوب می کند. مهمتر از این، هشیاری برای جلوگیری از توطئه های بعدی است این نیز بدون بهگیری و سرکوب عمل مستقیم آمریکا و رهبران خائن گروهک های ضد - انقلابی ممکن نیست. اما در همه احوال انقلاب به خشم نمی آید. انقلاب در عین قاطعیت، هشیاری و خون سردی خود را حفظ می کند. انقلاب در دام دشمن نمی افتد و انفجار کور را با خشونت کور پاسخ نمی دهد.

دندان شکن ترین پاسخ انقلاب به هر توطئه ضد انقلابی، کوشش همه جانبه در جهت استقرار قانون و امنیت است. انقلاب می داند که تنها با تعمیق انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران است که می توان بر این توطئه ها نقطه پایان گذارد. و آمریکا از همین درهراس است.

در ادامه این راه پافشاری کنیم...

### قاطعیت انقلابی آری، خشم کور هرگز!

بقیه از صفحه اول

### انفجار بمب در میدان عشرت آباد تهران - تازه ترین جنایت آمریکای جهانخوار را بشدت محکوم می کنیم.

روز سوم اسفند ۶۰، افرادی از چند نسل ایرانی، در خون خود فرو غلطیدند، تا یادمان نرود که "آمریکادشمن شماره یک، مستضعفین جهان است". تا یادمان نرود که آمریکا و مزدوران داخلی و خارجی، هر پیروزی انقلاب ما را با خون جواب می دهند، با بیب جواب می دهند. در عشرت آباد جواب می دهند... در اسلام آباد، در پاره، در اهواز. تا یادمان نرود که در ازای هر گام که در جهت استقرار قانون - قانون انقلاب برمی داریم، و تا وقتی که هنوز همه گام های لازم را بر نداشتیم، آمریکا و تفاله هایش قلبی، قلب های از ما می ستانند.

آری، آمریکاها، روز سوم اسفند ۶۰، عزم شان را برای شکست انقلاب ما، در میدان عشرت آباد، برای چندمین بار منفجر کردند. اما خون ژیلبرت، خون آن مرد گمنام، دست های پینه بسته رفتگران شهرداری و چشمان باز آنها میدان عشرت آباد را تعمید انقلابی داد و سپاهی بازم بر آمریکا ماند.

آری، بازی همان بازی است و طرح همان طرح. درست هنگامی که از قانونیت و اجرای قوانین انقلابی سخن می رود اینجانبی منفجر می شود، تا آنجای که

نقافتی برخیزد که چرا قانون؟ درست هنگامی که امام خمینی، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بر لزوم بهگیری روند قانونی شدن و جریان بازگشت آزادیهای قانونی و آزاد شدن زندانیان بیگناه و زندانیان نام تأکید می کنند. و درست همان گاه که امام خمینی تشخیص ضرورت را بر عهده مجلس شورای اسلامی می گذارند، تا هر چه زودتر برای این پائین شهری ها "فکری شود، فکری اساسی، اینجانبی منفجر می شود، تا آنجای که شومی برخیزد. که با منسی کردن آمریکا و پنهان کردن دست خونین "عموسام"، انقلاب ما را از راه مقدسش باز دارد و باره اندازی گردو خاک، چشم های رفتگران شهرداری را بر بالای تیرهای چراغ برق بیندازد. که گواه جنایت آمریکا نباشند.

آری، بازی همان بازی است و طرح همان طرح. آمریکا می خواهد با حاکمیت ترور، حاکمیت انقلابی را پایمال کند. تفاله های آمریکا می خواهند هم ژیلبرت را بکشند و هم هموطنان بیگناه و با نادم ژیلبرت را در زندان و هم انقلاب را. آنها می خواهند چنین ۵ ماهه خانم پاکروان، "مرگ بر آمریکا" را فراموش کند، می خواهند جسد محمد

حنین ۵ ماهه خانم پاکروان که در بمب گذاری جنایتکاران مجروح شد - هنوز به دنیا نیامده، روز سوم اسفند ۶۰، سالروز کودتای امپریالیسم ساخته رضا خان میرپنج، و در انفجار یک بمب آمریکائی، طعم ماهیت جنایتکار و خونبار امپریالیسم جهانی بسرگردگی آمریکا اچشید.

روز سوم اسفند ۶۰، ژیلبرت و ژولیت سگانیان، دانش آموزان کلاس دوم دبستان الیک، "مرگ بر آمریکا" بر دهان های کوچک شان حک شد، و تکه های تن شان، به شهادت جنایت آمریکا، در میدان عشرت آباد تهران، بر درخت ها، دیوارها، برکف خیابان، بر جوی آب، روی قلب همکلاسی هایشان در سراسر ایران، السالوادور، ویتنام، نیکاراگوئه آنگولا... پاشید. روز سوم اسفند ژولیت های دنیا، با خون شان نوشتند: مرگ بر آمریکا!

روز سوم اسفند ۶۰، جسد مرد گمنامی، قربانی همان انفجار، به پزشک قانونی تهران انتقال یافت. او یکپارچه گواهد دهنشی آمریکا بود. اما تن های رفتگرهای شهرداری، که دست های پینه بسته شان، که پینه های دستشان، با زباله ها در هم آمیخت، که چشمان - شان را بر تیرهای چراغ برق آویختند، تا شاهد همیشه مدار مرگ آمریکا باشند، که از قلب شان حزمادی "مرگ بر آمریکا" چیزی باقی نماند، که دهانشان را به دهان همه رفتگران جهان وام دادند. تا صدای "مرگ بر آمریکا"، در هیچ نقطه جهان، خاموشی نگردد. پاره پاره شد. و سه پاسدار، سه شاخه گل، اندام جوانشان روز سوم اسفند ۶۰ در خون غوطه خورد و تا فریاد "مرگ بر آمریکا" خاموش نشود. سه پاسداری که زندگی شان سراسر رزم و ایثار علیه دشمن اصلی خلق بود، با بمب همان آمریکا به انبوه شهیدان پیوستند. سه پاسدار، سه شاخه گل، که در زمستان حیاتشان، به بار خلق رانویسد دادند.







عید برای ...

بقیه از صفحه ۱

ها و اظهاراتی که اگر به عمل بدل گردند و در دستر منطقی خود سیر کنند، بی شک درست‌گیری آینده انقلاب شکوهمند اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ما، نقش بسزا، ارزشمند و شگرفی ایفاء خواهند نمود.

سخن ما از آنجاست که در پی گسترش هجوم همه‌جانبه عناصر مخالف اصلاحات ارضی بنیادی (و اصولا مخالفان هرگونه اقدام بنیادی در جهت کوتاه کردن دست ایادی ناپاک سودورزان استثمارگر و در راستای هرچه مردمی‌تر شدن انقلاب) با همان چماق "شرعی" و ماسک "اسلامی"، در طی هفته‌های گذشته، شاهد موضع‌گیری‌های متعدهانه، هشداردهنده و مستولانه به ویژه از جانب دولت‌مردان متعهد و انقلابی هستیم، که طی آن حملات جانانهای بر مواضع مخالفان پیشرفت انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی ایران (زیر نام "تقدس مالکیت") برده می‌بینند. دیگر بر کسی پوشیده نیست که سه سال تمام است، بزرگ مالکان و حامیان رنگارنگ آن‌ها که متأسفانه در ارگان‌ها و نهادهای دولتی و انقلابی همچنان نفوذ و حضور و قدرت دارند از لیبرالهای آبرویاخته گرفته تا قشربون تنگ‌نظر و "یک بعدی"، که به گفته "فقیه عالی‌قدر آیت‌الله منتظری"، "زبان آن‌ها کمتر از زبان دشمنان نیست"، به انحاء گوناگون کوشیده و می‌کوشند که از اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی، قانونی که در جهت امحاء بزرگ مالکی و زمیندارکردن توده میلیونی دهقانان تهیدست گام بردارد، قانونی که بر سال‌ها محرومیت دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و غارتگری بی‌حد و حصر فئودال‌ها و سرمایه‌داران ارضی نقطه پایان بگذارد و رشد و بالندگی انقلاب برخاسته از مستضعفین را تضمین نماید، مانعت به عمل آورند.

این نبرد سه سال است که از درون دورافتاده‌ترین روستاها گرفته تا بالاترین ارگان‌های تصمیم‌گیری مملکتی ادامه دارد، و این درحالی است که اجرای بنیادی و ریشه‌ای قانون اصلاحات ارضی، که منجر به محو بزرگ مالکی و زمیندارشدن دهقانان تهیدست گردد، از هر نظر با پیشرفت و تعمیق انقلاب گره خورده و با جان آن عجین شده است و اگر انجام نگیرد، به گفته رئیس‌جمهور "یکی از پایه‌های انقلاب و جمهوری اسلامی ناقص است". (اطلاعات، ۲۱ دیماه ۶۰).

زنگ خطر برای نیروهای مومن به انقلاب

یورش همه‌جانبه عناصر مخالف اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و پیشرفت انقلاب، زنگ خطر را برای مسئولین متعهدی که قلبشان واقفا برای مستضعفین می‌تپد و واقفا در خط امام گام برمی‌دارند، به صدا درآورد. آن‌ها دریافتند که اگر خللی در اراده مصممان جهت خدمت به محرومین وارد آید، اگر در مقابل این تهاجمات عکس‌العمل نشان ندهند و در مقابل شانتاژها و فریب‌های حامیان مالکیت‌های غارتگرانه سکوت اختیار کنند، اگر از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی، که اجرای آن "فریضه" است، دفاع جانانه نکنند و "طرح" های گوناگونی را (نظیر همان طرح "سازنده نقره) که هر یک به نحوی می‌خواهند بزرگ مالکی باقی‌ماند و حتی خاری در پای آن نخلد، خنثی نکنند و یا مانع "ذبح شرعی" آن - به گفته آیت‌الله مشکینی - نشوند، بی شک منتها گامی به سود مستضعفین برنداشته‌اند، بلکه نسبت به منافع دهقانان زحمتکش، و بیشتر

از آن، نسبت به آینده انقلاب سکوت و بی‌تفاوتی اختیار کرده‌اند و حتی زمینه را برای موفقیت "شرکت سهامی ضدانقلاب" - به قول یکی از نمایندگان - آماده کرده‌اند.

موضع‌گیری‌های متعدهانه و امیدبخش

طبیعی بود که دولت‌مردان پیروخط امام، و مسئولان متعهدی که از جانب همین محرومان و مستضعفین وزیر و وکیل و دست‌اندرکار شده‌اند، نمی‌توانند نسبت به منافع آنان بی‌تفاوت باشند.

از همین روست که در این چند هفته پرحادثه و تعیین‌کننده، شاهدیم که مقامات و مسئولین انقلابی، از رئیس‌جمهور و رئیس مجلس و نخست‌وزیر گرفته تا بسیاری از ائمه جمعه و اکثر قریب به اتفاق نمایندگان مجلس شورای اسلامی، از سخنان پرشور آیت‌الله مشکینی و دفاع مستدل حجت‌الاسلام کروی و نامه مهم ۱۳۲ نماینده مجلس گرفته تا افراد دلسوز نهادهای انقلابی، دست‌اندر کاران دولتی و نیز دهقانان تهیدست و زحمتکش، هر یک به نوبه خود لزوم تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی را، که ریشه بزرگ مالکی را برکنند، گوشزد کرده‌اند.

از جمله آقای سلامتی وزیر کشاورزی معتقد است که قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب می‌تواند بسیاری از مشکلات را در زمینه کشاورزی حل کند و "نامستله زمین و مالکیت حل نشود، برنامه‌ریزی روی کشاورزی با مشکلات مواجه می‌شود". (اطلاعات، ۶ بهمن ۶۰)

آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور هم در دیدارش با وزیر کشاورزی در ۱۰ بهمن بر این مسئله تأکید کرد.

همچنین آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در مصاحبه‌های گوناگون پشتیبانی خود را از قانون اصلاحات ارضی بنیادی اعلام داشت و در دیدار با وزیر کشاورزی نوید داد که: "امیدواریم که مسئله زمین را به زودی حل کنیم" (اطلاعات، ۱۴ بهمن ۶۰).

آقای مهندس موسوی نخست‌وزیر گفته است: "برای هر برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی مخصوصا در زمینه کشاورزی ما احتیاج به روشن شدن تکلیف مساله زمین داریم" (کیهان، ۱۰ بهمن ۶۰)

آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور معتقد است که قانون مصوبه شورای انقلاب مورد تأیید سمن از آیات مذهبی و انقلابی "قانون بدی نیست" (اطلاعات، ۱۵ بهمن ۶۰).

نهادهای انقلابی و ارگان‌های دولتی نیز، که در پیوند نزدیک با دهقانان و مسائل کشاورزی هستند، پشتیبانی خود را از قانون اصلاحات ارضی و بند "ج" و "د" اعلام کردند. از جمله "جهاد سازندگی" درآمده ۹ قطعنامه سومین سمینار خود از مجلس شورای اسلامی خواسته است که مسئله زمین را با "لواح مناسب" و با استفاده از حکم تفویضی امام تصویب نماید. (اطلاعات، ۳ بهمن ۶۰). ارگان‌های انقلابی لرستان (اطلاعات، ۱۰ بهمن ۶۰)، "جهاد دانشگاهی" دانشگاه رازی، "هیئت واگذاری زمین گنبد" (اطلاعات، ۱۲ بهمن ۶۰)، انجمن اسلامی اداره کشاورزی قائم‌شهر (اطلاعات، ۱۸ بهمن ۶۰)، "کارکنان آموزش و پرورش استان اصفهان"، "کنگره سراسری شوراهای کارخانجات" (جمهوری اسلامی، ۱۷ بهمن ۶۰)، "شوراهای اسلامی روستاهای سیستان و بویژه اطراف زابل" و... خواست مصراانه خود را در زمینه اجرای هرچه قاطع‌تر و هرچه زودتر قانون اصلاحات ارضی و بند "ج" و "د" آن و پشتیبانی خود را از گفته‌های آیت‌الله مشکینی و نامه بیش از ۱۳ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعلام کرده‌اند.

سفر هیئت‌های ایرانی به کشورهای جهان

بسود انقلاب است

سفر نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به کشورهای مختلف جهان در سالگرد انقلاب نشان داد که ایران انقلابی نه فقط در دنیا تنها نیست، بلکه دوستان متعددی دارد.

به مناسبت سومین سالگرد انقلاب اسلامی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران، نزدیک به ۱۰۰ هیئت ایرانی به کشورهای مختلف جهان مسافرت کردند. هدف از این سفرها معرفی انقلاب اسلامی ایران، خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم خبری و گسترش روابط ایران با کشورهای دوست اعلام شد.

سفر هیئت‌های ایرانی به کشورهای مختلف جهان، که هنوز هم نشان داد که انقلاب اسلامی ایران برخلاف تبلیغات امپریالیسم خبری و ایادی امپریالیسم در ایران، منتها به هیچ وجه در جهان تنها نیست، بلکه دوستان متعددی دارد. آنچه در مطبوعات ایران تاکنون منعکس شده و برخی از آن‌ها را در زیر می‌خوانید، نشان دهنده این است که کشورهای مترقی جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، در کنار انقلاب اسلامی ایران قرار دارند.

آقای دکتر علی اکبرولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هفته گذشته به کشورهای لیبی و

الجزایر سفر کرد. در این دو کشور برادر، به گرمی از هیئت ایرانی استقبال شد و درگفت‌وگوهای دو جانبه، باردیگر بر روابط نزدیک و ضرورت هماهنگی برای مقابله با شیطان بزرگ - آمریکا تأکید شد.

نخست‌وزیر هند نیز در پاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

آیت‌الله مهدوی کنی سرپرست هیات اعزامی به هند، در دیدار با خانم گاندی، نخست‌وزیر این کشور ضمن اشاره به ثبات جمهوری اسلامی ایران گفت:

"چون هند خواهان آزادی و استقلال است، ما خواهان بسط روابط اقتصادی و فرهنگی با شما هستیم".

نخست‌وزیر هند نیز در پاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

سفر هیئت‌های ایرانی به کشورهای مختلف جهان، که هنوز هم نشان داد که انقلاب اسلامی ایران برخلاف تبلیغات امپریالیسم خبری و ایادی امپریالیسم در ایران، منتها به هیچ وجه در جهان تنها نیست، بلکه دوستان متعددی دارد.

آنچه در مطبوعات ایران تاکنون منعکس شده و برخی از آن‌ها را در زیر می‌خوانید، نشان دهنده این است که کشورهای مترقی جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، در کنار انقلاب اسلامی ایران قرار دارند.

آقای دکتر علی اکبرولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هفته گذشته به کشورهای لیبی و

الجزایر و لیبی و تونس سفر کرد. در این دو کشور برادر، به گرمی از هیئت ایرانی استقبال شد و درگفت‌وگوهای دو جانبه، باردیگر بر روابط نزدیک و ضرورت هماهنگی برای مقابله با شیطان بزرگ - آمریکا تأکید شد.

نخست‌وزیر تونس نیز در پاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

آیت‌الله مهدوی کنی سرپرست هیات اعزامی به تونس، در دیدار با خانم بن علی، نخست‌وزیر این کشور ضمن اشاره به ثبات جمهوری اسلامی ایران گفت:

"چون تونس خواهان آزادی و استقلال است، ما خواهان بسط روابط اقتصادی و فرهنگی با شما هستیم".

به مناسبت سومین سالگرد انقلاب اسلامی، ضدامپریالیستی و مردمی ایران، نزدیک به ۱۰۰ هیئت ایرانی به کشورهای مختلف جهان مسافرت کردند. هدف از این سفرها معرفی انقلاب اسلامی ایران، خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم خبری و گسترش روابط ایران با کشورهای دوست اعلام شد.

سفر هیئت‌های ایرانی به کشورهای مختلف جهان، که هنوز هم نشان داد که انقلاب اسلامی ایران برخلاف تبلیغات امپریالیسم خبری و ایادی امپریالیسم در ایران، منتها به هیچ وجه در جهان تنها نیست، بلکه دوستان متعددی دارد. آنچه در مطبوعات ایران تاکنون منعکس شده و برخی از آن‌ها را در زیر می‌خوانید، نشان دهنده این است که کشورهای مترقی جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، در کنار انقلاب اسلامی ایران قرار دارند.

آنچه در مطبوعات ایران تاکنون منعکس شده و برخی از آن‌ها را در زیر می‌خوانید، نشان دهنده این است که کشورهای مترقی جهان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، در کنار انقلاب اسلامی ایران قرار دارند.

آقای دکتر علی اکبرولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هفته گذشته به کشورهای لیبی و

الجزایر و لیبی و تونس سفر کرد. در این دو کشور برادر، به گرمی از هیئت ایرانی استقبال شد و درگفت‌وگوهای دو جانبه، باردیگر بر روابط نزدیک و ضرورت هماهنگی برای مقابله با شیطان بزرگ - آمریکا تأکید شد.

نخست‌وزیر تونس نیز در پاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

آیت‌الله مهدوی کنی سرپرست هیات اعزامی به تونس، در دیدار با خانم بن علی، نخست‌وزیر این کشور ضمن اشاره به ثبات جمهوری اسلامی ایران گفت:

"چون تونس خواهان آزادی و استقلال است، ما خواهان بسط روابط اقتصادی و فرهنگی با شما هستیم".

نخست‌وزیر تونس نیز در پاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

آیت‌الله مهدوی کنی سرپرست هیات اعزامی به تونس، در دیدار با خانم بن علی، نخست‌وزیر این کشور ضمن اشاره به ثبات جمهوری اسلامی ایران گفت:

"چون تونس خواهان آزادی و استقلال است، ما خواهان بسط روابط اقتصادی و فرهنگی با شما هستیم".

نخست‌وزیر تونس نیز در پاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

آیت‌الله مهدوی کنی سرپرست هیات اعزامی به تونس، در دیدار با خانم بن علی، نخست‌وزیر این کشور ضمن اشاره به ثبات جمهوری اسلامی ایران گفت:

"چون تونس خواهان آزادی و استقلال است، ما خواهان بسط روابط اقتصادی و فرهنگی با شما هستیم".

نخست‌وزیر تونس نیز در پاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

آیت‌الله مهدوی کنی سرپرست هیات اعزامی به تونس، در دیدار با خانم بن علی، نخست‌وزیر این کشور ضمن اشاره به ثبات جمهوری اسلامی ایران گفت:

"چون تونس خواهان آزادی و استقلال است، ما خواهان بسط روابط اقتصادی و فرهنگی با شما هستیم".

نخست‌وزیر تونس نیز در پاسخ، ضمن خوشامدگویی، خواهان گسترش روابط دو کشور شد. (اطلاعات، ۱۷ بهمن ۶۰)

سه سال ایثار و از جان گذستگی دهقانان در تداوم انقلاب سه سال انتظار

انقلاب به چهارمین سال تولد خود پا گذاشته است، انقلابی که پیروزی آن را، به گفته امام خمینی مدیون جانبازی‌ها و فداکاری‌های مستضعفان و کوخ نشینان هستیم. جای تردید نیست که در این پیروزی بزرگ و چشمگیر خیل پر شمار زحمتکشان و مستضعفان روستا، بویژه دهقانان زحمتکش بی‌زمین و کم‌زمین، که سالیان دراز ستم‌شاهی و ستم‌خانی و اربابی را با پوست و گوشت خود احساس کرده‌اند، سهم بسزایی داشته و این سهم عظیم و موثر را در بعد از انقلاب جهت حفظ دستاوردهای ارزشمند آن و پیشبرد انقلاب و دستیابی به خودکفایی و استقلال در زمینه کشاورزی حفظ کرده‌اند.

اما اگر متأسفانه سومین سال پیروزی انقلاب کوخ‌نشینان و مستضعفان را در حالی پشت سر گذاشتیم که هنوز عمده‌ترین و اصلی‌ترین خواست دهقانان تهیدست عملی نشده و هنوز یکی از خواسته‌های اساسی انقلاب و جمهوری اسلامی، که "حتما باید انجام پذیرد" بدون پاسخ مانده است، با این حال افق سال چهارم روشن است. تحول وقایع و موضوعگیری‌های پادشده و مقابله قاطع جهت الاسلام کروی با نظریات مخالفی که متأسفانه از جانب حجت‌الاسلام یزدی

بیان شده بود، این امید را می‌آفریند که در چهارمین بهار آزادی، دهقانان عید واقعی را برپا کنند.

دهقانان تهیدست در حالی سومین سالگرد انقلاب را برگزار کردند و جشن گرفتند که هنوز اثرات سیادت و حاکمیت و مالکیت بزرگ مالک و ارباب بر بالای سر آن‌ها سنگینی می‌کند و آن‌ها هنوز نتوانسته‌اند بطور ملموس و عینی در این زمینه حیاتی از ثمرات انقلاب بهره‌مند شوند و کامشان از شهد آن شیرین گردد.

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، عقیده دارند که عید مستضعفان آن روزی است که آن‌ها به زندگی صحیح و سالم مادی و معنوی برسند و مقامات مسئول باید تمام جهدها را بکارند تا آن‌ها را از این زندگی صحیح و سالم بهره‌مند سازند. گام اول برای برگزاری این "عید"، تصویب قانون است، قانونی که واقعا در عمل، به طور همه‌جانبه، بدون ماسحات و "ذبح شرعی" و "کلاه عرفی" به سلطه سرمایه‌داران ارضی و فئودالها، که با استناد به اسناد قلابی، زمینهای وسیعی را در اختیار خود نگهداشته‌اند خاتمه بخشد. این وظیفه به ویژه در برابر نمایندگان متعهد، انقلابی و دلسوز مجلس شورای اسلامی قرار دارد، که بکوشند از حکم تفویضی امام خمینی، که بیش از چهارماه از صدور آن می‌گذرد و اینک دیگر به دنبال آخرین ملاقات روسای قوای مقننه و اجراییه و قضائیه با امام، موقع بهره‌گیری از آن در حل عمده‌ترین معضلات جامعه انقلابی رسیده است، استفاده کنند.

بیشک بزرگ مالکان و حامیان آن‌ها

در ارگان‌های تصمیم‌گیری و دولتی و نهادهای انقلابی (بطور عمده لیبرالها و قشربون "یک‌بعدی") و هواداران ناآگاه آن‌ها، که با فشاری روی اجرای قانون اصلاحات ارضی بنیادی را نتیجه "جوسازی" و "اجرای آن را تنها مسکن" است، به حال دهقانان تهیدست، اقتصاد کشاورزی و انقلاب میدانند، دست از مبارزه علیه نیروهای مومن و متعهد برنخواهند داشت. نبردی در پیش است که به باور ما نیروهای مومن به خط امام و همه انقلابیون راستین می‌توانند در آن به پیروزی برسند، یعنی انقلاب را در یک مرحله دیگر خود به پیروزی برسانند.

اجرای قانون اصلاحات ارضی یک اقدام لازم و بنیادی در جهت جلوگیری از مظالم و تعدیات مالکان بزرگ بر دهقانان رنج دیده است، یک گام اساسی برای محو یکی از پایگاه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا در درون میهن انقلابی ماست، یک اقدام موثر در جهت پیشرفت اقتصاد کشاورزی و در نهایت شکوفایی و اعتلای انقلاب است. اگر نمایندگان محترم و متعهد مجلس شورای اسلامی، قانون اصلاحات ارضی بنیادی را، با آن ویژگی‌هایی که برشمرديم، به تصویب برسانند، همه انقلابیون و دوستداران پیشرفت و تعمیق انقلاب بویژه دهقانان تهیدست و زحمتکش با دل و جان از آن به دفاع خواهند پرداخت و نیروی اندک مشتاقان را در برابر این دفاع و پشتیبانی میلیونی غارت‌شدگان، یارای مقاومت نیست.

بکوشیم تا دهقانان زحمتکش عید واقعی خود را برپا کنند.

بکوشیم تا دهقانان زحمتکش عید واقعی خود را برپا کنند.

بکوشیم تا دهقانان زحمتکش عید واقعی خود را برپا کنند.

بکوشیم تا دهقانان زحمتکش عید واقعی خود را برپا کنند.

بکوشیم تا دهقانان زحمتکش عید واقعی خود را برپا کنند.

بکوشیم تا دهقانان زحمتکش عید واقعی خود را برپا کنند.

بکوشیم تا دهقانان زحمتکش عید واقعی خود را برپا کنند.



زرفش پدیده‌های بحرانی

دراقتصاد آمریکا

پیام ریگان رئیس جمهور آمریکا در آستانه ارائه لایحه بودجه سال ۱۹۸۲ به کنگره آمریکا که در آن از مردم آمریکا خواسته شده بود که خود را برای تحمل فشارها و دشواری‌های اقتصادی بیشتری در سال آینده آماده کنند، در تشدید پدیده‌های بحرانی در اقتصاد بزرگترین کشور سرمایه داری، بازتاب روشنی یافته است.

روزنامه بورژوازی بزرگ فرانسه "لوموند" (۲۲ ژانویه ۱۹۸۲) تأکید میکند که تولید ناخالص ملی ایالات متحده آمریکا، طی سه ماه آخر سال ۱۹۸۲ به میزان ۲ درصد تنزل یافته و نوسانات ناهنجار و پدیده‌های بحرانی، مجموعه سیستم اقتصادی آمریکا را زیر چنگال خود فشار میدهد.

هم اکنون کسری بودجه آمریکا از مرز ۱۵۰ میلیارد دلار فراتر رفته و طبق پیش‌بینی کارشناسان مالی و اقتصادی، تا اواخر سال جاری مسیحی، این رقم به ۱۵۰ میلیارد دلار خواهد رسید. در حال حاضر ۹ درصد جمعیت فعال در ایالات متحده آمریکا بیکار هستند و تا بهار سال آینده شمار بیکاران در آمریکا به مرز ۱۰ میلیون نفر می‌رسد.

بدیهی است که بار سنگین این پدیده‌های بحرانی و فشارهای اقتصادی مستقیماً به دوش اکثریت مردم زحمتکش آمریکا تحمیل میشود و روزی زندگی آنان را با دشواری‌های بیشتری مواجه میسازد. در حالیکه رقم بودجه نظامی سال به سال افزایش می‌یابد و در بودجه سال جاری ۲۶۳ میلیارد دلار برآورده شده است، برای جبران ناپسندانی‌های اقتصادی و کمبودهای مالی، از اعتبارات خدمات اجتماعی، بیمه، اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی، آموزش و پرورش و فرهنگ کاسته میشود. در سال جاری ۲۷ هزار میلیون دلار از این اعتبارات کاسته شده است. بخش اعظم ارقام نجومی بودجه نظامی، برای تولید جنگ افزارهای مدرن، از جمله بمب افکن‌های "بی-۱" "موشک‌های میان برد بالستیک" ام-اس، زبردستی‌های "تراپنت" و سلاح‌های شیمیایی و میکروبی به مصرف خواهد رسید. روشن است که مجتمع‌های نظامی-صنعتی آمریکا، که از جانب "پنتاگون" (وزارت دفاع آمریکا) سفارش ساختن این سلاح‌ها به آنان واگذار میشود، از این راه سودهای کلانی به جیب خواهند زد. و این خود نمودار بارزی از نقش دولت سرمایه داری انحصاری آمریکا است، که همه چیز را در خدمت انحصارات سرمایه داری قرار میدهد و به حساب فقر و فلاکت فزاینده توده‌های عظیم خلق، در تامين حداکثر درآمد برای صاحبان این انحصارات غارتگر کوشش می‌ورزد.

با آگاهی به این سرشت سیستم سرمایه داری دولتی است که میتوان به انگیزه‌های واقعی کل سیاست امپریالیستی و استراتژی سیاسی- نظامی جهانی دولت ایالات متحده آمریکا، سیاست نظامیگری به مقیاس جهانی، سابقه تسلیحاتی، پشتیبانی از رژیم‌های ضد خلقی و دیکتاتورهای نظامی در مناطق مختلف جهان و ستیزه‌جویی و توطئه و تخریب علیه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مستقل ملی و کلیه انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی و استقلال طلبانه به درستی پی برد. در لحظه کنونی، نتایج و عملکردهای این استراتژی سیاسی- نظامی امپریالیسم آمریکا را در مناطق مختلف جهان، از جمله به صورت زیرین میتوان مشاهده کرد.

مداخله نظامی آمریکا در سایر کشورهای آمریکای لاتین

تفسیر وقایع مهم جهان

واقع در کاستاریکا، اظهار داشت که ارتش رژیم دیکتاتوری السالوادور روستاهای بخش‌سازنی و بیست و روستاهای ویلا دلورین، ویکتوریا، سان استپانو و چند روستای دیگر را زیر آتش توپ و خمپاره به تلخاکستر تبدیل کرده و اهالی این روستاها را نابود ساخته اند.

توماس مارکین نماینده دمکرات در مجلس نمایندگان آمریکا اظهار داشت که آنچه در سان آنتونیو، واقع در حومه سان سالوادور روی داده، یک قتل عام آشکار است که به دست ارتشیان رژیم دیکتاتوری السالوادور انجام گرفته است. در این باره شاهدان همچنین اظهار داشتند که سربازان رژیم به خانه‌ها ریخته و ساکنان خانه‌ها را از زن و مرد و پیر و جوان به خیابان‌ها کشیده و اعدام کرده اند.

ولی دولت ریگان، درست پس از وقوع این جنایات، تصمیم گرفت که مزد رژیم دست‌نشانده خود را به صورت اعتبار برای خرید سلاح و تجهیزات نظامی به مبلغ ۱۸۵ میلیون دلار برآورد. و این در حالی است که ستن از نمایندگان کنگره آمریکا، پس از بازدید یک گورستان جمعی در السالوادور، به جنایات رژیم این کشور، که دولت ریگان از آن پشتیبانی می‌کند، اعتراف کردند.

مردم جهان به طور روزافزونی به جنایات آمریکا و مزدورانش در السالوادور اعتراض می‌کنند. از جمله روز شنبه اول اسفند ماه چندین هزار تن از اهالی آلمان غربی در شهر مونیخ علیه مداخله نظامی آمریکا در السالوادور و پشتیبانی دولت آمریکا از رژیم جنایتکار السالوادور تظاهرات خیابانی تشکیل دادند. در این تظاهرات مداخله آمریکا در السالوادور به مثابه جنگ امپریالیستی علیه مردم این کشور محکوم گردید. در پایان این تظاهرات، نامه‌ای به امضای ۲۵۰۰ نفر برای تسلیم به وزارت امور خارجه جمهوری فدرال آلمان به تصویب رسید، که طی آن از دولت آمریکا خواسته شده است که مستشاران نظامی و کماندوهای سرکوبگر خود را از السالوادور خارج کند و مداخله نظامی خود در این کشور را قطع نماید. در این نامه ذکر شده است که ارتشیان رژیم دیکتاتوری السالوادور، به فرماندهی مستشاران نظامی آمریکا و کمک‌کماندوهای آمریکائی، تنها در ماه شهریور سال جاری ۱۰۰۰ تن از افراد عادی این کشور را، که نیمی از آنان خردسال بوده اند، به قتل رسانده اند. در این نامه خاطر نشان شده است که این جنایات همراه با کمک‌های عظیم نظامی و مالی دولت آمریکا، برای حفظ رژیم دیکتاتوری خوزه ناپلئون دومارته، انجام میگردد.

۳۵۰ اسقف کاتولیک در کنفرانس ملی اسقف‌های جهان اعتراض شدید خود را نسبت به سیاست دولت آمریکا در کشورهای آمریکای مرکزی اعلام کردند و کمک‌های نظامی و مداخله نظامی آمریکا در السالوادور را محکوم ساختند. بنوشته روزنامه نیویورک تایمز، کنفرانس ملی اسقف‌های جهان از کنگره آمریکا خواستار شد که کمک‌های نظامی آمریکا را به رژیم‌های دیکتاتوری در کشورهای آمریکای مرکزی قطع کند.

رهبر کلیسای کاتولیک السالوادور اظهار داشت که در جریان بازرسی، بازرسان نظامی متهمین را شکنجه و آزار میکنند. برنامه سرکشاده شخصیت‌های روحانی خطاب به کنگره آمریکا، که درواشکنگن انتشار یافته گفته شده است که ریگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا مسئولیت‌های معنوی و اخلاقی خود را زیر پا گذاشته است. در این نامه از کنگره آمریکا خواسته شده است که دولت آمریکا را به قطع کمک‌های نظامی به السالوادور و پایان دادن به آموزش نظامی به ۱۶۰۰ نفر از ارتشیان السالوادور در خاک آمریکا، وادار سازد.

مردم جهان به جنایت آمریکا و مزدورانش در السالوادور اعتراض می‌کنند

مردم جهان به طور روزافزونی به جنایات آمریکا و مزدورانش در السالوادور اعتراض می‌کنند. از جمله روز شنبه اول اسفند ماه چندین هزار تن از اهالی آلمان غربی در شهر مونیخ علیه مداخله نظامی آمریکا در السالوادور و پشتیبانی دولت آمریکا از رژیم جنایتکار السالوادور تظاهرات خیابانی تشکیل دادند. در این تظاهرات مداخله آمریکا در السالوادور به مثابه جنگ امپریالیستی علیه مردم این کشور محکوم گردید. در پایان این تظاهرات، نامه‌ای به امضای ۲۵۰۰ نفر برای تسلیم به وزارت امور خارجه جمهوری فدرال آلمان به تصویب رسید، که طی آن از دولت آمریکا خواسته شده است که مستشاران نظامی و کماندوهای سرکوبگر خود را از السالوادور خارج کند و مداخله نظامی خود در این کشور را قطع نماید. در این نامه ذکر شده است که ارتشیان رژیم دیکتاتوری السالوادور، به فرماندهی مستشاران نظامی آمریکا و کمک‌کماندوهای آمریکائی، تنها در ماه شهریور سال جاری ۱۰۰۰ تن از افراد عادی این کشور را، که نیمی از آنان خردسال بوده اند، به قتل رسانده اند. در این نامه خاطر نشان شده است که این جنایات همراه با کمک‌های عظیم نظامی و مالی دولت آمریکا، برای حفظ رژیم دیکتاتوری خوزه ناپلئون دومارته، انجام میگردد.

۳۵۰ اسقف کاتولیک در کنفرانس ملی اسقف‌های جهان اعتراض شدید خود را نسبت به سیاست دولت آمریکا در کشورهای آمریکای مرکزی اعلام کردند و کمک‌های نظامی و مداخله نظامی آمریکا در السالوادور را محکوم ساختند. بنوشته روزنامه نیویورک تایمز، کنفرانس ملی اسقف‌های جهان از کنگره آمریکا خواستار شد که کمک‌های نظامی آمریکا را به رژیم‌های دیکتاتوری در کشورهای آمریکای مرکزی قطع کند.

رهبر کلیسای کاتولیک السالوادور اظهار داشت که در جریان بازرسی، بازرسان نظامی متهمین را شکنجه و آزار میکنند. برنامه سرکشاده شخصیت‌های روحانی خطاب به کنگره آمریکا، که درواشکنگن انتشار یافته گفته شده است که ریگان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا مسئولیت‌های معنوی و اخلاقی خود را زیر پا گذاشته است. در این نامه از کنگره آمریکا خواسته شده است که دولت آمریکا را به قطع کمک‌های نظامی به السالوادور و پایان دادن به آموزش نظامی به ۱۶۰۰ نفر از ارتشیان السالوادور در خاک آمریکا، وادار سازد.

خلق‌های آمریکای لاتین پیروزند اما با وجود جنایات و تبهکاری‌های رژیم دیکتاتوری السالوادور و مداخله نظامی آمریکا در سرزمین السالوادور، تناسات نیروها در این جنگ به سود نیروهای ضد امپریالیستی و استقلال طلب این کشور در تغییر است. گیلرمو انگو، رهبر جنبه دمکراتیک‌رئالی بخش السالوادور اظهار داشت، در صورتیکه مداخله نظامی آمریکا وجود نداشت، تا

از همکاری میان کشورهای خلیج فارس، از جمله هم- کاری آنان در زمینه امنیتی خوشنود است. وی افزود که اگر از جانب کشورهای این منطقه در- خواست شود، انگلیس در منطقه خلیج فارس مداخله خواهد کرد.

بدینسان، امپریالیسم فرتوت بریتانیا، در واپسین نفس‌های خود هنوز هم، قصد ندارد از منافع آزمندانانه خود در این منطقه دست بردارد امپریالیسم انگلیس تلاش دارد که در فعالیت- های نظامی و توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های وابسته علیه کشورهای مستقل ملی و جنبش‌های رهایی بخش خلق‌های این منطقه حضور خود را اعلام کند، تا در این ماجراها هم به ارباب آمریکائی کمک کند و هم از رقیب آمریکائی عقب نماند. در ارتباط با گسترش فعالیت‌های سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ضد خلقی و وابسته در منطقه، مسافرت آدمیرال ایویسن فرمانده ستاد مشترک نیروهای مسلح انگلیس به پاکستان و دیدار درباردار بل فرمانده واحدهای زبردستی پیمان نظامی "ناتو" مستقر در مدیترانه، از ترکیه نیز شایان توجه است. دیدار این دو فرمانده نظامی از کشورهای ترکیه و پاکستان به فعالیت‌های نظامی امپریالیسم آمریکا در این منطقه ابعاد گسترده تری میدهد و راه مداخله نظامی مستقیم پیمان نظامی تجاوزکار "ناتو" در این منطقه راهوار میسازد.

بدین ترتیب، امپریالیسم جهانی به سر- کردگی امپریالیسم آمریکا با هدف مداخله نظامی برای براندازی نظام‌های انقلابی و مستقل ملی در این منطقه، تمام اهرم‌های سیاسی نظامی خود را به مقیاس جهانی بکار گرفته است. روشن است که مقابله با چنین فعالیت‌ها و توطئه‌هایی نیز باید به مقیاس منطقه‌ای و جهانی انجام گیرد. چنانکه آقای خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی ایران در سخنان خود در جریان دیدار با وزیر بازرگانی خارجی جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی خاطر نشان کرد: "همه کشورهای مترقی عالم باید با استحکام پیوندهایشان جنبه مستحکم علیه امپریالیسم و اقمارش در سطح جهان به وجود آورند." (اطلاعات سوم اسفند ۶۰)

جنبه ضد امپریالیستی مستحکمتر می‌شود

روز دوم اسفند ۶۰ "کنفرانس مقاومت علیه امپریالیسم، صهیونیسم و نژادپرستی" کار خود را در طرابلس، پایتخت لیبی، آغاز کرد. در این کنفرانس نمایندگان ۲۴ کشور و جنبش‌های بخش شرکت داشتند. معمر قذافی رهبر لیبی، طی نطق خود در این کنفرانس، اظهار داشت که امپریالیسم آمریکائی شرمانه سیاست ما را جوابانه خود را علیه مردم لیبی و خلق‌های این منطقه اعمال میکند. وی گفت که رئیس جمهور آمریکا و نوکرانش دشمنی خود را این خلق‌ها را علنی کرده اند. معمر قذافی خاطر نشان کرد که مردم لیبی در برابر آمریکا و مزدورانش ایستادگی خواهند کرد و یک میلیون مردم این سرزمین کارخانه‌ها و مزارع و مدارس را به سنگر مبارزه تبدیل خواهند کرد، تا در برابر امپریالیسم آمریکا ایستادگی نمایند.

در پایان کار این کنفرانس، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که طی آن، شرکت کنندگان در کنفرانس بر پشتیبانی خود از مبارزه جنبش‌های رهایی بخش و خلق‌های منطقه علیه امپریالیسم آمریکا و در راه استقلال و آزادی تأکید کرده اند. از سوی دیگر، در همان روز (دوم اسفند) در دهلی نو پایتخت هند، کنفرانس اقتصادی جنوب جنوب (با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور رشد یافته گشایش یافت. از جانب جمهوری اسلامی ایران آقای عادل مدیر کل اقتصادی وزارت امور خارجه در این کنفرانس شرکت کرد. بانوایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند در سخنان خود در این کنفرانس ضرورت استقرار نظام جدید در روابط اقتصادی جهانی را، که باید بر پایه برابری حقوق و عدالت باشد، خاطر نشان کرد. بانوایندیرا گاندی اظهار داشت که جنبه‌های غیر عادلانه روابط اقتصادی کشورهای صنعتی رشد یافته غرب با کشورهای رشد یافته، مانع عمده رشد اقتصادی کشورهای رشد یافته است.

این گردهمایی‌ها و تأکید رهبران کشورهای مستقل ملی بر مواضع قاطع و مشخص در مبارزه بر ضد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، نمودار گرایش‌های امیدبخشی است که موجب استحکام جنبه گسترده ضد امپریالیستی خلق‌ها در برابر توطئه‌ها و فعالیت‌های مداخله‌گرانه امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ضد خلقی وابسته خواهد شد.

ادامه فعالیت‌های نظامی و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های وابسته در منطقه

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به دستیاری رژیم‌های ضد خلقی و وابسته همچنان به فعالیت‌های نظامی و توطئه علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه ادامه میدهد. به دنبال تشکیل "شورای همکاری خلیج" (فارس) و عقد قرارداد‌های همکاری نظامی میان رژیم‌های ارتجاعی از یک سو و تشکیل "کمیته‌های مشترک" آمریکا با این رژیم‌ها، از سوی دیگر، دایره این پیمان‌های نظامی، با جلب کشورهای جدید، گسترش می‌یابد.

روز سه شنبه ۴ اسفند ۶۰ رژیم عربستان سعودی و عراق یک قرارداد همکاری در زمینه اصطلاح امنیتی امضا کردند. نایف وزیر کشور رژیم سعودی اعلام کرد که بزودی قرارداد مشابهی میان عربستان با کویت و عمان به امضاء خواهد رسید. روز چهارم اسفند رئیس‌جمهور یمن شمالی در چهارمین روز مسافرت‌های خود به کشورهای خلیج فارس، وارد نامه پایتخت بحرین شد. هدف از این دیدار پیوستن یمن شمالی به "شورای همکاری خلیج" (فارس) است. عربستان سعودی قرارداد‌های مشابهی با حکام بحرین، قطر و امارات متحد عربی بسته است.

از سوی دیگر، حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر در جریان دیدار اخیر خود از عمان، حمایت رژیم مصر را از "شورای همکاری خلیج" (فارس) اعلام کرده است. سلطان قابوس نیز متقابلاً سیاست رژیم مصر را در مورد موافقت نامه‌های کمپ دیوید مورد تأیید قرارداد. در پایان این دیدار اعلامیه مشترکی انتشار یافت که در آن بر لزوم گسترش روابط همه جانبه میان رژیم‌های مصر و عمان تأکید شده است.

سخنان داگلاس هود، وزیر مشاور در امور خارجی انگلیس، در بحرین، ماهیت این قرارداد‌های نظامی و به اصطلاح امنیتی را، که از جانب رژیم‌های ارتجاعی و ضد خلقی این منطقه بدستور امپریالیسم آمریکا بسته شده است، افشاء میکند. داگلاس هود در جریان دیدار خود از بحرین در مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که، دولت انگلیس



مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

آمریکاتو طئه‌های جدیدی را

علیه ایران آغاز کرده است

نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار اجرای بند «ج» شدند.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: ریشه جنایت (بمب گذاری در عشرت آباد) را آمریکا و امروز فرانسه می دانیم. ضد انقلاب می خواهد جمهوری اسلامی را وادار به خشونت کند. نباید در این دام بیفتیم.

در جلسات علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، بر ضرورت اجرای بند "ج" و اصلاحات ارضی تاکید شد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته همچنین در مورد توطئه های جدید آمریکا علیه انقلاب ایران هشدار دادند.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، روز ۲ اسفند ۶۰ ابتدا بر ریاست حجت الاسلام خوییینی ها و سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. در این جلسه چند طرح و لایحه مورد بررسی و تصویب قرار گرفت و همچنین اعتبارنامه "خسرو ناظمی" نماینده کلیمیان ایران تصویب شد. در این جلسه عباس دوزدوزانی نماینده تبریز در سخنان پیش از دستور، ضمن اشاره به سفر خود به خارج از کشور به مناسبت سومین سالگرد انقلاب، از مسئولین خواست که از زمینه های به وجود آمده در این سفرها، بهره برداری لازم را به عمل آورند.

مجلس شورای اسلامی در دومین جلسه خود در هفته گذشته، که روز ۴ اسفند ۶۰ به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، جنایت عوامل ضد انقلاب در میدان سپاه (عشرت آباد) تهران را به شدت محکوم کرد.

خون دهنده یا خونخوار؟

دومین سخنران این جلسه کاظم نوروزی نماینده آمل بود. وی ابتدا به تشریح توطئه عوامل ضد انقلاب برای به تشنج کشاندن آمل پرداخت و تاکید کرد که بین دستگیر شدگان "حتی یک نفر فقیر وجود ندارد"، همچنانکه بین شهدا و مجروحین حادثه نیز "یک تن سرمایه دار نیست."

نماینده آمل نیز در پایان سخنان خود بر لزوم تصویب قانون اصلاحات ارضی توسط مجلس و اجرای دقیق آن از طرف دولت تاکید کرد و گفت:

سفر هیئت های

چکسلواکی با مقامات این کشور انجام داد، از جمله نخست وزیر چکسلواکی "ضمن تبریک فرارسیدن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، خواستار توسعه روابط دو کشور ایران و چکسلواکی در زمینه های گوناگون خصوصا اقتصادی شد." (اطلاعات - ۶۰/۱۲/۳)

نیکارگوئه

هیئت دیگری از جمهوری اسلامی ایران به ریاست احمد عزیزی، قائم مقام وزارت امور خارجه، در جریان دیدار خود از نیکارگوئه، با مقامات این کشور گفتگوهایی انجام داد. دکتر رافائل کوردوباریوز، عضو شورای حکومتی این کشور، در جریان ملاقات با هیئت ایرانی با اشاره به "صربه" استگینی که انقلاب ایران به منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا وارد آورد، خاطر نشان کرد:

"ما احترام خاصی برای مردم ایران و امام خمینی قائم ویزگیهای انقلاب شما را بخوبی درک میکنیم." احمد عزیزی نیز در این دیدار با اشاره به اهمیت روابط نزدیک بین کشورهای مستضعف و موضع ضد-آمریکایی و ضد امپریالیستی نیکارگوئه نسبت به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با این کشور اظهار علاقه کرد و اظهار امیدواری کرد که در سفری که

"اکنون همه کنجکاوانه و هیجان انگیزانه کد امیکاز اظهار نظرها و موضع گیری های ماسودی برند، خون دهنده یا خونخوار انشاء الله که دومی نباشد."

پس از سخنان ناطقین پیش از دستور حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در باره فاجعه بمب گذاری در میدان سپاه سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

"از نظر ما در این جنایات همه گروه های ضد انقلاب و محارب به عنوان عامل مجرمند و مسئول، و ریشه جنایت را آمریکا می دانیم و امروز فرانسه، برای اینکه این جنایتکارها امروز در فرانسه جمع شده اند و مشترکات توطئه می ریزند."

رئیس مجلس سپس با اشاره به وقایع آمل گفت:

"مواکزی را در تهران شناسایی کردیم که در همین رابطه از آمریکا پول گرفته اند و پول خرج کرده اند."

رئیس مجلس اضافه کرد: "مخصوصا امروز فرانسه مرکز تجمع این جنایتکارها شده، بختیار، بنی صدر، اویسی، ازهارای و عبورومرور رضا پهلوی و امثال اینها که ما می دانیم اینها همه نجاهستند و این فرانسه است

هیات عالیترتبه نیکارگوئه در آینده نزدیک به ایران خواهند داشت، چگونگی توسعه روابط فیما بین مورد بررسی و موشکافی قرارگیرد." (همان جا).

مجارستان

هیئت اعزامی ایران به ریاست عباس دوزدوزانی، در دیدار از مجارستان، با معاون مجلس این کشور ملاقات کرد و طی آن "توطئه های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و مزدورانش علیه انقلاب ایران مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت." (کیهان ۲۵ بهمن ۶۰).

رومانی

هیئت اعزامی به سرپرستی آقای دکتر جاسبی به چند کشور سوسیالیستی اروپا، از رومانی نیز دیدار کرد و در این سفر با رئیس مجلس رومانی، معاون نخست وزیر و وزیر آموزش این کشور ملاقات کرد و پیرامون توسعه روابط بین دو کشور گفتگوهایی بعمل آورد. (کیهان ۲۵ بهمن ۶۰).

اتحاد شوروی

هیئت اعزامی به ریاست آقای دکتر غفوری فرد وزیر نیرو، که به اتحاد شوروی سفر کرد، از چند شهر این کشور دیدار کرد و با مقامات این کشور به گفتگو نشست. در پایان این سفر، دکتر غفوری فرد اظهار داشت که پروتکلی در زمینه برخی همکاریهای فنی میان دو کشور به امضاء رسیده

که آن ها را متحد کرده و فرانسه باید در آینده تاریخ جوابگوی ملت ما باشد. البته فرانسه هم بدون آمریکا کار نمی کند."

رئیس مجلس ضمن سخنان خود یکی از مهم ترین دلایل ضد انقلاب را در انجام اینگونه اعمال، وادار کردن جمهوری اسلامی به خشونت ذکر کرد و گفت:

"این ها می خواهند کارهایی بکنند که از لحاظ روانی جمهوری اسلامی وادار به خشونت شود که چهره جمهوری را در دنیا بد نشان دهند. اما ما نباید در این دام بیفتیم. ما باید راه خودمان را برویم و بر اعصاب ما مسلط باشیم، با مجرم مثل مجرم رفتار کنیم و با تائب مثل تائب و با اصلاح پذیرها مثل اصلاح پذیرها و با جانانیان بالفطره مثل جانانیان بالفطره. و همانطور که قرآن از ما خواسته عمل کنیم، زیرا ما مسلمانیم."

پرهیز از دام ضد انقلاب

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی سپس به برخورد امام خمینی با این حادثه اشاره کرد و گفت:

"درست همان لحظاتی که خبر است. (جراید، ۲۲ تا ۲۷ بهمن ۶۰) همچنین حجت الاسلام خوانساری یکی از اعضای این هیئت، درباره این سفر گفت:

"ما در دیدار با رهبران مذهبی مسلمانان شوروی، این مطلب را به خوبی دریافتیم که آنها نیز مدافع انقلاب اسلامی ایران هستند و برای تداوم این انقلاب، تلاش میکنند." (اطلاعات، سوم اسفند ۶۰).

کوبا

هیئت اعزامی ایران به ریاست احمد عزیزی، قائم مقام وزیر امور خارجه، با فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس جمهور کوبا دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار احمد عزیزی، با اشاره به مبارزه دو کشور علیه امپریالیسم بین المللی به سرکردگی آمریکا، آن را "وجه اشتراک دو انقلاب ایران و کوبا دانست" و خواستار آن شد که "کشورهای انقلابی که خود را روی روی آمریکا میدانند" علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران موضع گیری کنند.

فیدل کاسترو نیز در سخنان خود گفت:

"جمهوری اسلامی ایران بانبروی مردمی و مذهبی، قابلیت استقامت در مقابل همه توطئه ها را دارد و من هیچ نگرانی از ثبات کشور شما ندارم" رهبر کوبای انقلابی لشکرکشی اردن علیه انقلاب اسلامی ایران را

این جنایت هولناک را به امام عرض کردند مادر حضورشان بودیم، همان لحظاتی بود که ایشان توصیه می کردند رئیس دیوان عالی کشور را بدانیکه سعی کنیم در زندان مابقی گناه نداشته باشیم و یا گناهکار قابل عفو هم نداشته باشیم. این برخورد، برخورد ما است، این راهی است که برادران ما در دادستانی انقلاب در زندان ها و در هرجا که با مخالفان و دشمنان مواجه هستند، باید در پیش بگیرند.

پس از پایان سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، مجلس وارد دستور شد و چند طرح و لایحه به تصویب رسید.

در جلسه علنی روز ۶ اسفند ۶۰، که بر ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، کلیات طرح تشکیل شوراهای کشوری به تصویب رسید.

نخستین ناطق پیش از دستور این جلسه خسرو ناظمی نماینده کلیمیان بود، که ضمن تشریح دروغ پر دانه های بلند-گوهای امپریالیستی و صهیونیستی درباره اقلیت های دینی ایران، برهم -راهی و همکاری همه اقلیت های دینی با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد.

چنانکه در نمونه های بالا آمد، تجربه باردیگر نشان داد که ارتباط و تماس ایران انقلابی با کشورهای جهان بخودی خود مثبت و بسود انقلاب اسلامی ایران است.

سفر هیئت های ایرانی به کشورهای دوست و کشورهای که مواضع بیطرف و یا کم و بیش دور از ایران دارند، اما دشمن فعال انقلاب مانع نیستند، می تواند اثرات بسیار زیادی داشته باشد.

در همه این کشورها، با سفر هیئت های ایرانی، انقلاب اسلامی ایران معرفی می شود، توطئه های امپریالیسم خبری برای نشان دادن سیمای تیره ای از ایران انقلابی-بویره در کشورهای بیطرف - خنثی می گردد و مردم جهان با آنچه برآستی در ایران میگذرد، آشنا می شوند.

سفر هیئت های ایرانی به کشورهای دوست سبب می شود، تا تجربیات

کرد. دومین سخنران دکتر کبایکی نماینده تیسرگان، با اشاره به سفرهای اخیر نمایندگان آمریکا به منطقه خاور - میانه و فعالیت های کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج" (فارس) هشدار داد که:

"آمریکا و تمام اذنان خونخوارش در تمامی جبهه ها دست به کار شده اند تا توطئه های جدیدی را علیه ایران آغاز کنند."

سیاست فاصحیح در گزینش معلم

در این جلسه همچنین سؤال موحدی ساوجی نماینده ساوه از وزیر آموزش و پرورش درباره تعداد معلم مورد نیاز و برنامه وزارت آموزش و پرورش برای رفع این کمبود، مطرح شد. نماینده ساوه ضمن طرح سؤال خود، از جمله به سیاست گزینش معلم اشاره کرد و گفت که این سیاست درست و هماهنگ نیست. وی گفت:

"(در مصاحبه) یک سؤال آلتی را مطرح می کنند که اصلا اگر از افراد متدین متعبد صفا اول نماز جماعتی که ده سال هم به مسجد می رود بپرسند، شاید جوابش را ندانند. انواع و اقسام شکایات و اسئوال می کنند یا از یک نفر سؤال می کنند که مرده را در چند تکه باید کفن کفن کرد، و بعد این چند تکه کفن چه شرایطی باید داشته باشد. این بنده خدمتگر مرده شور است که بدانند مرده را در چند تکه باید کفن کرد؟"

در اینجا وزیر آموزش و پرورش به سؤال نماینده مردم ساوه پاسخ داد، لیکن موحدی ساوجی، ضمن تکافی دانست پاسخ وزیر آموزش و پرورش تاکید کرد که با چنین سیاستی افراد غیر متعبد، که این مسائل را "طوطی وار" آموخته اند، به آموزش و پرورش راه پیدا میکنند. وی آنگاه تاکید کرد که او با سیاست گزینش مخالف نیست، بلکه با هماهنگی آن و اعمال سیاست - های مختلف مخالف است. موحدی ساوجی سپس اضافه کرد:

"معلم هایی که متدینند و در جهت انقلاب هستند و خدای نکرده فکرو عقیده و ذهن و ایمان فرزندان این جامعه را نمی خواهند تخریب کنند، بلکه واقعا به شغل معلمی علاقه دارند و می خواهند خدمت بکنند، ما باید این ها را دعوت کنیم و برای کار کردن جذب کنیم. در این جهت من فکرمی کنم وزارت آموزش و پرورش موفق نبوده است."

موحدی ساوجی آنگاه خواستار ارجاع سؤال به کمیسیون مربوطه شد.

فائق "هرگونه ارزش نظامی" دانست و گفت:

"اردنیها با این حرکات سمبلیک هیچ چیز را نمیتوانند عوض کنند." رهبر کوبا در پایان این دیدار بار دیگر مواضع انقلابی جمهوری اسلامی ایران را ستود و بر اعتقاد قلبی خود به حقانیت این مواضع تاکید کرد و از سوی خود و ملت کوبا به امام خمینی رهبر انقلاب درود فرستاد. (کیهان ۲۵ بهمن ۶۰).

چنانکه در نمونه های بالا آمد، تجربه باردیگر نشان داد که ارتباط و تماس ایران انقلابی با کشورهای جهان بخودی خود مثبت و بسود انقلاب اسلامی ایران است.

سفر هیئت های ایرانی به کشورهای دوست سبب می شود، تا تجربیات



# صنایع سنگین:

## پایه‌های استقلال اقتصادی و پیشرفت اجتماعی

در هفته‌های اخیر مسئله صنعتی کردن کشور و لزوم توجه به صنایع سنگین، مسئله پیش شرط ضروری در روند صنعتی کردن، از جانب برخی مسئولین کشور و از جمله آقای هاشمی وزیر صنایع مطرح شده است. آقای هاشمی در مصاحبه مطبوعاتی خود، ضمن اشاره به وضع اسفبار صنایع ایران و ارائه آمارهایی در زمینه جوانب گوناگون وابستگی صنایع ایران به کشور - های امپریالیستی، به لزوم پایه‌گذاری صنایع سنگین، بعنوان زیربنایی که می‌تواند در گام‌های اساسی اقتصادی - میراث شوم رژیم گذشته - نقش موثری ایفاء کند، مسئله ایجاد وزارت صنایع سنگین را مطرح کرد.

چنانکه می‌دانیم، در دوران سه ساله پس از انقلاب، در زمینه صنعتی کردن کشور، نظریات نادرستی ابراز می‌شد، که بطور عمده القاء لبرال‌ها و عناصر خرابکار بود، و متأسفانه برخی از یاران صریح انقلاب نیز، به علت ضعف شناخت و کمبود تجربه، به دام این نظریات نادرست القاشی می‌افتادند.

از جمله ادعای شده، برای از بین بردن وابستگی کشور را به استقلال اقتصادی، باید برای کشاورزی و تولید قطعات، در حال آنکه می‌دانیم امروزه، در عصر انقلاب علمی و فنی، کشاورزی خودبخود از پیش به صنعت وابسته می‌شود. افزایش بهره‌وری کار در کشاورزی تنها به برکت استفاده از ماشین آلات و ابزارهای پیشرفته کشاورزی، کود و غیره امکان پذیر است، و در صورت فقدان صنایع سنگین، این ماشین آلات و ابزارها و قطعات یدکی آنها و غیره باید از خارج وارد شود. بعلاوه، یکی از اماحهای عمده کشورهای رشد یافته، از بین بردن اقتصاد تک محصولی تولید مواد خام کشاورزی و پیاوردنی است.

در چارچوب چنین نظریاتی بود که چندین بار مزه مزه تعطیل کارخانه ذوب آهن نیز به بهانه عدم سوددهی، مطرح شد. همچنین محافل معینی مسئله اولویت قائل شدن برای صنایع سبک را، که سوددهی آنها سریعتر و بیشتر است، مطرح می‌کردند. اولویت قائل شدن برای صنایع سبک تنها از میزان وابستگی صنعتی و فنی میهن ما به خارج نخواهد کاست، بلکه تنها افزایش خواهد داد. زیرا ماشین آلات و قطعات یدکی مورد نیاز صنایع سبک نیز باید از خارج وارد شود.

درجه رشد اقتصادی هر کشوری در وهله نخست از طریق ترکیب صنایع تعیین می‌شود. زیرا در آخرین تحلیل، این ساختار صنعتی اقتصادی است که می‌تواند در رشد اقتصادی موزون و دراز مدت و مداوم راتمامین کند. و این امر فقط از طریق پایه‌گذاری صنایع سنگین مدون و بهبود شاخص‌های کیفی اقتصادی پیش از همه، بهبود کیفی نیروی کار و درجه سازماندهی تولید انبوه امکان پذیر است.

و اما صنایع سنگین به چه معناست؟ صنعت بطور کلی به دو شاخه صنعت سبک (تولید وسایل مصرف) و صنعت سنگین (تولید وسایل تولید) تقسیم می‌شود. به عبارت دیگر، صنایع سنگین، صنایعی هستند که وسایل تولید هر جا معیار تولید می‌کنند.

الگوی رشد صنایع در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری عبارتست از رشد صنایع سبک در آغاز رشد نظام سرمایه‌داری و سپس بدنبال آن رشد صنایع سنگین. البته، در دوران امپریالیسم، در نتیجه تشدید روند رشد ناموزون سرمایه‌داری در کشورهای مختلف و در شاخه‌های گوناگون اقتصاد، این الگو به شکل کلاسیک خود عمل نمی‌کند. و نمی‌تواند عمل کند. صنعتی کردن

کشورهای رشد یافته در شرایط انقلاب علمی و فنی در مقیاس جهانی و عقب ماندگی همه جانبه کشورهای رشد یافته نسبت به کشورهای رشد یافته، سرمایه‌داری، صورت می‌گیرد. و از همین رو الگوی کلاسیک رشد صنایع نمی‌تواند گرهی از مشکلات فزاینده کشورهای رشد یافته بگشاید.

ضرورت صنعتی کردن کشور های رشد یافته (از جمله ایران) از سه دسته عوامل بهم پیوسته نشأت می‌گیرد:

- ۱- غلبه بر عقب ماندگی اقتصادی میراث استعمار.
- ۲- کسب استقلال اقتصادی به مثابه یگانه ضامن استقلال سیاسی.
- ۳- ضرورت حل مشکلات مبرم اجتماعی - اقتصادی.

بدون صنعتی کردن و تکیه بر صنایع سنگین، کسب استقلال اقتصادی در کشورهای رشد یافته امکان ناپذیر است. از همین رو امپریالیسم و نواستعمار می‌کوشند که این روند را متوقف سازند. وضع اسف بار صنایع ایران، که آقای هاشمی نیز در مصاحبه خود به برخی از جوانب آن اشاره می‌کند، و حا دارد کمی بیشتر درباره آن صحبت کنیم.

نتیجه مستقیم سیاست نواستعماری است، که رشد اقتصادی ایران را در جهتی قرار داده بود که وابستگی علمی و فنی کشور به جهان سرمایه‌داری روز به روز عمیق‌تر گردد. بدین ترتیب، سیاست ضد ملی رژیم شاه ملعون از همان آغاز صنایع کشور را تابع امپریالیسم ساخت که در نهایت امر منجر به چنان هرج و مرج اقتصادی گردید، که ما امروز شاهد آنیم.

هدف استراتژی نواستعماری امپریالیسم، که توسط انحصارهای بین المللی در کشور ما پیاده شد، بطور عمده عبارت بود از: جلوگیری از ایجاد صنایع بنیادی و مالا ممانعت از کسب استقلال اقتصادی، حفظ ایران بعنوان کشور تولیدکننده مواد خام صنایع رو به گسترش جهان سرمایه‌داری و عرصه سرمایه‌گذاری و بازار فروش کالا.

آنچه امروز در ایران صنعت نامیده می‌شود از رژیم شاه ملعون به ارث رسیده، بطور عمده حلقه‌های جدا - گانه زنجیری است که هیچ گونه رابطه تولیدی با یکدیگر ندارند. طبق یک برآورد در سال ۱۳۵۶، تعداد کل کارگاه‌های صنعتی بزرگ و کوچک در شهرهای ایران بالغ بر ۳۰۳ هزار بود، که در آنها ۱۳۳۵۰۰۰ نفر مشغول کار بودند. از این کارگاه‌ها ۲۰۰ واحد در ردیف کارخانه - های بزرگ محسوب می‌شدند، که تعداد کارکنانش از ۴۷۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد. به بیان دیگر، کارخانه‌های بزرگ (و نه صنایع سنگین) از لحاظ تعداد فقط ۲/۳٪ واحدهای صنعتی کشور را تشکیل می‌دادند و میانگین کارکنان هر واحد صنعتی از ۵۷ نفر تجاوز نمی‌کرد. بررسی آخرین آمار مربوط به سهم ارزش تولید رشته‌های مختلف صنعتی در کل تولید صنعتی در سال ۱۳۵۶ نشان می‌دهد که، بیش از ۴۲/۵٪ ارزش تولیدات صنعتی مربوط به مواد غذایی، محصولات نساجی و پوشاک است و سهم رشته‌هایی چون فلزات اساسی و ماشین سازی در کل تولید صنعتی، از ۱۶/۲٪ تجاوز نمی‌کند.

مطالعه ترکیب محصولات صنایع بنیادی، از قبیل صنایع فلزات اساسی، ماشین آلات برقی و ماشین سازی نیز وضع اسفناک صنعتی شدن کشور را آشکار می‌سازد:

محصولات صنایع فلزی ایران عبارتند از ظروف آلومینیومی، انواع ساور، اشیاء حلبی، تانکر، میخ، انواع

بخاری، دروپنجره، قفل و کلید و غیره. و اما وقتی از صنایع ماشین آلات برقی سخن می‌رود، منظور تعداد زیادی کارگاه‌های کوچک و متوسط است، که بطور عمده کولر، کلید و پریر برق، بیخجال، تلویزیون، لوستر، کباب پز، اجاق، لامپ، باطری، تلفن و غیره را در داخل تولید و پیمانکاری می‌کنند.

محصولات عمده صنایع ماشین سازی ایران عبارتند از: ماشین پسته پوست کنی، سمپاش، ماشین‌های سازی، برنج‌کوب، خرمن‌کوب، قتان، باسکول، بلبرینگ، لودر، فیلتر و برخی از انواع ابزار ماشین، که بر پایه مواد اولیه نیمه ساخته و قطعات منفصله وارد شده از خارج تهیه می‌شود.

از لحاظ تولید سرانه فولاد (۱۵ کیلوگرم برای هر یک از ساکنین کشور) ایران در زمره عقب مانده ترین کشورهای قرارداد دارد. واردات آهن و فولاد حدود ۱۶٪ کل واردات کشور را تشکیل می‌دهد. در ایران، در مقایسه با ۳۰۷۱۷۰ تن تولید سیمان در فرانسه، بهای ۴۱۰۱۱۰۰ تن سیمان تولید شده در آلمان باختری، فقط ۳۴۸۹۰۰۰ تن بود.

برای بدست دادن تصویر دقیق تری از عمق وابستگی صنایع موجود ایران، به گوشه‌هایی از این وابستگی در دو نمونه مشخص زیرین اشاره می‌کنیم:

### ۱- صنایع دیزل سازی

مواد اولیه وارداتی: مواد اولیه فلزی، پیستون، تورهای دیزل، جعبه دنده‌های مخصوص، قطعات ریخته‌گری و قطعات پیچیده ماشین‌کاری شده، میل-لنگ، شاتون و میل سوپاپ، لوازم برقی، لوازم و قطعات سوخت رسانی، موتور، سیلندر و ...

### ۲- صنایع تولید وسایل کشاورزی و آبیاری

مواد اولیه وارداتی: موتور، گیر-بکس، دفرانسیل، بولبرینگ و دیگر قطعات پیچیده مشابه.

دو نمونه گویای بالا، که قابل تعمیم در مورد دیگر صنایع نیز هستند، تنها گوشه‌هایی از این وابستگی را نشان می‌دهند. جالب است بدانیم که حدود ۷۲٪ مواد اولیه مورد نیاز صنایع بزرگ ایران از کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری مانند ژاپن، ایالات متحده، آمریکا، آلمان غربی، انگلستان و فرانسه تأمین می‌شود.

در چارچوب چنین وابستگی است که یکی از شیوه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم جهانی آمریکا، برای بزانو درآوردن مردم قهرمان میهن ما و درهم شکستن انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران، محاصره اقتصادی است. محاصره اقتصادی میهن ما نه یک سیاست لحظه‌ای و کوتاه مدت، بلکه سیاست بلندمدت امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا است. تجربه محاصره اقتصادی بیست ساله کوبایی انقلابی موبداین ادعاست. برای مقابله با این سیاست، باید به صنعتی کردن کشور و پایه‌گذاری صنایع کلیدی و مادر همت گماشت. و در این راه مسلمانان انقلاب اسلامی ایران می‌تواند از کمک‌ها و مساعدت‌های بی‌شمه داشت و بدون قید و شرط جنبه وسیع ضد امپریالیستی جهانی بهره‌مند گردد.

# ریگان نامه



یکی مافیا بود ریگان به نام چو دیوی سر از ینگه دنیا کشید دم از بمب نوترون زد و جنگ سرد به لبیبی در افکند موج بلا کشید آن ته‌کار خر مرد رند گهی بهر کابل بگسترد دام چو عفریت کوچفت اهریمن است به قصد خطا تا طیس سر کشید یکی زهر آورد کاینست شهید بگین را رها کرد جولان خورد عرب را به لب آمده جان از او ز اوضاع ایران بشد خشمناک چو اقبال مردم فروگفت کوس بشد سلطنت تا ابد واژگون همه مستشاران او دک شدند سفارت دژی بود الحق عجیب چو این ضربت کاری آمد فرود نمی‌خواست این یانگی خود پسند کنون چون عیان گشت هر راز او همه رهنمای انجمن ساختند که ای وای! دنیا به آخر رسید نباید کنون چاره‌ای ساختن گمانشان که ریگان بود نره شیر خلاق، جوگردند همیشه و دوست:

\* اختر روشن همان "ستاره" درخشان است.

## ایران و جنبه جهانی ...

بقیه از صفحه ۱

به طور عینی در کنار یکدیگر قرار دارند. بهبود نیست که کوبای انقلابی از آن سوی جهان دست در دست نیکارا گوئه تازه از بند رسته، بازوی یگانه خود را به بازوی ایران انقلابی در این سوی جهان پیوند می‌زنند و این حلقه، انقلابی در خاورمیانه در حلقه، بازوی سوریه‌گره می‌خورد، در کنار گوش حکام مرتجع عرب به یمن دمکراتیک و از آنجا تا اعماق آفریقای برپاخاسته، به لبیبی و آنکولا و موزامبیک، می‌رسد.

جنبه دوم، جنبه‌ایست که نیرو - های ضد انقلابی صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در آن متحد شده‌اند. نبردی است تاریخی به مقیاس جهان، که در دهه‌های پایانی قرن ما، سرنوشت انسان را تعیین می‌کند.

هیچ نیروی بطور عینی خارج از این دو جنبه نیست. بی‌طرف بودن در عصر ما ممکن است و نه سودمند. هر نیروی یا با امپریالیسم است و یا بر

از آن گاو بازار عالی بقام برد طبل و فریاد هیجا کشید برانگیخت اسب و برآورد کرد بزد دشتهای بر تن آنگولا یکی ناوگان تا به دریای هند گهی بهر ورشو: خیالات خام برون شد، که این: اختر روشن است تریب و ایر راگرد خاور کشید نهاده همی نام آن طرح فهد تو گوئی خری جوز انبان خورد به خون عرقه شد خاک لبنان از او چو جنید خلق اندرین خاک پاک رخس زرد گردید چون سندروس برفت از گفش نفت ارزان برون ز افکار او خلق در شک شدند لبالب ز جاسوس و مکر و فریب به چشم سیه گشت بود و نبود که گردد درفش خمینی بلند نعق غراب است آواز او صلابی مصیبت در انداختند: دریا که دور خوشی سر رسید! و گرنه رسد نوبت باختن. ندانند، کاکار از این گرگ پیر، برآرند مخرز و بدرند پست.

ضدان ایران انقلابی، که تا امروز بطور عینی در جنبه جهانی ضد امپریالیستی قرار داشت، می‌رود تا با استفاده از تجارب سه سال گذشته، به شکلی که شایسته است آگاهانه پیوند خود را با جنبه جهانی ضد امپریالیستی برقرار و مستحکم کند. غیر از این هم ممکن نیست چگونه می‌شود که ایران انقلابی در تحول انقلابی عصر نقش فعال بازی نکند؟ این نقش فعال تنها و تنها با حضور قاطع و همیشگی ایران در جنبه جهانی ضد امپریالیستی ممکن است. خوشبختانه سخنان رئیس جمهور اسلامی ایران نشان می‌دهد که ایران انقلابی سمت حرکت خود را یافته است. در این سمت باید با قاطعیت و هشجاری حرکت کرد. باید با همه کشور - ها و جنبش‌های مترقی، انقلابی و ضد امپریالیست جهان - با حفظ استقلال کامل - پیوندها را برقرار و مستحکم کرد. قدم اول پیوند با نزدیک ترین حلقه جنبه جهانی ضد امپریالیستی به ایران، یعنی "جنبه پایداری عرب" است.

دلیری که بد نام او اشکیوس همی بر خروشید بر سان کوس فردوسی



بمناسبت "روز انقلاب" در جمهوری عربی سوریه (۱۷ اسفند ۱۳۴۱ - ۸ مارس ۱۹۶۳)

# جمهوری عربی سوریه در سیاست خارجی

## دارای مشی پیگیر ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی است

(قسمت دوم)

سازمان تروریستی

"اخوان المسلمین" به کمک "سیا" و "موساد" برای سرنگون ساختن رژیم ضد امپریالیستی در سوریه تلاش می کند

ارتجاع داخلی و امپریالیست های پشتیبان آن در سالهای اخیر پیوسته از سازمان تروریستی و مسلمان نمای "اخوان المسلمین" برای پیشبرد دسیسه های ارتجاعی خود به بهره جویی برداخته اند. رهبری "اخوان المسلمین" را که تاکنون بارها به کشتار مردم بیگناه سوریه دست زده است، سازمانهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل، یعنی "سیا" و "موساد"، بدست دارند.

دو سال پیش (در سپتامبر ۱۹۶۹) روزنامه "الکفاح العربی" (بیروت) بنقل از شیکاد، مفسر معروف اسرائیلی، نوشت که: "باتهدیدات پی در پی و پدید آوردن شرایطی که سوریه را به تغییر استراتژی خود وادار سازد"، باید سوریه را به پای میز مذاکره میان اسرائیل و مصر "کشانید". روشن است که "اخوان المسلمین" نیز نقش شایسته خود را در اعمال این تهدیدات پی در پی بازی می کند.

برزیل سکی - همچنانکه درباره ایران - درباره اعراب نیز طرح و رهنمود خویش را ارائه داشته بود. به گزارش "بیروت الشرق"، وی گفته بود که، با برپا کردن ستیزه های مذهبی بایده اعراب نشان داد که خطرات دیگری نیز وجود دارد، که رویارویی آنها مهم تر از مبارزه با اسرائیل است. برزیل سکی در تعمیم این اندیشه اظهار امیدواری کرده بود که، ناآرامی -

خیانتکاری رژیم های ارتجاعی عرب در خاور میانه جست. سوریه بدلیل نقش موثر و فعال خود در "جبهه پایداری" به ویژه در راستای عقیم گذاشتن تپانسی "کمپ دیوید"، به یکی از اماجهای اصلی نقشه های تجاویزی و توطئه های تخریبی و براندازی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل بدل شده است.

از چند ماه پیش از فاجعه دمشق، که دامنه تجاوزات نظامی اسرائیل به لبنان از زمین، هوا و دریا به خاک لبنان گسترش یافت، وجود نیروهای بازدارنده سوریه در لبنان و بویژه موشک های "سام" این کشور در دره "بقاع" بزرگترین سد دفاعی در برابر این تجاوز بود. "دیپلماسی" آمریکا نیز همواره تلاش می ورزید، تا با سفرهای پی در پی فیلیپ حبیب و ماوریت اعراب - امیز او، به یاری اسرائیل بشتابد و سوریه را زبر فشار و تهدید همه جانبه قرار دهد. اما، چنانکه "تشرین" روزنامه دولتی سوریه، در جریان یکی از سفرهای پرتب و تاب فیلیپ حبیب برای باصلاح "فیصله دادن" به "بحران موشکی" نوشت:

"حتی اگر فیلیپ حبیب هزار بار به این منطقه سفر کند، سوریه موشک های خود را از لبنان خارج نخواهد ساخت" وجود نیروهای سوری در لبنان و دفاع آنان از منافع "جنش ملی" مترقی لبنان و "جنبش مقاومت فلسطین" همچنان جاری است در چشمان آزمند صهیونیست های اسرائیل و متحدان آمریکائی آنها.

جنایت ۸ آذرماه ۶۰ "اخوان المسلمین" پیش درآمدگام دیگر دولت اسرائیل در ۲۳ آذرماه ۶۰ (۱۴ دسامبر ۸۱) در راه تحقق رویای دیرینه صهیونیستها درباره ایجاد "اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات" بود. هشت روز

پس از فاجعه آفرینی مسلمان نمایان در دمشق، "کشت" (پارلمان اسرائیل) پیشنهاد دولت بگین را درباره "الحاق" بلندیهای جولان به خاک اسرائیل تصویب کرد. یادآور می شویم که این منطقه، که در حدود ۱۶۷۵ کیلومتر مربع وسعت دارد و ۶۳٪ از خاک آن حاصل خیز است، در جنگ ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به تصرف اسرائیل درآمد. این گام دولت اسرائیل، که همچنین چند روز پس از امضای قرارداد باصطلاح "همکاری استراتژیک"، میان اسرائیل و آمریکا برداشته شد، خشم جهانیان را برانگیخت. اسرائیل و ایالات متحده آمریکا نخست "جنگ زگری" را میان خود راه انداختند، ولی دولت ریگان در "شورای امنیت" با "توتوی پیش نویس قطعنامه ای، که خواهان مجازات اسرائیل شده بود، به یاری "تل آویو" شتافت. نماینده آمریکا و متحدان امپریالیستی این کشور، در "مجمع عمومی" سازمان ملل متحد نیز به پیش نویس قطعنامه ای همانند رای مخالف دادند، اما اکثریت کشورهای غیر متعهد و صهیونیستی توانست قطعنامه منامه را به تصویب "مجمع عمومی" برساند.

دولت سوریه درباره سیاست عدم تعهد خود بارها تاکید ورزیده است که، این بهیچ روی، بمعنای بیطرفی در پیگیر علیه استعمار رومیا و صهیونیسم و سرمایه داری نیست.

\* جمهوری عربی سوریه بر سیاست خارجی صلح جوینان، اتحاد جماهیر شوروی و صهیونیسم، که هدف آن تعمیق دوستی و همکاری میان همه کشورهای خلقی است، ارجح می نهد.

از: "پیمان دوستی و همکاری میان سوریه و اتحاد شوروی"

\* حافظ الاسد: پیمان دوستی و همکاری میان سوریه و اتحاد جماهیر شوروی و صهیونیسم، رویدادی تاریخی در مناسبات میان دو کشور شرفراری بود.

\* عبدالحمید خدام: اتحاد شوروی دوست اعراب است و به اعراب کمک می کند.

### جمهوری عربی سوریه

#### در سیاست خارجی دارای

#### مشی پیگیر ضد امپریالیستی -

#### ضد صهیونیستی است.

مهمترین ویژگی های سیاست خارجی سوریه عبارت است از مشی ضد-امپریالیستی، سیاست عدم تعهد و شناسایی اصول همزیستی مسالمت آمیز. سیاست خارجی سوریه در بنیادی ترین مسائل جهانی، چون بیکار در راه صلح، تنش زدایی و همکاری برابر حقوق در زمینه بین المللی و علیه استعمار، نو-استعمار و نوآدپرستی، پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش ملی و واپان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی - با سیاست کشورهای صهیونیستی همخوان است.

دولت سوریه در باره سیاست عدم تعهد خود بارها تاکید ورزیده است که این بهیچ روی بمعنای بیطرفی در بیکار علیه استعمار و نو استعمار رومیا و صهیونیسم و سرمایه داری نیست. از او اواسط سالهای ۶۰ تاکنون،

در تابستان ۱۳۵۹ (ژوئیه ۱۹۸۰) قانونی از تصویب "شورای خلق" (پارلمان) سوریه گذشت، که برای عضویت در سازمان تروریستی "اخوان المسلمین" مجازات اعدام مقرر داشت. این قانون به اعضای این سازمان تروریستی یکماه فرصت داد که از آن کناره گیری کنند. ضرب الاجل نامبرده سپس برای دو ماه دیگر تمدید شد. بگزارش "تشرین" تا ۹ شهریور ۱۳۵۹ (۳۱ اوت ۱۹۸۰) رو به مرگ هزار نفر از "اخوان المسلمین" کناره گرفتند.

اما تاثرترین جنایت "اخوان المسلمین" در روز هشتم آذرماه ۶۰



یو دوگان و نوجوانان سوری، که در نتیجه تجاوز اسرائیل بی سرپرست شده اند، در مدرسه شهیدان درس می خوانند.

مناسبات دوستانه و همه جانبه میان سوریه و کشورهای صهیونیستی پیوسته رو به زرفش و گسترش بوده است.

حتی روزنامه "فانیشتال تا پمز" ارگان کلان بورژوازی بریتانیا، اذعان کرد که اتحاد شوروی "استوارترین دوست سوریه" است.

در ۱۶ مهر ۱۳۵۹ (۸ اکتبر ۸۰) پیمان دوستی و همکاری میان جمهوری عربی سوریه و اتحاد جماهیر شوروی و صهیونیستی برای مدت بیست

\* آندره گوه میگو: در نقشه های محافل امپریالیستی و صهیونیستی اخلال در مناسبات میان کشورهای عربی و اتحاد شوروی دارای مقایسه بر حسته است.

\* احمد اسکندر احمد وزیر اطلاعات سوریه: میان سوریه و اتحاد شوروی دوستی استراتژیک و استوار بر پایه اصل عدم مداخله در امور یکدیگر برقرار است.

\* محمد الخاطب (وزیر اوقاف سوریه): اتحاد شوروی دوست اعراب و مسلمانان است.

سال بسته شد. پیمان نامبرده را حافظ الاسد رئیس جمهوری عربی سوریه و لئونید برزنف رهبر اتحاد شوروی در مسکو امضا کردند.

مقدمه پیمان، انگیزه دو کشور را در انعقاد آن، "تعیین به تحکیم و گسترش مناسبات دوستانه موجود و همکاری همه جانبه بسود خلق های دو کشور، صلح و امنیت در سراسر جهان، تثبیت تنش زدایی و توسعه همکاری مسالمت آمیز بین سوریه و اتحاد شوروی می خواند.

اتحاد شوروی و سوریه هدف خود را از بستن این پیمان همچنین "عزم (دو کشور) برای مقابله با سیاست تجاوز امپریالیسم و دستیاران آن، ادامه مبارزه با استعمار، نو استعمار و نوآدپرستی در همه اشکال بویژه های آن و

\* یک مفسر معروف اسرائیلی، باتهدیدات پی در پی و پدید آوردن شرایطی که سوریه را به تغییر استراتژی خود وادار سازد، بایده سوریه را به پای میز مذاکره میان اسرائیل و صهیونیسم "کشانید".

\* برزیل سکی: با برپا کردن ستیزه های مذهبی بایده اعراب نشان داد که خطرات دیگری نیز وجود دارد، که رویارویی آنها مهم تر از مبارزه با اسرائیل است.

\* "تشرین": حتی اگر فیلیپ حبیب هزار بار به این منطقه سفر کند سوریه موشک های خود را از لبنان خارج نخواهد ساخت.

\* تروریستهای "اخوان المسلمین" در یک اقدام تروریستی دست کم ۱۵۰ تن را کشتند و ۲۰۰ نفر را زخمی کردند.

\* مهم ترین ویژگی های سیاست خارجی سوریه عبارت است از: مشی ضد-امپریالیستی، سیاست عدم تعهد و شناسایی اصول همزیستی مسالمت آمیز.

پیشبرد استقلال ملی و ترقی اجتماعی اعلام می دارند.

بر پایه ماده اول "پیمان دوستی و همکاری"، اتحاد شوروی و سوریه "دوستی و همکاری میان دو کشور و خلق را در زمینه های سیاسی، اقتصادی نظامی علمی - فنی، فرهنگی و غیره بر پایه برابری، سود متقابل، احترام به حاکمیت، استقلال ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر پیوسته گسترش خواهند داد.

در ماده ۴ پیمان آمده است: "اتحاد جماهیر شوروی و صهیونیسم برای سیاست عدم تعهد جمهوری عربی سوریه، که عامل مهمی برای نگهداشت و تحکیم صلح بین المللی و امنیت و کاهش تنش بین المللی است - احترام قائل است. جمهوری عربی سوریه بر سیاست خارجی صلح جوینان اتحاد جماهیر شوروی و صهیونیسم، که هدف آن تعمیق دوستی و همکاری میان همه کشورهای خلقی است، ارجح می نهد."

ماده ۶ پیمان مقرر می دارد: "در شرایطی که صلح و امنیت جهانی از دو طرف به خطر افتد، یا اینکه صلح و امنیت جهانی مورد تهدید قرار گیرد طرفین قرار داد برای هماهنگ ساختن مواضع و همکاری خود در جهت دفع خطر و برقراری صلح، بیکدیگر کمک و مساعدت خواهند کرد."

وبالاخره در ماده ۱۰ "پیمان دوستی و همکاری" میان سوریه و اتحاد شوروی می خوانیم: "طرفین پیمان همکاری خود را در زمینه نظامی، بر پایه توافقهای گوناگون میان دو کشور و تقویت توان رزمی خویش گسترش خواهند داد." پس از امضای "پیمان همکاری و

دوستی"، لئونید برزنف در سخنانی خطاب به حافظ الاسد گفت: "دوستی میان اتحاد شوروی و سوریه، که سال بسال نزدیک تر می شود، مظهر وحدت دو نیروی بزرگ جهان امروز - صهیونیسم و جنبش آزادی بخش ملی - و همکاری آنها در بیکار برای صلح جهانی و پیشرفت اجتماعی است. از آن هنگام که مردم سوریه پرچم آزادی را بر فراز کشور خود برافراشتند، اتحاد شوروی به آنها در زمینه تقویت استقلال ملی، ساختن جامعه ای نو و دفع حملات امپریالیست ها و جلا دادن آنها فعالانه کمک کرده است.

حافظ الاسد پاسخ داد: "پیمان دوستی و همکاری میان سوریه و اتحاد جماهیر شوروی و صهیونیسم، بقیه در صفحه ۹



سوریه ...

بقیه از صفحه ۸

لیستی رویدادی تاریخی در مناسبات میان دو کشور شمار می رود و پاهای استوار خواهد بود که ما با اتکالی به آن، همکاری خویش را گسترش خواهیم بخشید - همکاری که، هم اکنون اشکال متنوع دارد و باید پویاتر، عمیق تر و همه جانبه تر شود.

روزنامه "شهرین" سوریه، در تفسیری درباره "پیمان دوستی و همکاری" نوشت:

"این پیمان رویدادی تاریخی در منطقه است و آغاز عصری جدید در مناسبات میان دو کشور برای مقابله با توطئه های امپریالیستی و گام های مشکوک و برقراری تعادل استراتژیک میان سوریه و دشمن صهیونیستی به شمار می رود، که از پشتیبانی نیروهای امپریالیستی آمریکا برخوردار است."

بنوشته "الثوره" یک روزنامه دیگر سوریه:

"این پیمان نه تنها یک دستاورد ملی برای سوریه است، بلکه همچنین پیروزی بزرگ برای همه ملت عرب محسوب می شود. این دستاورد تاریخی مثبت و بزرگ بر تحکیم جنبه پایداری اعراب و مبارزه توده های عرب فلسطین برای آزادی و بازگشت به سرزمین های خود به جا خواهد گذاشت."

ابولسلیم، عضو رهبری ملی حزب سوسیالیستی عربی، بحث "بستن پیمان نامبرده را در سخنرانی خود در

"کنفرانس علمی بین المللی پائیز ۱۳۵۹ (اکتبر ۱۹۸۰) در برلین، بعنوان "مرحله ای جدید در توسعه مناسبات تاریخی سوریه با این هم پیمان وفادار خواند و آنرا "نمونه وار برای اتحاد میان سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادی بخش ملی" توصیف کرد.

بگفته یوسف فیصل، معاون دبیر کل "حزب کمونیست سوریه":

"بدینسان (با بسته شدن "پیمان دوستی و همکاری") ضرورت و اهمیت تعمیق اتحاد عینی میان جنبش آزادی بخش ملی و جامعه کشورهای سوسیالیستی و نیروی اصلی آن، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بشبوت می رسد. هدف از این پیمان دفع تجاوز، افزایش آمادگی رزمی سوریه و همکاری طرفین برای حفظ صلح در این منطقه و در جهان است."

پیمان نامبرده بر همکاری دو طرف در زمینه تحکیم و گسترش دستاوردهای اجتماعی خلق های دو کشور تاکید می ورزد و مشورت پایداری در باره مسائل مختلف بین المللی و توسعه صنعت مقرر می دارد. بدین ترتیب پیمان (دوستی و همکاری) مظهر هم پیمانی نیروهای آزادی بخش ملی و سوسیالیسم جهانی در پیکار برای تحکیم استقلال و علیه دسیسه های امپریالیسم است."

یوسف فیصل سپس افزود:

"آزمون سوریه نشان می دهد که بدون پیکار با امپریالیسم و تحکیم پیوسته مناسبات دوستی و همکاری با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در همه زمینه ها، پیروزی در مبارزه علیه اشغالگری اسرائیل و برای رهاسازی

سرزمین های اشغالی و تامین حقوق خلق - های عرب فلسطین امکان پذیر نیست، از سوی دیگر، بدون این پیروزی نمی توان راه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را پیمود. در دوران مانی توان در پیکار با امپریالیسم و میهن دوستی راستین را از دوستی با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جدا کرد."

حافظ الاسد در سخنرانی در اسفند ۱۳۵۸ گفت: امپریالیست ها نمی توانند شالوده محکم دوستی میان سوریه و اتحاد شوروی را متزلزل سازند."

تقریباً همزمان با گفته بالا، عبدالحلیم خدام، وزیر خارجه سوریه اظهار داشت:

"اتحاد شوروی دوست اعراب است و به اعراب کمک می کند."

عبدالحلیم خدام، در سخنرانی دیگر، در اوایل بهمن ۱۳۵۸ (ژانویه ۱۹۸۰) در صیافتی به افتخار آنسدره گرومیکو در دمشق، یادآور شد که:

"در نقشه های محافل امپریالیستی و صهیونیستی اخلال در مناسبات میان کشورهای عرب و اتحاد شوروی دارای مقامی برجسته است."

وزیر خارجه سوریه افزود:

"پاسخ ما به اینگونه فشارها چنین بوده است و خواهد بود: ما دوستی را، که هواخواه ماست و کسی را، که از دشمن ما پشتیبانی می کند، برابری - شریک ما از مترادف شمردن اتحاد شوروی، این دوست راستین اعراب، با هر نیرو و یاکشور دیگری، که به کمک و پاری دشمن اسرائیلی می شتابد، خود - داری می ورزیم."

در بهار ۱۳۵۹ احمد اسکندر احمد، وزیر اطلاعات سوریه، در کنفرانس مطبوعاتی در دمشق، آمریکا را "دشمن شماره یک اعراب و مناسبات کشور خود را با اتحاد شوروی" عالی خواند و افزود:

که، میان سوریه و اتحاد شوروی "دوستی استراتژیک و استوار بر پایه اصل عدم مداخله در امور یکدیگر" برقرار است."

در اوخراستان ۱۳۵۹ در کنگره "مسلمانان اتحاد شوروی، که در تاشکند برگزار شد، محمد الخاطب، وزیر اوقاف سوریه، گفت:

"اتحاد شوروی دوست اعراب و مسلمانان است و ما امروز در مبارزه دشوار برای بازپس ستاندن حقوق حقه مردم فلسطین این حمایت را احساس می کنیم."

پلنوم کمیته مرکزی "حزب بعث سوریه" در اوخراستان ۱۳۵۹ در قطننامه ای خواستار "تحکیم تماس با نیروهای آزادی بخش ملی، با کشورهای سوسیالیستی و توسعه کیفی روابط با اتحاد شوروی، این دوست راستین و استوار" شد، که "همواره در کنار مبارزه بر حق اعراب بوده است."

روزنامه "بیروت الشرق" در تفسیری درباره دیدار گرومیکو از سوریه در زمستان ۱۳۵۹ نوشت:

"دوستی میان اتحاد شوروی و سوریه مسئولیت مشترک را ایجاب می کند، بویژه که در این شرایط پیچیده اتحاد شوروی پیشاهنگ مبارزه ضد - امپریالیستی است و سوریه به بهترین سنگر پیکار علیه بنیادینست "کمپ دیوید" بدل شده است."

سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۱۴)

یورش های خونبار صهیونیست ها

بخاطر جلوگیری از پیدایش "دولت عربی"



حدود، گستره جغرافیایی

و جمعیت دو کشور مستقل

عربی و یهودی

بر بنیان مصوبات سازمان ملل متحد

۸ آذر ماه ۱۳۲۶

(۲۹ نوامبر ۱۹۴۷)

دولت عربی فلسطین

به وسعت ۱۱/۱۰۰ کیلومتر مربع (۴۲ درصد خاک فلسطین)، فراگیرنده حلیله، باختری و شهرهای عکرا و نظاره، بخش های مرکزی و خاوری فلسطین، از تپه های اشتراوان، تا بیرشع و نوار ساحلی مدیترانه - از فراسوی راس شمالی اشود، تا جنوب غزه و دریای احمر تا مرز مصر.

دولت یهودی فلسطین

گستره ای به وسعت ۱۴/۱۸۰ کیلومتر مربع (۵۶ درصد خاک فلسطین)، فرا - گیرنده بندر حلیله، تل آویو، حلیله خاوری و تپه های اشتراوان، کرانه های جنوبی حلیله تا اشود، بخش بزرگی از صحرای نقبه و شهر یافا.

بخش خود مختار

فزون بر دو دولت مستقل، بخشی از خاک فلسطین شهرهای بیت المقدس و بیت اللحم و مناطق کناری آن ها، از نظر اداری باید واحدهای خود مختاری زیر نظر شورای سرپرستی سازمان ملل متحد وجود می آوردند.

ترکیب جمعیت فلسطین

در آن زمان، شمار کل ساکنان فلسطین ۱/۸۴۵/۰۰۰ شامل ۱/۲۳۷/۰۰۰ (۲۶ درصد) عرب و ۶۰۸/۰۰۰ (۳۳ درصد) یهودی. بنا به تصمیم سازمان ملل متحد جمعیت کشور عربی فلسطین می - بایست شامل ۷۲۵/۰۰۰ تن عرب و ۱۰۰۰۰ تن یهودی، جمعیت کشور یهودی فلسطین شامل ۴۹۱/۰۰۰ یهودی و ۴۰۷/۰۰۰ عرب و شهر بیت المقدس نیز شامل ۱۰۵/۰۰۰ عرب و ۱۰۰/۰۰۰ یهودی باشد.

بنابا تصمیم نامبرده، برای برپائی مجلس بنیان گزاران و اجرای مواد تصویب شده، میبایست شورای موقت عربی - یهودی، پیش از واپس نشینی نیروهای سرپرستی، تشکیل گردد.

در عمل "کمیته بررسی مسئله" فلسطین، دو طرح، به مجمع عمومی سازمان ملل متحد عرضه داشت:

طرح ۱ - تقسیم فلسطین: فلسطین به دو دولت مستقل عرب و یهود تقسیم شود و بیت المقدس به طور بین المللی اداره گردد.

طرح ۲ - یک دولت دمکراتیک متحد عربی - یهودی برپا شود و بیت المقدس نیز پایتخت آن گردد. طرح مسئله فلسطین در گردد.

همای پائیز ۱۳۲۶ (ماه سپتامبر و نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اختلاف ژرف میان ایالات متحده و بریتانیا از یکسو، و اتحاد شوروی از سوی دیگر را آشکارتر ساخت. سرانجام در روز ۲۸ آذر ماه ۱۳۲۶ (۲۹ نوامبر ۱۹۴۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه ای

را درباره تقسیم فلسطین به دو کشور دمکراتیک مستقل عربی و یهودی یا رای اکثریت (۱۱ اعضای حاضر) از تصویب گذراند و اعلام داشت که سرپرستی بریتانیا بر فلسطین روز ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ (۱۵ ماه مه ۱۹۴۸) پایان می پذیرد. پیامد نشست سازمان ملل متحد در ماه نوامبر ۱۹۴۷ نمایانگر سرشت سیاست توطئه گرانه و عملکرد آشوب - کارانه ایالات متحده آمریکا و بریتانیا بود. این دو دولت، با چشم فرو بستن بر مصوبات سازمان ملل متحد، بر سرگشودن گره مسئله فلسطین بسود خویش در دوران اشغال، به توافق رسیدند. امپریالیسم آمریکا و بریتانیا از دوسو تحریکات آتش افروزانه خود را آغاز کردند.

یورش های خونبار صهیونیستها

بخاطر جلوگیری از پیدایش "دولت عربی فلسطین"

رهبران صهیونیستی، که همواره با تلاش پر دامنه میخواستند راه پیدایش یک دولت عربی فلسطینی را سد سازند در هماهنگی با توطئه گری ها و فتنه انگیزی های امپریالیست های آمریکائی و بریتانیائی از اوخراست ماه ۱۳۲۶ (ماه دسامبر ۱۹۴۷) جنگ اعلام - نشده ای را برای راندن فلسطینی ها از زاد بوم شان آغاز کردند. مردم فلسطین برای هفتمین بار به قیام برخاستند. سراسر کشور در شراره های برخورد های خونین می سوخت. فلسطین یک هفته در انحصار عمومی بسر می برد. در زد و خورد های مردم حق طلب فلسطین با سربازان اشغالگر بریتانیائی و تروریست های صهیونیست ۵۰۰۰ تن فلسطینی جان باختند. از آذرتا بهمن ماه ۱۳۲۷ (ماه دسامبر ۱۹۴۷ تا فوریه ۱۹۴۸) یگان های مسلح هاگانا، ایرگون و اشتیرون بیش از ۲۰۰۰۰ یار به محله های عرب - نشین یورش بردند.

در اسفند ماه ۱۳۲۶ و فروردین ماه ۱۳۲۷ (ماه مارس و آوریل ۱۹۴۸) صهیونیست ها در صدد اجرای برنامه استراتژیکی "دالت"، یعنی دست - اندازی تدریجی بر سرزمین های فلسطین و بیرون راندن اعراب بر - آمدند. در فراهم ساختن زمینه برای اجرای این برنامه، حملات منظمی از جانب صهیونیست ها، بخاطر افشاندن تخم هراس در دل اعراب، سازمان یافت. در این باره، "گاره"، تاریخ نگار فرانسوی حقایق زیرین را نگاشته است: "از دو ماه پیش از پایان سر - پرستی بریتانیا بر سرزمین فلسطین،

سلیلی از اعلامیه های هاگانا، در بر دارنده کلمات زیرین، فرومی بارید: "آنهایی که می خواهند از جنگ دوری کنند و زندگی خویش را نجات دهند، باید با زن و فرزند یا به فرار بگذارند. جنگ شدید و بی رحمانه ای در پیش است." صهیونیست ها برای اثبات گفته های خویش، در تاخت و تاز وحشیانه - ای به دهکده کوچک عربی "دیر یاسین" واقع در نزدیکی بیت المقدس، دست به عمل زدند. در سپیده دم روز ۲۰ فروردین ماه ۱۳۲۷ (۹ آوریل ۱۹۴۸) تروریست های "ایرگون" وارد دهکده شدند. طی چند ساعت دهکده زیر آوار آتش و گلوله به خاکستر نشست و تروریست ها ۲۵۴ سکنه بیگناه آن را - سنگدلانه به کام مرگ فرستادند. پس از این جنایت فجیع، صهیونیست ها بیدرنگ عکس های پر شمار و هراسناکی از پیکرهای جان باخته در همه کچی اعراب "دیر یاسین" تهیه کردند و آن ها را در دهکده های عربی، به همراه همدارانشان زیرین، پراکنده ساختند: "اگر تن به کوچ ندهید، این سرنوشت در انتظار شما نیز هست!" صهیونیست ها تقریباً همزمان با همه کچی در دهکده "دیر یاسین" و "حلیله"، یگان های "هاگانا" به "یافا" واقع در بخش دولت عربی فلسطین، دست اندازی کردند. این تنها اقدام خشونت بار توسعه طلبانه صهیونیست ها نبود. هشت حمله از یورش های سیزده گانه صهیونیستی در فروردین ماه ۱۳۲۷ (ماه آوریل ۱۹۴۸) در سرزمین های آینده "دولت عربی فلسطین" به اجرا گذارده شد. تا پایان سرپرستی بریتانیا در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۷ (۱۵ ماه مه ۱۹۴۸) بیش از ۲۵۰۰۰۰ فلسطینی بزور از بار آورترین خطه های فلسطین باختری کوچانده شدند. تاریخ نگار شوزوی، "ل. مادوز - ورین"، در تفسیری پیرامون، که این قساوت و خشونت کم سابقه صهیونیست ها نگاشته:

اگر چنین عملی علیه یهودیان در هر کشوری انجام می گرفت، آنرا نژاد کشی (ژنوسید) میخواندند، و البته به درستی چنین می نامیدند. ولی استعمار گران صهیونیستی رواداشتن همان عمل را نسبت به عرب ها، بهره برداری از زمین خالی از سکنه برای مردم بدون زمین می خوانند. در این منطق تبه کارانه، سرشت نژاد پرستانه سیاست صهیونیستی نسبت به عرب ها، که بر بنیان حکم "تال مودیک"، - آنچه دیگران نمی توانند نسبت به دیگران دهند، من می توانم نسبت به دیگران انجام دهم، مبتنی است، آشکارا دیده می شود. ادامه دارد.

هواس از اخراج کارگران بریتانیا را حتی بهنگام بیماری مجبور می کند که سرکار حاضر شوند

دست داد. پس از این بحران، یعنی در سالهای ۱۹۷۹/۸۰، این شماره به ۲۵۹ میلیون کاهش یافت. در حالیکه در همین مدت نزدیک به یک میلیون نفر دیگر به خیل بیکاران پیوستند. در مارس ۱۹۸۱، شماره کارگران رسماً بیمار ۲۱٪ کمتر از میانگین چهار ماه اول سال پیشین بود. گزارش "اداره اقتصاد بهداشتی" این پدیده را این گونه تفسیر می کند: هنگامیکه کارمیان است، مردم آسانتر بیماری را می پذیرند، تا در دوران رفاه. آنها پیش از تصمیم به آنکه حتی بیکروز در خانه بمانند، در فکر فرومی روند. که محل کارشان تا چنانچه اندازه مطمئن است.

بیماری برای بسیاری از کارگران بریتانیا رفته رفته به کالای لوکس تبدیل می شود. این ارزیابی را در گزارشی می - خوانیم، که چندی پیش از سوی "اداره اقتصاد بهداشتی" این کشور انتشار یافت "تایمز" لندن در این باره می نویسد، که بنیکاری نزدیک به سه میلیون نفر چنان هراسی از اخراج از کار در میان کارگران برانگیخته است، که اینان حتی بهنگام بیماری در سرکار خود حاضر می شوند. بر پایه گزارش نامبرده، در سالهای ۱۹۷۸/۷۹، یعنی پیش از بحران ادواری، اقتصاد بریتانیا روبه رفته ۳۷۱ میلیون روز کار بر اثر بیماری زحمتکشان از



احزاب، جمعیت ها، سازمان ها...

سند آموزنده ای از متن تاریخ!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در عصر روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲

برای درهم شکستن توطئه خائنانه امپریالیستی برای سرنگون کردن حکومت ائتلافی اوپاش و پسر رضاخان در جبهه واحدی متحد شویم

ما در این ساعات بحرانی یکبار دیگر از دکتر مصدق و طرفداران او، از فراکیون نهضت ملی، از حزب ایران، جامعه اصناف و بازرگانان، احزاب نیروی سوم، بان ایرانیست و آزادی مردم ایران و کلیه عناصر میهن دوست و باشراف که حاضر به تحمل حکومت رجاله ها و خائنین، حکومت مزدوران امپریالیسم آمریکا و اتعایس نیستند دعوت میکنیم که صرف نظر از اختلاف عناید سیاسی در صف واحدی متشکل شویم. هموطنان عزیز، مبارزان ضد استعمار!

برای درهم شکستن توطئه خائنانه امپریالیستی برای سرنگون کردن حکومت ائتلافی اوپاش و پسر رضاخان در جبهه واحدی متحد شویم.

ما در این ساعات بحرانی یکبار دیگر از دکتر مصدق و طرفداران او، از فراکیون نهضت ملی، از حزب ایران، جامعه اصناف و بازرگانان، احزاب نیروی سوم، بان ایرانیست و آزادی مردم ایران و کلیه عناصر میهن دوست و باشراف که حاضر به تحمل حکومت رجاله ها و خائنین، حکومت مزدوران امپریالیسم آمریکا و انگلیس نیستند دعوت میکنیم که صرف نظر از اختلاف عناید سیاسی در صف واحدی متشکل شویم. هموطنان عزیز، مبارزان ضد استعمار!

خطر عظیمی آزادی و استقلال کشور ما را تهدید میکند. مزدوران امپریالیسم آمریکا و انگلیس که حزمیان اراد و بدکاره ها تکیه گاهی ندارند و پایه های حاکمیت شان را شعبان بی مخ و ملکه عتضادی و شاهنشده و پیراسته تشکیل میدهد، طی یک کودتای نظامی، که مستقیماً از سفارت آمریکا رهبری میشود و خائنینی مانند پسر رضاخان، زاهدی ارفع و نظائر آنها در رأس قرار داشتند، توانستند با استفاده از شست بوعدم هماهنگی نیروهای ملی و تزلزل و تردید و مداخلات دولت جبهه ملی موسسات دولتی شهر تهران را اشغال کنند و میکوشند حاکمیت غاصبانه خود را مستقر سازند.

این خائنین و رجاله ها که از بی ثباتی و تزلزل دستگاه خود اطالع دارند، میکوشند که با تهدید مردم به مسلسل و سرنیزه، با مسلط ساختن قاتلین و جاقوکنان بر آنها مانند دوران سپاه رضاخان وحشت رعب و هراس به وجود آورند و بر پایه این وحشت سپاه پایه های حکومت غاصبانه خود را محکم کنند. ولی این جنایتکاران غافل از آنند که شرایط امروزی جهان و ایران با شرایط دوران رضاخان، با شرایط کودتای ۱۵ بهمن یکی متفاوت است.

مردم کشور ما طی مبارزات دوازده ساله اخیر خود علیه استعمارگران غارت گر و مزدوران آنها بیدار و هشیار شده و تحریکات گرانبهای بدست آورده اند و به هیچ وجه حاضر نیستند آزادی و استقلال میهن خود را برای گان از دست بدهند. مردم کشور ما که در مبارزات ضد استعماری چهار سال اخیر آبدیده شده و پیروزی های درخشان به دست آورده اند، آماده اند تا تمام قوای خود از این پیروزی ها دفاع کنند. حکومت اوپاش و پسر رضاخان هر قدر سبانه و وحشیانه عمل کنند، از آنجا که کوچکترین تکیه گاهی بین مردم ندارد، پوشالی و موقتی و گذراست. تنها حکومتی میتواند به طور استوار باقی بماند که در قلب مردم جا داشته باشد و به مردم خدمت کند.

هیئت تحریریه نشریه "اتحاد مردم" دوستان محترم!

سندی که به پیوست در اختیارتان قرار میگیرد، هم حائز اهمیت تاریخی است، هم محتوی اساسی آن - ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی بی برضد امپریالیسم و ارتجاع به سرکردگی آمریکا - تمام و کمال فعلیت دارد. این سند حائز اهمیت تاریخی است، زیرا نشان می دهد که: حزب توده ایران درست یگروز پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بر اساس سیاست اصولی، انقلابی و همیشگی خود، همه مردم و همه نیروهای میهن دوست را، صرف نظر از "اختلاف عقاید سیاسی"، فراخواند تا برای سرنگون ساختن "حکومت مزدوران آمریکا و انگلیس، حکومت رجاله ها و پسر رضاخان"، متحد شوند، و تاکید کرد که این اتحاد تنها ضامن پیروزی در مبارزه بخاطر استقلال ملی و آزادی است. بدینسان، این سند پاسخ دندان شکن و محکوم کننده به همه کسانی است که برای پوشاندن خیانت تاریخی خود در تفرقه افکنی میان نیروهای ضد استعماری، حزب توده ایران را مورد افترا قرار دادند و میدهند. این سند در همان حال پاسخ و شکرانه و هشدار دهنده به همه کسانی است که در کمال تاسف، ناگاهانه در دام دشمنان مردم افتادند، ندای اتحاد حزب توده ایران را رد کردند و در افترا زنی به حزب توده ایران با دشمنان مردم همصدا شدند و می شوند.

به فراخوان حزب توده ایران برای اتحاد از جانب سایر نیروهای ضد-

عموالتان عزیز، مبارزان ضد استعمار! کارگران، دهقانان، پیشه وران، دانشجویان، دانش آموزان، کارمندان، روشنفکران، تجار و کسبه و بازاریان، کارفرمایان و وطنخواه، شما که نمیخواهید کشورتان جولانگاه جاسوسان انگلیسی و آمریکائی باشد، شما که نمیخواهید منابع عظیم نفت میهنتان دوباره بدست غارت گران انگلیسی و آمریکائی بیفتد، شما که نمیخواهید دوباره سرنوشت کشورتان به دست فاحشه های درباری به امپریالیست های انگلیسی و آمریکائی فروخته شود، شما که نمیخواهید شعبان بی مخ ها بر ناموس شما مسلط شوند، شما که استقلال و شرافت ملی خود را محترم می دارید، باید با تمام قوا برای درهم شکستن این حکومت پوشالی بپاخیزید و تا آنرا سرنگون نسازید آرام نگیرید.

هموطنان عزیز! ما باید از گذشته، نزدیک، درین عبرت بگیریم. اگر نیروهای که هدفشان کوتاه کردن دست استعمار از کشور ما بود، به پای آنکه با خالگران فرصت تفرقه اندازی دهند، در صف واحدی متشکل شده بودند، چنین فرصتی برای دشمن خلق بوجود نمی آمد. ولی این حادثه به هیچ وجه نباید شما را دچار یاس سازد. شرایط کنونی از لحاظ قدرت نیروهای ملی و مساعد بودن اوضاع جهانی وضع نیروهای امپریالیستی و تشدید تضادهای جهانی بین آنان به مراتب مساعدتر از روزهای بعد از ۱۵ بهمن و با دوران حکومت رژیم آرا و یا زمان انجام کودتای خائنانه شاه و قوام میباشد. امروز پایه های فرمانفرمائی

استعماری و ضد رژیم کودتا پاسخ مثبت داده نشد. نتیجه، استقرار ۲۵ سزان "حکومت مزدوران آمریکا و انگلیس، حکومت رجاله ها و پسر رضاخان" بود. این سند از نظر محتوی اساسی آن ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی، بی برضد امپریالیسم و ارتجاع به سرکردگی آمریکا - تمام و کمال فعلیت دارد، زیرا در سهالی که از انقلاب پیروزمند ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران بهره گیری میگردند، به ثبوت رسیده است که دشمنان اصلی و واقعی مردم ما و انقلاب ما، همان امپریالیست های آمریکائی و انگلیسی و دستیاران و مزدوران آنها هستند، که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با یک کودتای خائنانه "حکومت رجاله ها و پسر رضاخان" را بر مردم ما تحمیل کردند و ما را هم میخوانند، با سرنگون ساختن جمهوری اسلامی ایران، حکومت مزدوران امپریالیسم، حکومت رجاله ها و پسر رضاخان را بر مردم ما تحمیل کنند. این واقعیت هم مسلم است که یگانه ضامن پیروزی نهایی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع به سرکردگی آمریکا، اتحاد نیروهای انقلابی، صرف نظر از عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی است. راه دیگری وجود ندارد. این سند به انقلابیون امروز از دل تاریخ هشداری جدی و موکد میدهد که نباید گذاشت دشمنان دانا و دوستان نادان، با تفرقه افکنی در میان نیروهای انقلابی، زمینه پیروزی توطئه امپریالیسم آمریکا بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را فراهم سازند. دوستان محترم! اگر مناسب تشخیص دادید، این سند را در نشریه "اتحاد مردم" به چاپ برسانید.

با سپاس و احترام دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۶۰/۱۲/۲

وجود است. باید آنها را تشویق کرد تا به صفوف مردم بپیوندند و از اجرای فرمان فرماندهان خائن خود سرپیچند بدون تردید اگر مقاومت ملت آغاز شود، عده زیادی از افراد شرافتمند ارتش، از افسران علاقمند به حیثیت ملی، در کنار ملت قرار خواهند گرفت.

هموطنان عزیز، مبارزان ضد استعمار! عوامل بسیار زیادی برای پیروزی ملت ما علیه استعمارگران و حکومت دست شانده آنها موجود است. باید این عوامل را به بهترین وجه مورد استفاده قرار داد. باید به مقاومت های مجزاشکل داد، باید در صفوف نیروهای ضد استعمار وحدت ایجاد کرد، از پیروزی های موقتی اولیه دشمن نهراسید و به مقابله و مقاومت جدی دست زد.

اینست تنها راه پیروزی در راه تامین آزادی و استقلال ملی، راهی که بدون تردید تمام مبارزان واقعی ضد استعمار به آن خواهند پیوست. پیروزی از آن ملتهاست. خیانت کاران جز شکست و ننگ طرفی نخواهند بست.

پیروز باد جبهه واحد ملی علیه استعمارگران. سرنگون باد حکومت مزدوران آمریکا و انگلیس، حکومت رجاله ها و پسر رضاخان.

سرفراز باد پرچم مقدس مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی. مرکز بر امپریالیست ها و مزدوران شان. کمیته مرکزی حزب توده ایران عصر ۵شنبه ۲۹/۵/۱۳۳۲

خوانندگان محترم و نمایندگان فروش هفته نامه "اتحاد مردم" خواهشمند است بهای نسخه های هفته نامه "اتحاد مردم" و کمک های نقدی خود را طی حواله های بانکی به حساب شماره ۱۵۸۴ بانک ملی ایران، تهران شعبه آریا شهر به نام محمود اعتمادزاده واریز و فتوکپی قبض آن را به نشانی تهران منطقه پستی ۱۳، صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴ ارسال فرمایند. بادرود و سپاس

گورکن... بقیه از صفحه ۱۳ هیئت نمایندگی آمریکا در "گفتگوهای ژنو" عهده گرفت. با سابقه "درخشانی" که نیتز دارد، می توان حدس زد که وی، تا آنجا که بتواند، در راه سلاح زدائی سنگ اندازی خواهد کرد. بهیچ وجه خبرگزاری "تاس" چندی پیش از انتخاب نیتز، او را "گورکن سلاح زدائی" خواند. و دستیارانش ایستادگی کنند و با پیروزی نهایی در جنگ، پوزاه امپریالیسم آمریکا و دستیارانش را به خاک بمالند.

با پیروزی اخیر در ژنو "تسنگ جزایه" تکمیل میشود، خبر از نزدیکی شکست محتوم صدام میدهد. این پیروزی ها را نه تنها غلبه بر توطئه صدامی، بلکه باید در چارچوب پیروزی های انقلاب اسلامی ایران بر امریکای جهان خوار به حساب آورد. این پیروزی ها، به گفته "جنت الاسلام" ها شمی رهنجانی، "به همه عمال امریکادار مرزها و مخصوصاً مرزهای جنوب" این "درس" را میدهد که نمی توان با این توطئه ها انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را به زانو در آورد. زیرا خلق های قهرمان ایران مصمم اند که تا پای جان در برابر امپریالیسم امریکا

پیروزی بر... بقیه از صفحه ۱ کرده بود، تاضیه شستی به ما نشان بدهد و به سربازانش نیز روحیه بدهد، انجام دادیم و نشان دهیم از همان نقطه قوت عراق میتوانیم ضربه بزنیم. (جمهوری اسلامی، ۱۳ اسفند ۶۰) حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی همچنین یادآور شد. این جمله قاعدتا درسی است برای آنها که متوجه باشند، حاجی نیست که آسیب پذیر نباشند و امیدواریم که با این عملیات متنبه شوند.



# تیم منتخب تهران قهرمان جام پاکستان شد

تیم ریگاز اتحاد شوروی فاتح مسابقات بسکتبال "جام ۲۲ بهمن" شد



"تیم منتخب تهران" در مسابقه بین المللی فوتبال پاکستان به پیروزی رسید و برنده جام "قائد اعظم" شد. عکس، هجوم سرنوشت ساز بازیکنان ایرانی رابه دروازه پاکستان نشان می دهد.

مهمترین رویدادهای ورزشی هفته گذشته را همچنان ادامه مسابقاتی که به منظور بزرگداشت سومین سالگرد پیروزی انقلاب برگزار شدند، تشکیل می دادند. خلاصه ای از رویدادهای مهم ورزشی هفته گذشته را در زیر می آوریم:

## بسکتبال: شوروی قهرمان شد

رقابت های اولین دوره مسابقات بین المللی بسکتبال، که با شرکت تیم های تهران، اصفهان، خراسان، آذربایجان، مازندران، نیروی هوایی و نیز تیم ریگاز اتحاد شوروی و تیمی از پاکستان در شهر اصفهان برگزار شد، پایان یافت و تیم ریگاز از اتحاد شوروی به مقام قهرمانی رسید. تیم ریگاز از حمله در برابر تیم باختران با نتیجه ۱۵۲ بر ۷۴، در برابر تهران با نتیجه ۱۱۸ بر ۷۴ و در برابر نیروی هوایی با نتیجه ۱۱۹ بر ۴۸ پیروز شد. تیم تهران که مهم ترین حریف تیم شوروی در این بازی ها بود، به خصوص در بازی نهایی خوب و چالاک ظاهر شد و توانست چهره خوبی از خود به نمایش گذارد. نتیجه بازی نهایی ۹۳ بر ۵۷ بسود تیم ریگاز از اتحاد شوروی بود. در پایان بازی ها مراسم برای توزیع جوایز تیم ها برگزار شد. در این مراسم سرپرست تربیت بدنی، کنسول سفارت اتحاد شوروی در اصفهان، مدیر کل دفتر مشترک فدراسیون ها و دبیر کمیته تیم پاکستان شرکت داشتند. مراسم اختتام بازی ها در میان شعارهای "مرگ بر امریکا" و نمایش وحدت حاضرین که دستهای یکدیگر را بالای سر همه گره زده بودند، پایان یافت. همین صحنه در میان بازیکنان و کاپیتان تیم ها و نیز سرپرستان و مسئولین حاضر در سالن به چشم می خورد.

در روز چهارم بازی ها، نیز به درخواست سرپرست تیم شوروی بسکتبالیست های این تیم به همراه علی مقدمیان، رئیس فدراسیون بسکتبال جمهوری اسلامی ایران، ابراهیم نعمتی، رئیس کمیته اجرایی مسابقات و جمعی دیگر از مسئولین و ورزشکاران ایرانی بر مزار شهدای انقلاب حضور یافتند. ورزشکاران ضمن ادای احترام به شهدا، دسته گل هایی بر مزار این قهرمانان گذاشتند. گروهی عناصر مشکوک با شعار هائی موجب ناراحتی ورزشکاران شوروی شدند، بگونه ای که ورزشکاران شوروی بعنوان اعتراض به این وضع بحالت قهراً میز مزار شهدا ارتکاب یافته و به اتوبوس خود مراجعت کردند. بدنبال این امر علی مقدمیان رئیس فدراسیون بسکتبال جمهوری اسلامی ایران با مراجعه به تومبیل آنها از عمل زشت گروه مذکور عذر خواهی کرد. (کپهان ورزشی - شنبه اول اسفند ۶۰) علی مقدمیان در مراسم پایانی بازی های بسکتبال نیز طی سخنانی گفت:

"در این چندروزه گروهی غیر مسئول بی نظمی هائی در ورزشگاه ایجاد کردند و برای تماشاچیان و به خصوص میهمانان خارجی ناراحتی هائی بوجود آوردند که باید کنترل می شدند که این کار صورت گرفت و ما به نوبه خود از شما (فرمانده سپاه پاسداران) و سایر برادرانی که نظم مسابقات را بر عهده داشتند تشکر می کنیم." (همانجا)

آنچه می توان به این گفته ها اضافه کرد، تنها اینست که کوشش "عناصر مشکوک" برای تیره کردن مناسبات ایران انقلابی با دوستان واقعیش در سطح جهان، این بار نیز، با درایت و هوشیاری مسئولین تربیت

بدنی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان و نیز تمامی ورزشکاران و ورزش دوستان واقعی شرکت کننده در مراسم، با شکست مواجه شد.

## فوتبال:

### ایران قهرمان "جام پاکستان"

خبرهای مربوط به رشته فوتبال را در هفته گذشته بطور عمده مسابقات "جام وحدت" تحت الشعاع قرار داده بود. تیم های شرکت کننده در این مسابقات که در شماره قبل آنها را معرفی کردیم - در ۲ گروه: (۱) پرسپولیس، ملوان، ارتشلیبی و امید تهران و (۲) الجزایر، استقلال، سوریه و ارتش جمهوری اسلامی ایران، رقابت های خود را آغاز کردند.

در گروه اول تیم پرسپولیس با شایستگی و در میان ناباوری زیر این تیم در غیاب برخی از بازیکنان سرشناس خود مانند علی پروین به میدان آمده بود. مقام اول این گروه را بدست آورد و بدنبال آن ملوان قرار گرفت. در این گروه تیم ارتشلیبی نیز خوب ظاهر شد، هر چند که نتوانست نتیجه درخشانی بدست آورد. تیم امید تهران، که مدت ها بر سر انتخاب اعضای آن کار شده بود و بنا به اظهار نظر مسئولین و دست اندرکاران می بایست پشتوانه تیم ملی ایران باشد، در این دیدارها بسیار ضعیف، پاشیده و بی تکنیک ظاهر شد.

در گروه دوم تیم الجزایر نیرومند با تکنیک و پرتحرک بود و توانست همه رقبیان را شکست دهد و مقام اول گروه را نصیب خود کند. تیم ارتش سوریه نیز به مقام دوم دست یافت.

در مرحله تیم نهایی، الجزایر با ملوان و پرسپولیس با سوریه دیدار کردند. در این دیدارها پرسپولیس با یک گل سوریه را شکست داد و الجزایر با ضربات پنالتی ملوان را مغلوب کرد. و در نتیجه، دبیدار نهایی را پرسپولیس و الجزایر برگزار کردند. دبیدار ملوان و الجزایر از زیبایی خاصی برخوردار بود.

تیم منتخب تهران نیز، که برای شرکت در مسابقات "جام قائد اعظم" به پاکستان اعزام شده بود و مسابقات خود را با شعارهای "مرگ بر امریکا" آغاز کرد، بازی های خود را با قدرت پیش برد. این تیم توانست به دنبال مساوی با تیم چین، تیم های "الف" و "ب" پاکستان، و نپال و عمان را با نتیجه خوب شکست دهد و سرانجام با غلبه ۹ بر صفر بر بنگلادش، جام را به ایران آورد. تیم منتخب تهران، پنا به

اظهار نظر تمام مفسران ورزشی، قهرمان شایسته و سزاوار این جام بود.

## قرعه کشی میان باشگاه های تهران

در هفته گذشته، طی جلسهای با شرکت مربیان ۱۸ تیم دسته اول باشگاه های تهران، قرعه کشی مسابقات این باشگاه ها، که از ۲۰ اسفند ماه آغاز خواهد شد، انجام گرفت. در این جلسه با موافقت کلیه حضار، قرار شد که بازی تیم های استقلال و پرسپولیس، که از هیچان و حساسیت زیادی برخوردار است، در هفته دهم با هم دیدار داشته باشند.

در همین هفته حسین راغفر دروازه بان پرسپولیس، تیم راه آهن، با پیشنهاد آیشناسان سرپرست فوتبال و موافقت داودی سرپرست تربیت بدنی به سمت رئیس فدراسیون فوتبال کشور منصوب شد.

## مسابقات تیم فوتبال کره دمکراتیک با تیم های فوتبال تهران و شهرستانها

تیم فوتبال جمهوری دمکراتیک خلق کره نیز که قرار بود برای انجام چند بازی دوستانه به کشورمان بیاید، سرانجام، با کمی تاخیر، روز ۴ اسفند، از طریق بندر انزلی، وارد ایران شد. طبق برنامه اعلام شده، این تیم بازی های زیرین را انجام می دهد:

۶ اسفند با تیم بوشهر - ۸ اسفند با تیم شیراز - ۱۰ اسفند با تیم اصفهان - ۱۲ اسفند با تیم منتخب خوزستان (در اهواز) - ۱۴ اسفند با تیم منتخب تهران - ۱۶ اسفند با تیم منتخب خراسان (در مشهد) و در روز ۱۸ اسفند با تیم منتخب هما و شاهین (در تهران).

## وزنه برداری:

### تدارک برای جام جهانی

مسابقات انتخابی وزنه برداری در رشته جوانان تهران، در روزهای ۸ و ۹ و ۱۰ اسفند ماه برگزار میشود. این مسابقات، مقدمات برگزار قهرمانی جوانان کشور است، که در فروردین ماه آینده در خرم آباد برگزار می شود، و در واقع شروع شناسائی قهرمانان واجد شرایط برای شرکت در وزنه برداری قهرمانی جهان به حساب می آید.

بازی های جهانی قهرمانی وزنه برداری جوانان در اردیبهشت سال آینده در برزیل برگزار میشود. با توجه به اینکه اکثر رکورد شکنان جام انقلاب را جوانان تشکیل دادند، از هم اکنون می توان بازی های پرهیجان و رقابت های جالبی را در این رشته ورزشی انتظار داشت.

## مناسبت: "قوریه پیروز" (روز پیروزی زحمتکشان چکسلواکی)

بر ارتجاع بورژوازی در سال ۱۳۲۶ / ۱۹۴۸

امضای پروتکل همکاریهای اقتصادی ایران و چکسلواکی

(۳ اسفند ۶۰)

# بازرگانی خارجی چکسلواکی

برای کشور صنعتی رشد یافته ای چون چکسلواکی، که دارای منابع محدود مواد خام است، مناسبات اقتصادی بین المللی دارای اهمیت ویژه است. مناسبات بازرگانی خارجی چکسلواکی بر پایه انحصار بازرگانی خارجی برنامه وار گسترش می یابد. مبادلات بازرگانی این کشور در سال ۱۹۷۸ در مقایسه با ۱۹۴۸ رو به فرته ۱۲ برابر و با کشورهای سوسیالیستی ۲۲ برابر شد. سهم کشورهای سوسیالیستی از ۴۰ درصد در سال ۱۹۴۸، به ۷۳ درصد در دوران کنونی افزایش یافته است. مهم ترین شریک بازرگانی جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی اتحاد شوروی است، که در سال ۱۹۷۸ سهم آن در مبادلات بازرگانی خارجی چکسلواکی در حدود ۳۳ درصد بود. مبادلات بازرگانی خارجی چکسلواکی با اتحاد شوروی در سال های ۷۸-۱۹۴۸ ۲۵ برابر شد. جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری خلق لهستان از این نظر در مقام های بعدی قرار دارند.

میلیون کرون

مبادلات بازرگانی خارجی

۱۹۷۰ = ۱۰۰

صادرات	۱۹۶۵	۱۹۷۳	۱۹۷۵	۱۹۷۷	۱۹۷۸
۱۹۳۵۷	۳۵۳۲۲	۴۶۶۵۱	۵۸۲۴۶	۶۳۶۰۹	۶۳۶۰۹
۷۱	۱۲۹	۱۷۱	۲۱۳	۲۳۳	۲۳۳
۱۹۲۴۲	۳۵۸۰۵	۵۰۷۱۶	۶۳۲۱۳	۶۸۰۷۴	۶۸۰۷۴
۷۲	۱۳۵	۱۹۱	۲۳۸	۲۵۶	۲۵۶

در مناسبات میان کشورهای "شورای همکاری اقتصادی" قراردادهای بازرگانی دراز مدت و پروتکل های سالانه ای که بر پایه آنها در زمینه همکاری اقتصادی علمی - فنی امضا میشود، اهمیت هر چه بیشتری می یابد. ویژه کاری و همکاری این کشورها بر اساس "برنامه جامع" همپوندی اقتصادی سوسیالیستی و قراردادهای دوجانبه و چند جانبه استوار است. چکسلواکی در چارچوب این همکاری ویژه ماشین آلات، تجهیزات صنعتی و کالاهای مصرفی صادر می کند. واردات چکسلواکی در درجه نخست مواد خام و سوخت، فرآورده های صنایع ماشین سازی، کالاهای مصرفی و خوار بار را در بر می گیرد. جدول زیرین ساختار کالایی بازرگانی خارجی چکسلواکی را بازمی تابد:

## ساختار کالایی بازرگانی خارجی چکسلواکی

صادرات	۱۹۷۰	درصد	میلیارد کرون	درصد	۱۹۷۸
کل ماشین آلات و تجهیزات مواد سوخت و خام از جمله ذغال سنگ مواد معدنی آهن فرآورده های شیمیائی مصالح ساختمانی خواربار کالاهای مصرفی دام	۲۷۳۰۵	۱۰۰	۶۳۶۰۹	۱۰۰	۶۳۶۰۹
	۱۳۷۱۱	۵۰/۲	۳۳۶۲۴	۵۲/۹	۳۳۶۲۴
	۸۰۱۴	۲۹/۴	۱۶۷۷۳	۲۶/۴	۱۶۷۷۳
	۵۱۵۴	۱۸/۹	۹۷۶۵	۱۵/۴	۹۷۶۵
	۱۲۸۳	۴/۷	۳۰۶۳	۴/۸	۳۰۶۳
	۶۱۰	۲/۴	۱۴۷۴	۲/۳	۱۴۷۴
	۱۰۳۹	۳/۸	۲۳۶۷	۳/۷	۲۳۶۷
	۴۵۱۵	۱۶/۵	۱۰۷۷۵	۱۶/۹	۱۰۷۷۵
	۲۵	۰/۱	۷۰	۰/۱	۷۰

واردات	۱۹۷۰	درصد	میلیارد کرون	درصد	۱۹۷۸
کل ماشین آلات و تجهیزات مواد سوخت و خام از جمله ذغال سنگ معدنی آهن فرآورده های شیمیائی مصالح ساختمانی خواربار کالاهای مصرفی دام	۲۶۶۰۵	۱۰۰	۶۸۰۷۴	۱۰۰	۶۸۰۷۴
	۸۸۷۱	۳۳/۳	۲۷۳۹۳	۴۰/۲	۲۷۳۹۳
	۱۱۴۶۸	۴۳/۱	۳۰۶۶۵	۴۵/۱	۳۰۶۶۵
	۶۳۱۳	۲۳/۷	۲۰۲۷۴	۲۹/۸	۲۰۲۷۴
	۲۳۶۰	۸/۹	۵۱۵۷	۷/۶	۵۱۵۷
	۳۳۰	۱/۲	۶۲۳	۰/۹	۶۲۳
	۳۹۳۶	۱۴/۸	۵۶۶۸	۸/۳	۵۶۶۸
	۲۲۶۰	۸/۵	۴۲۷۳	۶/۳	۴۲۷۳
	۶۹	۰/۳	۷۵	۰/۱	۷۵





از زبان خوانندگان

# جنگ ما با آمریکا است

«خراسانی» دوستی از تهران در نامه‌ای که برای «اتحاد مردم» نوشته نظریات خود را درباره جنگ تجاوز - کارانه آمریکائی - صدامی علیه جمهوری اسلامی ایران بیان کرده و از ادامه جنگ ابراز نگرانی عمیق نموده است. اومی - نویسد:

«هرچه از جنگ ویرانگر و تباہ - کننده ایران و عراق میگذرد، این سؤال بیشتر در اذهان قوت میگیرد که جنگ چرا باید ادامه یابد و چرا با وجود اینکه واقعات و مسالمت آمیزی برای پایان دادن به آن بوده و هست، باید به آن دامن زد؟»

نویسنده با اینکه بدرستی معتقد است که:

«شکی نیست که ارتجاع جهانی همیشه میخواید به هر صورتی که میتواند حتی به شیوه لشکرکشی و جنگ افروزی، انقلاب خلق را خاموش و خفه سازد و مخصوصه رژیم صدام با ایران انقلابی نمونه روشنی از این واقعیت است.»

ولی متأسفانه این نظر درست را بی نمیگرد و در نتیجه، بدون توجه به واقعیت فوق، ادعا میکند که:

«رژیم صدام حاضر شده با قبول شرایط تازه‌ای (؟) آتش بس و به دنبال

آن صلح دائم را بپذیرد و خود را از مخصه کنونی نجات دهد. واضح است که رژیم عراق حاضر است وضع را به حال اول برگرداند و به صلح بازگردد و تنها چیزی که میخواهد این است که این تحول را طوری انجام دهد، که سرکستگی پیش از حد برایش در پی نداشته باشد.»

نویسنده سپس بر اساس این ادعای نادرست، «اتحاد مردم» را متهم میسازد که: «سیاست ادامه جنگ را در پیش گرفته است!»

ما، به همراه کلیه مردم انقلابی و قهرمان ایران، خود را در نگرانی نویسنده از ادامه جنگی «ویرانگر و تباہ کننده» که بهترین فرزندان این انقلاب را از آن گرفته و زبان های عظیم به بار آورده است، شریک می دانیم - هیچ ایرانی انقلابی و میهن دوستی را نمی توان یافت که از روند صلح، صلحی عادلانه و شرافتمندانه، نباشد و قلیش از کینسو نغرت نسبت به جنگ، جنگ تجاوز کارانه و ویرانگر، سرشار نباشد.

اما، به نظر ما، نویسنده نامه هر چند در ابراز نگرانی نسبت به ادامه جنگ ذیحق است، در زمینه بررسی علل بروز جنگ و چگونگی برقراری صلح، بطور کلی برخورد نادرستی دارد.

امریکا و کشورهای دست نشانده آمریکا در منطقه، با تمام نیرو برای تامین مالی و تسلیحاتی رژیم صدام و جلب پشتیبانان جدید برای آن و ایجاد پیمانهای نظامی جدید و در نتیجه دامن زدن به ابعاد جنگ، میکوشند.

نویسنده نامه که قاعدتا «اتحاد مردم» را مرتبا میخواند، باید بداند که ماهیچگاه ستاینده «جنگ» نبوده و هیچگاه «سیاست ادامه جنگ» را در پیش نگرفته ایم. ما تنها از «جنگ با آمریکا» (که جنگ با رژیم جنایتکار و تجاوزکار صدام حسین جزئی از آن را تشکیل میدهد) یعنی جنگ با متجاوز و توطئه گر و جنایتکار، که به انواع و سائل - از جمله جنگ تحمیلی صدام - در صدد سرکوب انقلاب اسلامی صدام میباشیست و مردمی ایران است، یعنی جنگ عادلانه بخاطر حفظ استقلال و آزادی میهن انقلابی مان دفاع کرده ایم و می کنیم.

## بهمین

میهن را سر تا پا به گلوله بستماند شهرها را  
بر سینه هر محله شان  
زخمی نشانده اند  
از پانفتاده است و هنوز  
استقامت است و امید  
در هر رگ و بی اش  
خبر میرسد که پیروزی  
خونین و با گریبان پاره در راهست  
خبر میرسد که آزادی  
با چاک چاک تنش  
از نیش سرنیزه و تفتنگ  
همراه توده هاست  
خوشا! خوشا!  
آزادی است در سوزمین مان  
آزادی است و مهربانی و وحدت  
دیگر شجاعت از آن پهلوانان نیست  
دیگر شهادت از آن قهرمانان نیست  
دیگر  
هر هموطن  
هر شهرو هر محله فقر  
ایستاده است به نبرد  
همیاست با انقلاب  
«همت ایران زاد»

غالباً بدل به درسهائی می شود که خود - مان باید یاد بگیریم. چنین است جریان تحریم غله در سال ۱۹۸۰ از طرف کاتر، ذخائر غذایی شوروی از این کار صدمه کمی دید و پندار واهی آمریکا درباره طلسم «اقتصاد خوارباری» خودش، درست و حسابی باطل شد.»

حالا آمریکا به اقتدار تسلیحاتی و اقتدار حاسوسی پناه می برد. حتی فاشیست ددمنشی مانند ساتور «بری - گلدواتر»، رئیس کمیسیون امنیت در سنا، بر آنست که:

«برخی عملیات سیا» بقدری وحشتناک است که وقتی من گزارش آنها را می شنیدم، گوش خود را می گرفتم!»

آیا جریان زنده زنده سوزاندن بهشتی، باهنر، رجائی از این قبیل نیست؟

تاکنون «سیا» علاوه بر دهها کودتا در قتل کسانى مانند آئینده (رئیس جمهور شیلی)، لومومبا (نخست وزیر کنگو)، چه گوارا (از رهبران برجسته کوبا)، هامیل کاراکا برال (رئیس جمهور گینه بیسائو)، رامون (رئیس جمهور پاناما)، لامبراکیس (سیاستمدار یونانی)، بن - بارکا (سیاستمدار مراکش)، و... و شهیدان انقلاب اسلامی ایران مانند بهشتی، باهنر، رجائی، قدوسی، منتظری و دهها تن دیگر شرکت مستقیم داشته است. «سیا» توطئه قتل رهبرانی مانند خامنه‌ی و سرهنگ قذافی را نیز بارها تدارک دیده، که تاکنون با شکست مواجه شده است.

ولی آیا آمریکا توانسته است با همه خون ریختن ها و بول ریختن ها چرخ گردنده تکامل را نگاه دارد؟ مردی بزرگ گفته است:

«هر قدر فعالیت تاریخ سازانسانها پهنا و تر و زو رفتر شود، بهمان اندازه تعداد آن توده هائی از اهالی، که سازندگان آگاه و چشم باز تاریخند، بناگزیب زیادتر خواهد شد.»



باشد، بهر حال خوبست آگاه باشیم که اتحاد شوروی «مقام درجه دوم» را از لحاظ قدرت نظامی نخواهد پذیرفت. نظیر این مطالب را «ملکم تون» سفیر سابق آمریکا در اتحاد شوروی، نیز گفته بود.

پلوارنکه (P. Warnke) آدم ناشناخته‌ای نیست. او بزرگترین کارشناس سلاح و مذاکره گر امور تسلیحاتی از سوی آمریکا با اتحاد شوروی بود و هم از طرف کاتر در مسکو، رئیس هیئت نمایندگی آمریکا محسوب می شد. وی اخیراً گفته است:

«ایالات متحده آمریکا باید از این اندیشه دست بکشد که گویا می توان مسائل سیاسی را با وسائل نظامی حل کند و یا اینکه صاف و ساده باریختن پول بیشتر خواهد توانست وضع نظامی آمریکا را بهبود بخشد.»

کاتر می کوشید و ریگان می کوشد تا

است که شورویها برای اجراء خلع سلاح شوقی عظیم دارند.

ولی فایده‌ای ندارد! ۴۰٪ پول آمریکا، مستقیم و غیر مستقیم، صرف تدارک جنگ و سلاح می شود. تا سال ۱۹۸۵ آمریکا یک تریلیون و پانصد میلیارد دلار مستقیم صرف تدارک جنگ و تسلیحات خواهد کرد! با این عمل امپریالیسم آمریکا چهار کار انجام میدهد:

۱- رقیب راه تسلیحات متقابل را میدارد و سیر تکامل رفاه‌ی جوامع سوسیالیستی را کند و آنها را، عسر غم میل خود، در حادثه تحکیم قدرت نظامی سیر می دهد.

۲- متحدان «راه همکاری» مجبور می سازد و از میزان تولید کالای مصرفی آنها در بازار و از شدت رقابت آنها می کاهد. زیرا آنها مجبورند سال بسال بر مخارج تسلیحاتی بیفزایند.

۳- نوکرهای «جهان سوم» مانند ضیا الحق و ملک خالد و پینوشه و بگین و امثال آنها را مسلح می سازد، تا جلوی جنبشهای رهائی بخش را بگیرد و مانع فوران انقلاب ها شود.

۴- برای خود بازار موهوم یک تریلیون ونیم (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار - عدد ۱۳ رقمی!) درست می کند. تا نرخ سود سوداگران مرگ دائما بالا برود و رونق مصنوعی و ناهنجار حفظ گردد.

لذا محال است که امپریالیسم به میل خود خلع سلاح را بپذیرد، برعکس، می خواهد به برتری بر رقیب دست یابد.

ولی سفیر کبیر سابق آمریکادر اتحاد شوروی «واتسن» (Watson) در ژانویه ۱۹۸۱، در روزنامه آمریکائی «نیویورک تایمز» نوشت:

«رهبران اتحاد شوروی، هر دو چیز، هم عزم جزم و هم وسایل لازم، را دارند که بتوانند با هرگونه انبار - سازی تسلیحاتی که ما انجام دهیم، برابری کنند.»

پس تنها کاری که ما می توانیم بکنیم آنست که پول خوب را به جای بد بریزیم. در عین حال خطرات یکبار و بدل تصادفی اسلحه هسته‌ای را نیز افزایش بخشیم. حالا اینطور باشد یا

## امپریالیسم آمریکا ...

بقیما صفحه ۱

قرار می دهند، که میشوید به کمک آن، سیاست خارجی را بدون دیپلمات ها و امور جنگی را بدون نیروهای مسلح رهبری کرد و در امور کشورهای دیگر بدون موافقت یا نظارت کنگرس آمریکا، دخالت نمود. بدین ترتیب «سیا» به ستون امپراطوری جمهوری بدل شده است!

واقعا توصیف بیغی است!

رنالد ریگان، که با سازمان «مافیا» مربوط است و یک «سیاستمدار» حادثه - جو «بی مخ» محسوب می شود، از سوی «اطلاق بازرگانی آمریکا» (که ساکن امپریالیستی است) و از سوی با دستگاه «سیا» مربوط است: دستور می گیرد و دستور می دهد. و تمام این پسخره با بی دگرایی بورژوازی: کنگرس دادگاه عالی، مطبوعات، افکار عمومی انتخابات و امثال آن، هر یک صحنه - سازی بوج برای تحمیل چیز دیگری نیست. اموری کلی از محاری دیگری می - گذرد.

فلورینگر، مشاور سابق رئیس جمهور آمریکا، در کتاب خود «راپرت کندی و دوران او» (چاپ بوستون در سال ۱۹۷۸) بی عملی و بی شری وزارت خارجه آمریکا و سفیران آنرا تصریح می کند و می گوید که «سیا» و «پنگاگون» محلی برای کار وزارت خارجه باقی نگذاشته اند. برای غالب سفرا یک مامور «سیا» کمین نشسته و مواظب او است. مدتهاست که اقتصاد سرمایه - داری امپریالیستی بدون نظامیگری و تسلیحات نمی گذرد. بهمانسه، این تسلیحات شعار مضحک «خطر شوروی» است. این شوروی شصت و چهار سال است که طی صدها سند رسمی و اظهارات رسمی رهبران خود، اعلام داشته که حاضر است نه تنها در رشته تسلیحات اتمی، بلکه در رشته تسلیحات عادی (و به اصطلاح «قراردادی») بر پایه برابری، دست به مخلع سلاح بزند.

اخیرا ویلی برانت، رهبر حزب سوسیال دمکرات آلمان (غربی) و رئیس انترناسیونال سوسیالیستی، گفته

تمام گرفتاری مسلمین از آمریکا است  
امام خمینی

مجله بانفوذ «فورن آفیز» آمریکا در شماره یک سال ۱۹۸۰ خود (صفحه ۱۴۴) خوب نوشت:

«اندیشه به کسی درس دادن خیلی بندرت حاکی از یک سیاست سالم است. درسهائی که می خواهیم بیاموزیم،



واگذاری تشخیص ضرورت به مجلس شورای اسلامی

هفته گذشته، امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در دیدار با رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر تشخیص "ضرورت" را به مجلس واگذار کردند. بعد از ملاقات با امام خمینی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی به خبرنگاران گفت: "خدمت امام مدیم که بالاخره تشخیص ضرورت با مجلس است یا با شورای نگهبان و چیزی هم غیر از تشخیص ضرورت مطرح نیست. امام فرمودند تشخیص ضرورت با مجلس است، با نظر خبرگان و شورای نگهبان در این جهت دخالتی نباید بکند. و فکر می کنم با این طرحی که امام فرمودند دیگر ما مشکلی نداشته باشیم... حجت الاسلام سیدعلی خامنه ای رئیس جمهور، نیز درباره فرمان رهبر انقلاب گفت:

"امام ضمن تکرار اینکه تشخیص ضرورت بعهده شورای نگهبان نیست و به عهده مجلس است، مجلس شورای اسلامی را مجددا موظف فرمودند که در تشخیص ضرورت با کارشناسان تبادل نظر کنند و نتیجه این تبادل نظر هر چه شد طبق آن رای دهد." (کیهان - ۴ اسفند ۱۳۶۰)

عفو زندانیان

در دیدار پادشاه، امام خمینی به روسای قوای سه گانه و رئیس جمهور گفتند: "من امروز می خواهم تاکید کنم البته با استثناء نهائی که ما به حسب امر خدائی توانیم عفو کنیم. باز تاکید کنم، که زودتر این قضیه تمام بشود و آقای موسوی به همه جا، همه شهرستان ها، سفارش کنند که زودتر این کار را انجام بدهند و رسیدگی زودتر بشود، تا انشاء اله برای عید جدید یک عده چشم گیری از اینها واگرد میشود همه آنهایی که میشود آنها را عفو کرد، حالا گناه دارند یک گناهی است که قابل عفو است، انحراف دارند یک انحرافی است، که قابل عفو است، تهیه کنند و برای عید جدید کمی آید بفرستند تا انشاء الله اینها عفو بشوند." (کیهان - ۴ اسفند ۱۳۶۰)

رهبر انقلاب در ادامه سخنان بازم از جوانان بازپس گرفته خواستند که به آغوش ملت بازگردند و همراه مردم در نوسازی کشور شرکت کنند.

بدنیال سخنان رهبر انقلاب، حجت الاسلام موسوی، دادستان کل انقلاب اسلامی اعلام کرد:

"گروه زیادی از زندانیان به مناسبت عید نوروز مشمول عفو خواهند شد." حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

در هفته ای که گذشت:

در جلسه علنی روز پنجم اسفند مجلس اعلام کرد که رهبر انقلاب سخنان بالا را وقتی گفته اند که خبر انفجار در میدان عشرت آباد، که سبب شهادت ۱۱ نفر و مجروح شدن عده زیادی شد، به اطلاع ایشان رسانده شده بود. به این ترتیب روشن شد که رهبر انقلاب با آگاهی کامل بر نقشه شیطانی دشمن برای جلوگیری از استقرار قانون بر عفو زندانیان تاکید کرده اند. اکنون مردم ایران در انتظار اجرای فرمان امام خمینی هستند.

توطئه ضد انقلابی ایجاد

خسونت در جامعه ادامه دارد

شبهه گسترده ضد انقلاب، که هدفی سازمان یافته و بر اساس عملکرد های مشخص "سیا" فعالیت می کند، بلافاصله بعد از صدور فرمان امام خمینی، توطئه ترور خود را وسعت داد، تا با ایجاد جو بدبینی و خسونت، مانع از استقرار قانون و امنیت شود. بعد از بمب گذاری جنايتكارانه در میدان عشرت آباد، شبکه های ضد انقلاب اقدام به ترور سرهنگ حجازی سرپرست شهربانی کشور کردند، که خوشبختانه نافرجام ماند. همین ضد انقلابیون در روز ۶ اسفند، ۳ عضو جهاد دانشگاهی را در خیابان دهیم تهران شهید کردند. این اعمال ضد انقلابی، که به راه افتاده دستجاتی که اقدام زندانیان را طلب می کردند، همراه بود، نشان داد که شبکه های ساواک - سیا و سلطنت طلبان که از برخی نیروهای فریب خورده هم یاری می گیرند، در صددند، تا به هر قیمت ممکن مانع از انجام فرمان امام خمینی شوند.

باید با کمال خرسندی گفت که اظهارات رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی پنجم اسفند مجلس نشان داد که مسئولان کشور به این توطئه بی برده اند و آماده خنثی کردن آن هستند. همانطور که حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی گفت، تنها راه مقابله با این توطئه از دست بردن از اعصاب و برخورد قانونی با مسائل است. باید جنايتكاران راه حجازی جنايت رساند و فریب خوردگان را ارشاد کرد.

سرخ ترورها را

نزد ساواکی ها پیدا کنید

انچه در مبارزه با تروریسم اهمیت دارد، توجه جدی به شبکه های ضد انقلابی ساواک سلطنت طلبان است که مستقیماً بر رهبری "سیا" فعالیت می کنند. دستگیری شبکه ضد انقلابی "پارس" هفته گذشته بند "ج" مانند هفت

ماه های اخیر از محورهای اساسی بحث ما بود و در قلب مسأله قرار داشت، که انقلاب در انتظار حل آنهاست. آقای محمد سلامتی وزیر کشاورزی در مصاحبه با روزنامه "صبح آزادگان" گفت:

"بند مزبور در مجلس مطرح است و ما منتظریم که در آنجا تصویب بشود و تکلیفش روشن بشود. تعیین تکلیف مالکیت زمین یک عمل بنیانی است و نمی شود به سادگی از آن گذشت... (۳ اسفند ۱۳۶۰)

آقای فواد کریمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با روزنامه کیهان، گفت:

"برای مشکل زمین طرحی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده و در کمیسیون امور کشاورزی مجلس بررسی و تصویب شده و در آینده نزدیک در جلسه علنی مجلس برای شورای اول مطرح میگردد، که امیدوارم با همکاری نمایندگان و شورای نگهبان این طرح تصویب شود و مسئله زمین حل گردد. خصوصاً در مورد این طرح شورای نگهبان باید با توجه به مشکلات و تنگناها بیشتر همکاری نماید و مجلس را در حل این مشکل اقتصادی مهم یاری کند." (اول اسفند ۱۳۶۰)

آقای امین سازگار، نماینده مردم سروستان در مجلس هم اعلام کرد: مجلس هفته آینده کلیات طرح اصلاحات ارضی را بررسی می کند. (اطلاعات - ۲ اسفند ۱۳۶۰)

به این ترتیب، با توجه به اینکه در هفته گذشته رهبر انقلاب بار دیگر تشخیص "ضرورت" را هم بعهده مجلس شورای اسلامی گذاشتند، باید در همین روزها در انتظار آزاد شدن بند "ج" از بند بود.

جنبه واحد ضد امپریالیستی

ضد صهیونیستی

بعد از مدت ها که پیشنهاد ایران برای تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی، بدست فراموشی سپرده شده بود، خوشبختانه آقای دکتر علی اکبر اولیائی وزیر مورخ خارجه، بعد از بازگشت از سفر اخیر خود به کشورهای لیبی و الجزایر، اعلام کرد که این دو کشور با تشکیل جبهه موافقت دارند. وزیر مورخ خارجه گفت: "طبیعی است که این مسئله در این دو کشور و سایر کشورهای اسلامی که ما به آنجا سفر می کنیم مورد بحث قرار بگیرد. ما در این سفرها طرح کلی هر چه بیشتر به هم نزدیک تر شدن کشورهای اسلامی را مطرح می کنیم و اصلانفوس این سفرها برای همین منظور است و در مورد تشکیل این جبهه به نقاط تفاهم و مشترکی رسیدیم و ضمناً طرح هایی برای مبارزه با صهیونیسم نیز جداگانه بحث شد." (جمهوری اسلامی - ۶ اسفند ۱۳۶۰)

خبری که وزیر مورخ خارجه اعلام کرده، ما به خرسندی است. از آنجاکه قبلاً سوریه، فلسطین و یمن دمکراتیک هم موافقت اصولی خود را برای تشکیل جبهه

آیت الله منتظری

انحصار طلبی آفت بزرگی است

آیت الله منتظری هفته گذشته در دیدار با شرکت کنندگان در سمیناری که به مناسبت سالگرد تاسیس حزب جمهوری اسلامی برپا شده بود، از جمله گفت: "ایده ها و افکار را بگیرد و به افراد بدهد، در عین حال دافع نداشته باشید. افراد را به انقلاب و به رهبر انقلاب و به اسلام مبادا بدبین نکنید. مبادا انحصار طلبی توکار باشد که، من منتظری اگر حزبی نیستم، بگوئید بایست اینها بالاخره از این مقامش یا از این پست که دارد برش داریم، برای اینکه حزبی نیست، هیچ گناهی دیگر ندارد، اما جز حزب ما نیست... هر کسی ما دیدیم خدمت میکند به اسلام، خدمت میکند به ملت، خدمت می کند به جمهوری اسلامی ما باید تقویتش کنیم. این خلاصه انحصار طلبی یک آفت بزرگی است... امیدواریم که انشالله رفتار و کردار شما برادران در هر جا هستید جذب بکنند ملت را به اسلام. و به انقلاب... (جمهوری اسلامی - ۲ اسفند ۱۳۶۰)

سخنان آیت الله منتظری، به ویژه در شرایط کنونی انقلاب، اهمیت ویژه ای دارد، زیرا استفاده از همه نیروهای انقلابی شرط اساسی برای موفقیت در امر سازندگی است.

بند "ج" سرانجام از بند آزاد می شود؟

هفته گذشته بند "ج" مانند هفت

واحد ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی اعلام کرده بودند، اکنون وقت آنست که هر چه زودتر این ضرورت تاریخی عملی شود.

یک تن مرغ فاسد قرار بود به مردم فروخته شود

هفته گذشته کشف یک تن مرغ فاسد برای هزارمین بار در ماه های اخیر ماهیت پلیس سرمایه داران بزرگ را نشان داد. بر اساس خبر مندرج در روزنامه اطلاعات (۵ اسفند ۶۰) ضد انقلابیون با جعل مهر و نامه بیمارستان ها از ورامین مرغ تهیه می کردند و سپس آنها را به چند برابر قیمت در بازار آزادی فروختند. بار آخر که محترمان قصد داشتند یک تن مرغ را، که به همین طریق تهیه کرده بودند، به فروش برسانند (با اینکه مرغ ها فاسد بود) دستگیر شدند. این واقعه باز هم نشان داد که برای سرمایه داران بزرگ فقط سود مهم است و بس. آنها هزار بوند مرغ های سهمیه بیمارستانها ابادارند و نه از فروختن یک تن مرغ فاسد به مردم، کسسه عواقب آن بر همه روشن است.

چکسواکی از مبارزات مردم ایران حمایت میکند

حجت الاسلام سید علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی ایران با وزیر تجارت خارجی کشور چکسواکی، که به دعوت وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه بودجه به ایران آمده است، دیدار و گفت و گو کردند.

وزیر تجارت خارجی چکسواکی در این دیدار، از پشتیبانی دولت و ملت این کشور را از مبارزات استقلال طلبانه مردم ایران علیه امپریالیسم اعلام داشت. وی همچنین، ضمن اظهار خرسندی از نتایج مذاکرات خود با نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران و چند تن از وزراء، خواستار گسترش روابط بازرگانی و مبادلات تجاری دو کشور گردید.

وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران، آقای غرضی، پس از دیدار با وزیر تجارت خارجی کشور چکسواکی اعلام کرد:

"کشور چکسواکی آماده همکاری با ایران در زمینه صنایع پتروشیمی است" (از مصاحبه با خبرنگاری جمهوری اسلامی)

وزیر نفت ضمن یادآوری سابقه همکاری های صنعتی دو کشور گفت: "قرار شد که از طریق کارشناسان دو طرف در رابطه با مسائل نفت، تکنیک، نفت و تکنیک گاز و تبادلات مربوط به پتروشیمی فعالیت بر خورده کنیم."

از سوی دیگر، وزیر تجارت خارجی چکسواکی در مصاحبه ای با واحد مرکزی خبر اظهار داشت:

"چکسواکی آماده است کارهای خود را برای همکاری با ایران در صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی متمرکز کند."

نیکسون در سال ۱۹۶۹ نیز را به منزله عضو سپس سرپرست هیئت نمایندگی آمریکا در مذاکرات "سالت" برگزید. او در سال ۱۹۷۴ از این سمت کناره گرفت و استیو آلن نیز این بود که "سالت ۲" تنها پسوند اتحاد شوروی تمام شده است. نیز از آن هنگام کارزار تبلیغاتی گسترده ای را علیه "سالت ۲" بطور اخص و علیه گفتگوهای واقع بینانه درباره خلع سلاح با اتحاد شوروی بطور اعم بر راه انداخت. وی بدین منظور به "کمیته خطرات کنونی" پیوست. این کمیته در واقع یکی از سخنگویان گستاخ "مجتمع نظامی - صنعتی" ایالات متحده آمریکا بشمار می رود ریاست آنرا یوجین روستو، "قهرمان جنگ سرد" به عهده دارد. نیز همین اندیشه - پرداز "برنامه هوشکی ه-۴" محسوب می شود.

پس از آنکه ریگان روستو را مدیر "اداره خلع سلاح آمریکا" کرد، همه کس انتظار داشت که نیز، "همسنگر" او نیز به وی بپیوندد، تا آنکه نیز در سپتامبر سال گذشته میلادی سرپرستی

بقیه در صفحه ۱۲

«گورکن سلاح زدائی»

چه بیشتر در گستره های نظامی و سیاسی، برگزیده شد. وی یکی از دوستان و همکاران نزدیک جیمز و. فارستال، رئیس دیپلوم، ریپادند کامپانی "بود، که در جنگ دوم جهانی وزیر درباری در سال ۱۹۴۷ نخستین وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا گردید. جیمز و. فارستال، معمولاً بعنوان پدر "مجتمع نظامی - صنعتی" ایالات متحده آمریکا بحساب می آید.

آجمن وزیر خارجه وقت آمریکا (و یکی دیگر از به اصطلاح "مردان واگنر") در آغاز سال ۱۹۵۰ نیز را به سمت سرپرست "ستاد برنامه ریزی سیاسی" منصوب کرد. نیز در این مقام برای بنیانگذاری "سیاست قدرت" کوشش ورزید و در تدوین سند "ان.اس.سی. - ۶۸ شورای امنیت ملی" (آوریل ۱۹۵۰) که به "برگ ولادت سیاست قدرت" نامی معروف شده است - سهم بسزائی داشت. بر پایه این سند،

متحده آمریکا غرق شادمانی کرد. برای حونه، روزنامه "پال تیمورسان" نوشت که، بدین ترتیب "یکی از سازش ناپذیرترین هواخواهان مشی سرسختی" در برابر اتحاد شوروی به سمت نامبرده برگزیده شد.

نیز از مجتمع بانکی "دیپلون"، ریپادند کامپانی "نیویورک برمی خیزد، که بخشی از گروه "مورگان" بشمار می آید و از خاندان واگنر نیز چندین دور نیست. این دو در سرمایه گذاری امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، سالهاست که در گستره تسلیحاتی ذینفع و فعالند. نیز خلی زود راه سیاست را برگزید و خیلی زود نشان داد که برای افرق چندانی میان سیاست و تجارت نیست. برای نیز هر دو تنها وسیله ای بود برای سودجویی! با نول نیز در آغاز سالهای ۴۰ به سمت های گوناگونی، نخست در نهاد های مالی و اقتصادی، ولی بعد در هر

رئیس هیئت نمایندگی آمریکا در گفتگوهای ژنو "یک عمر به مجتمع نظامی - صنعتی" خدمت کرده است.

در نوشته ای طولانی، که با عنوان "نیویورک" چاپ شد، از جمله می خوانیم: "ما باید همیشه آماده گفتگو باشیم، اما هیچگاه نباید از یاد ببریم، که به هنگام مذاکره با اتحاد شوروی، پادشمن خود سروکار داریم."

نویسنده این مقاله با نول، هئیتز رئیس دایره مطالعات سیاسی کمیته خطرات کنونی، معرفی شده بود. در حمله بالا "فلسفه زندگی" نیز "بازتاب می یابد و خلاصه میشود. بدینسان نه تصادفی است و نه شگفت - انگیز، که ریگان رئیس جمهور آمریکا، این فرد را بعنوان رئیس هیئت نمایندگی ایالات متحده آمریکا در "گفترانس ژنو" برای مذاکره با اتحاد شوروی درباره تجدید جنگ افزارهای اتی در لروپا برگزید. نخست باید گفت که این انتخاب هواداران تنش فزائی را در ایالات



### جرا در برقراری روابط دیپلماتیک

## با یمن دمکراتیک تعلل می شود؟

به دو خبر از موضع گیری اخیر دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توجه کنید:

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، رئیس جمهور یمن شمالی، که به عمان سفر کرده است، در دیداری با سلطان قابوس، حمایت محدود خود را از رژیم متجاوز عراق اعلام داشت و پیشنهاد کرد که یک نیروی نظامی برای دفاع از خلیج فارس تشکیل شود. (کپهان ۱۲ اسفند ۶۰)

از سوی دیگر، جمهوری دمکراتیک خلق یمن اعلام داشت که کشور عمان را بخاطر سیاست های امریکائی اشونیز حمایت آن از طرح کمپ دیوید باید محازات کرد. یمن دمکراتیک همچنین از سلطان قابوس به عنوان یک عروسک کوکی و یک عامل مطیع در دست های امپریالیسم امریکا، یاد کرد. (جمهوری اسلامی ۳۰ اسفند ۶۰)

این دو خبر را با هم مقایسه کنیم: خبر اول از جنب و جوش کشورهای وابسته به امریکا برای تسریع در تشکیل یک "نیروی نظامی مشترک" و موضع یمن شمالی مبنی بر لزوم حمایت از منافع امپریالیسم امریکا، که در اثر انقلاب اسلامی ایران به خطر افتاده، حکایت می کند. به موجب همین خبر، یمن شمالی حمایت مجدد خود را از تجاوز امریکائی صدام اعلام داشت و بدین ترتیب او هم مانند شاه حسین، ایران "اعلان جنگ" داد.

خبر دوم، موضع آشکار و صریح جمهوری دمکراتیک خلق یمن را، بعنوان عضویت "حبه پایداری کشورهای عرب" در قبال سیاست های ارتجاعی یمن شمالی و عمان نشان میدهد. بر اساس این گزارش، یمن دمکراتیک، ضمن محکوم کردن سیاست های امریکائی کشورهای مرتجع منطقه و به ویژه عمان و یمن شمالی، خواستار محازات این کشورها شده است.

بدینسان، این دو خبر به روشنی مواضع دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در برابر دیدگان ما قرار میدهد.

در اینجا بررسی می کنیم که طبیعتاً برای همگان مطرح میشود، این است که چرا با وجود مواضع روشن ضد امپریالیستی یمن دمکراتیک از یک سو و اظهارات صریح مقامات جمهوری اسلامی ایران مبنی بر لزوم برقراری روابط دیپلماتیک با جمهوری دمکراتیک، خلق یمن، در این امر مهم تعلل میشود؟ یا آنکه آقای احمد عزیزی، قائم مقام وزارت امور خارجه، در این مورد خاطر نشان ساخته است که "با یمن جنوبی بررسی های مقدماتی انجام شده و مانع تصور می کنیم زمان زیادی طول نکشد که نمایندگان خود را در آنجا مستقر کنیم و روی مقدمات این امر کار می کنیم و مشغول یمن فعالیت هستیم". (روزنامه هادی ۶۰) چرا پس از گذشت ماه ها از اعلام این سیاست، هنوز قدم موثری در این جهت برداشته نشده است؟ یا تسریع در این امر بسود انقلاب ایران نیست؟

# انحلال شوراهای کارخانه ذوب آهن اصفهان بسود انقلاب نیست

چنانکه اطلاع میرسد، در تاریخ ۱۷/۱۱/۶۰، مدیر عامل ذوب آهن اصفهان طی بخشنامه ای شوراهای این کارخانه را در کلیه قسمت ها منحل کرد. در این بخشنامه مدیر عامل کارخانه اظهار کرده بود که این تصمیم را بر اساس تلفن گرام و وزیر معادن و فلزات، مبنی بر انحلال شوراهای کارخانه، اتخاذ کرده است. این اقدام نادرست مسئولین کارخانه و وزارتخانه موجب ناراضی کارگران و نمایندگان آنان در قسمت های مختلف کارخانه گردید، و در نتیجه آنها با

کارگزاران در زمینه تشکیل است، هر دو اصل را از محتوی انقلابی آن خالی کرده و حقوق کارگران را نادیده گرفته است. در اصل ۲۶ قانون اساسی، تشکیل انجمن های صنفی کارگران به طور مستقل بدون دخالت هیچ کس و فقط توسط خود کارگران، منظور گردیده است، و در اصل ۱۰۴ با ایجاد شوراهای، نظارت، همکاری و مشارکت کارگران در اداره امور کارخانه به اتفاق کارفرمایان و نمایندگان دولت، نامین شده است. حال آنکه در لایحه کذایی به جای دوارگان متفاوت، "انجمن صنفی" و "شورا" را گمانی به نام "شوراهای اسلامی"

به استناد لایحه ساخته، بنی صدر نمی توان و نباید شوراهای کارگران را باید اصل ۲۶ و اصل ۱۰۴ قانون اساسی را در مورد تشکیل انجمن های صنفی و شوراهای اجرا کرد. نیروهای صلیق پیرو خط امام در صورتیکه اشکالاتی در کار شوراهای اسلامی کارخانه ذوب آهن اصفهان می بینند، باید دوستانه تذکر دهند و با همکاری خود کارگران و نمایندگان آنان، در رفع آن بکوشند.

منظور شده است، که به هیچ یک از دو ارکان پیش بینی شده در قانون اساسی شباهت ندارد و وظایف هیچ یک را در بر نمیگیرد. در نتیجه هم حق کارگران برای تشکیل آزادانه انجمن های صنفی صریحاً نقی گردیده و هم نظارت و مشارکت کارگران در اداره امور کارخانه نادیده گرفته شده است. بدیهی است که چنین قانونی هم مخالف قانون اساسی است و هم با شرایط جامعه انقلابی ایران مغایرت دارد و هر چه زودتر باید به سرنوشت خالقین خود، یعنی لیبرالها و سازشکاران دچار شود. از این رو است که استناد به این لایحه نمیتواند قابل قبول باشد. نکته دیگری که بر توجع و تأسف میافزاید آنست که در تلگرام وزیر معادن و فلزات آمده است که شوراهای کارخانه بدون اخذ مجوز لازم و طی نمودن مراحل

منظور شده است، که به هیچ یک از دو ارکان پیش بینی شده در قانون اساسی شباهت ندارد و وظایف هیچ یک را در بر نمیگیرد. در نتیجه هم حق کارگران برای تشکیل آزادانه انجمن های صنفی صریحاً نقی گردیده و هم نظارت و مشارکت کارگران در اداره امور کارخانه نادیده گرفته شده است. بدیهی است که چنین قانونی هم مخالف قانون اساسی است و هم با شرایط جامعه انقلابی ایران مغایرت دارد و هر چه زودتر باید به سرنوشت خالقین خود، یعنی لیبرالها و سازشکاران دچار شود. از این رو است که استناد به این لایحه نمیتواند قابل قبول باشد. نکته دیگری که بر توجع و تأسف میافزاید آنست که در تلگرام وزیر معادن و فلزات آمده است که شوراهای کارخانه بدون اخذ مجوز لازم و طی نمودن مراحل

اصفهان و دیگر شهرهای استان، سرسختانه ترادامه دادند. سرانجام مبارزات مردم ایران، که کارگران نقش قاطع در آن داشتند، به سرنگونی رژیم ۲۵۰۰ ساله ستمگر شاهنشاهی منجر شد. پس از پیروزی انقلاب، کارگران به کارخانه ها بازگشتند و در اولین قدم با استفاده از تشکلهائی که در جریان انقلاب ایجاد شده بود، ارگانهای مشکل خود را به وجود آوردند. این در زمانیکه هنوز هیچ بود که هنوز هیچ قانونی برای تشکیل کارگران وجود نداشت و این ارگان ها توسط خود کارگران به وجود آمده بود. این ارگان ها، که در ابتدا "شوراهای رفاهی" نام گرفتند در جریان مبارزه برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برآورده کردن خواست های کارگران، به تدریج چارچوب محدود خود را شکستند و تبدیل به "شوراهای اسلامی کارگران" گردیدند، که وظایف مختلف، از قبیل پیگیری خواست های صنفی و رفاهی کارگران، نظارت بر امور مدیریت و تولید و هم چنین توزیع محصولات کارخانه را عهده داشتند و حتی مدتی وظیفه اداره کارخانه را بطور کامل انجام می دادند. این شوراهای علاوه بر آن، پرچمدار مبارزه علیه لیبرال ها و سازشکاران گردیدند.

این تاریخچه کوتاه نشان میدهد که چگونه شوراهای این کارخانه از درون انقلاب بیرون آمدند و در جریان مبارزه بر ضد رژیم پهلوی شکل گرفتند و در جریان مبارزه برای تداوم انقلاب به مراحل بالاتری ارتقا یافتند. لذا اصرار برای طی مراحل قانونی تشکیل، یعنی تشکیل طبق لایحه کذایی نادرست است و انحلال آنها هم نمیتواند با استناد به لایحه کذایی انجام گیرد. با توجه به نکات فوق، صحیح آن است که مسئولین وزارت معادن و فلزات و

کارگران اصفهان سیم موثری در سرنگونی رژیم پهلوی داشته اند و اینک نیز نقش مهمی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دارند. شوراهای کارگران اصفهان از درون انقلاب بیرون آمدند، در جریان مبارزه بر ضد رژیم پهلوی شکل گرفتند و در مبارزه برای تداوم انقلاب به مراحل بالاتری ارتقا یافتند. لذا اصرار برای طی مراحل قانونی تشکیل، یعنی تشکیل طبق لایحه کذایی نادرست است و انحلال آنها هم نمیتواند با استناد به لایحه کذایی انجام گیرد. با توجه به نکات فوق، صحیح آن است که مسئولین وزارت معادن و فلزات و

کارگران اصفهان سیم موثری در سرنگونی رژیم پهلوی داشته اند و اینک نیز نقش مهمی در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دارند. شوراهای کارگران اصفهان از درون انقلاب بیرون آمدند، در جریان مبارزه بر ضد رژیم پهلوی شکل گرفتند و در مبارزه برای تداوم انقلاب به مراحل بالاتری ارتقا یافتند. لذا اصرار برای طی مراحل قانونی تشکیل، یعنی تشکیل طبق لایحه کذایی نادرست است و انحلال آنها هم نمیتواند با استناد به لایحه کذایی انجام گیرد. با توجه به نکات فوق، صحیح آن است که مسئولین وزارت معادن و فلزات و

قانونی تشکیل کرده اند و به همین علت قانونی نیستند. مقصود از "قانون" در اینجا، البته همان لایحه کذایی است. برای آنکه واقعیت روشن تر شود، نگاهی کوتاه به جریان پیدایش ارگان های کارگری ضروری به نظر میرسد. با اوج گیری جنبش انقلابی مردم ایران در سال ۱۳۵۷، شعله های حرکت اعتراضی کارگران ذوب آهن اصفهان نیز زبانه کشید و اولین نشانه های آن با اعتصاب کارگران بروز کرد. این اعتصابات که در ابتدا برای خواست های صنفی و رفاهی شروع شده بود، به سرعت خواست اصلی خود را، که خواست سیاسی و اجتماعی بود، مطرح کرد. با گسترش مبارزات کارگران خواست نهایی خود، یعنی سرنگونی رژیم مغفور شاه امریکائی را مطرح کردند. رژیم شاه ملعون، که از بالا گرفتن مبارزات این مجتمع صنعتی بزرگ کشور بشدت هراسناک شده بود، برای جلوگیری از گسترش آن، به پنهان نبودن سوخت کارخانه را تعطیل کرد، لیکن این امر نتوانست مبارزات کارگران را مهار کند و آنها مبارزات خود را برای سرنگونی رژیم شاه، همراه با سایر اقشار مردم

بسیاری زمینه های دیگر فعال بوده اند، در جهت تاراجی کردن و دلسرد کردن کارگران است. این گونه اقدامات در عین حال میتواند زمینه را برای سوء استفاده ضد انقلاب فراهم نماید. نکته آخری که باید ذکر گردد، آنستکه، نیروهای صلیق پیرو خط امام در صورتی که اشکالاتی در کار شوراهای اسلامی کارخانه ذوب آهن اصفهان می بینند، باید دوستانه تذکر دهند و با همکاری خود کارگران و نمایندگان آنان در رفع آن بکوشند. همانطور که اصنام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، و مسئولان درجه اول کشور بارها و بارها متذکر شده اند، نباید یک لحظه این واقعیت را از نظر دور داشت که حضور فعال و متشکل توده های مردم و بخصوص کارگران در صحنه است که میتواند مطمئن ترین تضمین برای پیروزی نهایی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. پس باید به تائید حضور فعال و متشکل توده های مردم و خصوصاً کارگران در صحنه، کمک کرد.

## اتحاد نیروهای انقلابی ضامن پیروزی نهایی انقلاب است



امنیت شغلی

بقیه از صفحه ۳

در نیروی ایثار و فداکاری، که در نهاد بسیاری از مردمان نهفته است، خلاصه نکنیم.

برای آنکه مادران بتوانند فرزندان بی‌ارستگی شایسته و سازنده برای جامعه بپرورند، و این اصل قانون اساسی، که خانواده را کانون اصلی رشد میداند، تحقق پذیرد، باید حرکت جامعه چنان باشد که زن خود از تمام امکانات مادی و معنوی برای پرورش و گسترش آفاق دید خود بهره‌ور باشد. زن باید شریک برابر حقوق زندگی مرد، آموخته و فهیم و متکی به نفس، با اراده و مصمم و آشنا به رموز تعلیم و تربیت فرزندان خود شود، قدرت ابتکار و تصمیم گیری نوع عمل داشته باشد، نه آنکه چشم به دست مرد و گوش به فرمان او، مجری بی-اراده بگردد و بکن و بپوشد باقی ماند.

مسئله اشتغال زن و رضایت مرد

قوانین خانواده دوران طاغوت، اشتغال زن را موکول به رضایت مرد کرده بود و در غیر این صورت، یعنی چنانچه مرد شغل زن را مخالف با "شئون" خود تشخیص میداد، حق داشت از اشتغال زن جلوگیری کند. هنوز این قانون معتبر است و به گفته رئیس دادگاه‌های مدنی خاص، "اشتغال زن بدون رضایت مرد حرام است." (کیهان - ۲۶ بهمن ۶۰)

ولی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح نمیکند که:

"هرکسی حق دارد، شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند." (اصل ۲۸)

در این اصل گفته نشده است که مردان در انتخاب شغل آزادند و زنان نه، منتهی از آنجا که مخالفت مرد با اشتغال زن میتواند منشاء اختلاف‌ها و درگیری‌های فراوان میان زن و مرد شود برای پرهیز از جو نفاق در خانواده و جلوگیری از محیط کشمکش و ستیز، که در روحیه و زندگی آتی فرزندان اثرات نامطلوب باقی خواهد گذارد، میتوان موافقت مرد را ضرور دانست. ولی یک مسئله را باید پیوسته در نظر داشت و آن عقب ماندگی چند صدساله جامعه ما در نتیجه حاکمیت مناسبات استعماری و نواستعماری است. این عقب ماندگی و حشمتناک موجب شده است که بسیاری از ضوابط و معیارها نادرست انتخاب شوند و تعصبها و وجهالیتها و خودبینیها و خود محوریها بر مناسبات افراد در خانواده و جامعه حاکم شود. یک شوهر نادان و متعصب میتواند برای آنکه "چشم بیگانه بر رخسار همسرش نیفتد"، حتی با اشتغال زن بعنوان آموزگار هم مخالفت کند. بنابراین، تشخیص مشاغل موافق و مخالف با "شئون" نه بر عهده مرد، بلکه باید بر عهده جامعه و مقامات قانونی باشد. جامعه، با توجه به درجه رشد خود، مجاز است که این یا آن شغل را برای زنان منع کند، ولی در عین حال وظیفه دارد که به مردان آگاهی دهد و به تعصب‌های بی‌مورد و قضاوت‌ها و ارزیابی‌های برخاسته از نادانی و جهل میدان ندهد. این یکی از وظایف شوراهای داری و دادگاه‌های خانواده است، که برای جلب موافقت مردان نسبت به اشتغال زنان بکوشند و در آن نسبت به این امر مهم، روشنی ایجاد کنند.

قانون اساسی دولت را موظف ساخته است، تا "با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، اشتغال نه کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید." محتوای مردمی این اصل، شامل همه شهروندان اعم از زن و مرد است و بر این اساس نه فقط نباید زنان را به درون خانه‌ها راند، بلکه باید شرایط مساوی را برای زنان به منظور احراز همه مشاغل فراهم ساخت. مبین انقلابی ما برای طرد کامل امپریالیسم و شکوفائی اقتصادی، به نیروی کار و مشارکت زنان در همه عرصه‌ها نیاز جدی دارد. این واقعیت را فراموش نکنیم.

در نتیجه پیدایش تقسیم کار و پیدایش مالکیت خصوصی بروسایل تولید در جامعه انسانی، بتدریج طبقات و طبقات متخاصم پیداشدند، و هر نظام طبقاتی دارای ساختار طبقاتی خاصی است.

این واقعیت ملموس تاریخی، که کشف مارکسیست‌ها نیست، بلکه کشف مورخان بورژوازی سده نوزدهم است، بوسیله سرمایه‌داری امپریالیستی و چاکرانش، و بالخصوص، در جمهوری انقلابی اسلامی ما، بوسیله عدای انگار می‌شود.

مثلاً می‌گویید "مرز تفاوت" در جامعه انقلاب اسلامی تنها بین مسلمان و غیرمسلمان است. نتیجه این می‌شود که گویا مستضعف محروم (که مسلمان باشد) با میلیاردر مسلمان بیشتر "برادر" است، تا با مستضعف دیگری مانند خود (که مسلمان نیست)، و اینکه تنها اخوت دینی مطرح است و نه اخوت طبقاتی و زمره‌ای، نه اخوت مستضعفان روی زمین.

وقتی اسلام از شعار "مومنان همه برادران همد" سخن گفت، اتفاقاً این شعار علیه نظام طبقاتی اشرافی ساسانی و رومی، علیه کسانی بود که با "زیربنا" راه می‌رفتند، و این کلام بسودز حتمت‌گمان با برهنه بود. مدعیان بی‌خبر بر روند و مذاکرات "رستم فرخزاد و غیره" را در جریان جنگ‌های مسلمانان با ساسانیان بخوانند! آنوقت معلوم می‌شود که اسلام "مومن بودن" را با ستغمر و غارتگری نبودن ملازمه می‌داد و سپس بین چنین مومنانی اخوت را می‌خواست و نه بین فلان دستفروش بی‌خانمان و مستعبد با فلان حاجی غارتگر و محترک، که با گردش قلم ده‌ها میلیون دلار را این ور و آن ور می‌کند. در اخوت اسلامی، اخوت استضعاف مستتر است و نهضت امام خمینی خواستار چنین اخوتی است.

یا وقتی از مالکیت سخن در میان می‌آید، عدای مالکیت خصوصی بر وسائل تولید را با مالکیت شخصی خلط می‌کنند و مطالبی ضد علمی و ضد واقعیت بخورد مردم می‌دهند.

حقیقت این است که سخن بر سر مالکیت خصوصی بروسایل تولید است و نه از مالکیت بطور تجربی. مالکیت شخصی (که غیر از مالکیت خصوصی بروسایل تولید است) همیشه وجود داشته و هر انسانواری نیز، که سنگی را برای شکار تصرف می‌کرده، آنرا از آن خود می‌شمرده است، یا پوست درنده‌ای را که بر پشتش می‌کشیده، بخود متعلق می‌دانسته است. حتی مرغان و موران دارای لانه و آشیانه "خود" هستند.

پس مالکیت شخصی مبتنی بر کار امری طبیعی است. تنها مالکیتی که مبتنی بر غصب ثمره کار مولدان بلا- و اسطفاست (مثلاً کارگران و دهقانان در جامعه ما) - و این خود در نتیجه تصرف و غصب وسائل تولید است (مثلاً زمین و کارخانه و مستغلات در جامعه ما) - غیر طبیعی است و باید از بین برود و هر مالکیتی، زبیرا وقتی وسائل تولید آن مولدان بلاواسطه است، مالک و سرمایه دار در این میان چه کاره‌اند؟

تازه منشاء طبقات تنها پیدایش مالکیت خصوصی نیست، بلکه تقسیم کار یعنی جدا شدن کشاورزی از دامداری، بازرگانی از پیشه‌وری، کارگری از کار بدی نیز هست. تقسیم کار در قشر بدی جامعه و پیدایش اقشار و طبقات در جامعه موثر بوده است.

شما می‌بینید که در جامعه طاغوتی سلطنتی مالک و خان و سرمایه دار و بازرگان ثروتمند و صاحب اراضی و مستغلات شهری و صاحب مناصب عالی از سوئی و کارگر صنعتی مزه‌بگیر و دهقان بی‌زمین و کم‌زمین و پیشه‌ور فقیر و کارمند و روشنفکر تنگدست از سوی دیگر وجود داشته‌اند. با این ترتیب می‌شود گفت که جامعه محمدرضا شاه یکی جامعه طبقاتی نبوده است!

بایباید و بگوئید "آری! آن جامعه طبقاتی بوده، ولی در اثر انقلاب ما دیگر همه چیز حل شده و اثری از طبقات

مبارزه طبقاتی

در روند انقلاب ماروبه

حدت می‌رود

حفظ جنبه ضد امپریالیستی انقلاب

در پیوند عمیق با تحقق جنبه عدالت

اجتماعی آنست

و نابرابری‌های طبقاتی نمانده است و لذا آن مبارزه طبقاتی، که در پایه اجتماعی انقلاب قرار داشته، دیگر زنده و حتی قدغن است و سخن گفتن از مبارزه طبقاتی هم کفر است!

ولی آخر مگر نه این است که هنوز مالک بزرگ و دهقان بی‌زمین، سرمایه دار بزرگ و کارگر محروم، ثروتمند و فقیر در جامعه ما وجود دارد؟ مگر نه اینست که هم اکنون مالک بزرگ و دهقان بی-زمین در برابر هم قرار گرفته‌اند، و دهقان بی‌زمین می‌خواهد قانن اصلاحات ارضی بنیادی اجرا شود، تا او هم بتواند از زمین خود کشت و برداشت کند، و مالک بزرگ با جنگ و دندان برای جلوگیری از تصویب و اجرای این قانون تلاش می‌کند، تا نتواند شیره جان دهقان ستمدیده را همچنان بکشد؟ مگر نه این است که سرمایه دار بزرگ و کارگر محروم در برابر هم قرار گرفته‌اند، کارگر محروم می‌خواهد از استثمار رها شود، تا بتواند از نتیجه دسترنج خود بهره‌مند گردد و سرمایه دار بزرگ تمام اهرم‌های اقتصادی و سیاسی خود را بکار انداخته است، تا به استثمار ادامه دهد و نتیجه دسترنج کارگر را برآید؟ مگر نه اینست که ثروتمندان و فقراد در برابر هم قرار گرفته‌اند، فقرای می‌خواهند با دستیابی به کار و بهداشت و فرهنگ و مسکن از زندگی انسانی برخوردار شوند و ثروتمندان تمام نیروی اهرمی خود را بکار می‌برند، تا با گرانی و احتکار و سودجویی، همچنان به غارت ادامه دهند؟ آیا این دو گروه: استثمارگران و استثمارشوندگان، غارتگران و غارت‌شدگان، استثمارکنندگان و استثمارشدگان، سودگران و محرومان را می‌توان با هم آشتی داد؟

پس نفی وجود طبقات و مبارزه طبقاتی چیزی جز نفی واقعیت نیست. انقلاب ما دارای دستاوردهای عظیمی است: ضربات جنانه به امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا و رژیم سلطنتی دست‌نشانده والیگارش (قشر ممتاز) اطراف دربار پهلوی وارد ساخته است. چنین انقلابی با این دستاوردها در تاریخ کشور ما بی نظیر و در منطقه کم- نظیر است.

ولی این انقلاب بر حسب پویایی درونی و خصلت مردمی خود نمی‌تواند در نیمه راه بایستد. امام خمینی بارها گفته‌اند که انقلاب ما هنوز در نیمه راه است، بارها گفته‌اند که انقلاب را کوخ‌نشینان و زان‌غنه‌نشینان و پاپ‌برهنگان کرد مانند، بارها گفته‌اند که کوخ‌نشینان وظیفه جانبازی خود را در این انقلاب و در این جنگ علیه صدام انجام میدهند. پس انقلاب اسلامی ایران، همان - طور که وعده داده است، باید قسط اسلامی را برقرار کند. قسط اسلامی یا

عدالت اجتماعی، یعنی خاتمه دادن به غارتگری کسانی که معلوم نیست به چه سبب صاحب میلیاردها شده‌اند و هنوز هم از کارگر و دهقان، عیناً مانند بردگان، بسود جیب فراخی بگویایان خود سود می‌برند.

بگفته‌ام امام خمینی - سند دست پینه بسته دهقان است که روی خاک جان می‌کند و محصول بعمل می‌آورد، نه اسناد قلابی زورگویان راهزن، که در چارچوب حکومت سلاطین جعل شده است.

ثروت مادی و معنوی جهان چه منشا دیگری دارد جز کار فکری و بدی؟ آیا آن موقع که انسان و افزار کارش نبود، در طبیعت ثروتی بنام تمدن مادی و معنوی، یعنی شهرها، جاده‌ها، پلها، کارخانه‌ها، بناها، باغها، کتابخانه‌ها، تئاترها، دانشگاه‌ها، مزارع، اثاث، لباس و محصولات رنگارنگ وجود داشت؟ آیا اینها بدون کارگر و بنا و آهن‌گرو یاغبان و زارع و نساج و خیاط و معلم و دانشمند و هنرمند ممکن بود و ممکن است؟

اکنون ده‌ها سال است که در کشور - های سوسیالیستی خانها و مالکان و سرمایه داران و بانکداران و سفته‌بازان و واسطه‌کاران و امثال این زلوه‌واکنه‌ها و شته‌ها وجود ندارند. مگر آنها آهن‌گر شد اقتصادی خود را به دورا برآهنگ رشد اقتصادی کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری، امثال آمریکا، نرسانده‌اند؟

درخت عظیم کار مولدیدی و فکری بدون شته‌های انگل سرمایه دار کوزمین - داری بزرگ بمراتب بهتر می‌روید و می‌بالدومی شکفتد و میوه می‌دهد.

راته‌دید می‌کند. آری، در میان این مدافعان امروزی مالکیت غارتگرانه، کسانی هم بودند که با انحصار طلبی خانواده پهلوی مخالف بودند، ولی نه بخاطر مردم، بلکه بخاطر خودشان. فرانسویها مثالی دارند و می‌گویند: "توبرخیز که من بجای تو بنشینم". این شعار این آقایان "اسلام - پناه" بود. حرص و ولع خود خواهانه خانواده پهلوی رانمی‌پسندیدند و می‌گفتند: "ما را هم از این نمذکلاهی است!" والا برای آنها انقلاب و خلق و اسلام تنها و تنها نبردبانی بود. غافل از این سخن مولوی:

سَلَمَ اَیْنِ خَلْقِ مَا وَ مَن اَسْتِ عَاقِبَتُ زَبْرَنَدِیَانِ اِفْتَادِنِ اَسْتِ

نتیجه این بحث آنکه، طبقات و مبارزه طبقاتی در میهن ما، علی‌رغم انقلاب عظیم بهمین، گمان وجود دارند، و در شرایط زندگی کارگران و دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و مستعبدان شهری، متأسفانه و به نائید همه مستولان، هنوز تحول اساسی رخ نداده و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان به انواع حیل همچنان مشغول بودند.

لذا مبارزه طبقاتی در روند انقلاب ماد مبدم شدت بیشتری می‌گیرد و به همین جهت نیروهای واقعا انقلابی، که خواستار استقرار عدالت اجتماعی هستند و آنرا مهمترین نکته در سیاست داخلی انقلاب می‌دانند، خواستار تعمیق و زرقش انقلابی و تحقق هدفهای انقلاب را بدون استقرار عدالت اجتماعی محال می‌شمرند.

ولی آشکارا دیده می‌شود که نیرو - های ارتجاعی، از امپریالیسم گرفته تا کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، در تلاشند که بدست وابستگان سیاسی خود، اعم از لیبرال‌ها یا مسلمان نمایان، انقلاب را متوقف نمایند.

تعمیق انقلاب یا متوقف ساختن انقلاب؟ مطلب اینجاست. مبارزه بر سر دولتی کردن بازرگانی خارجی، کنترل توزیع داخلی، احراز اصلاحات ارضی بنیادی بسود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین در سراسر کشور، نمونه - های برجسته این دو برخورد متضاد است.

همین مبارزه طبقاتی را ما در زمینه‌های دیگر نیز می‌بینیم: از انجمله مسئله تأمین آزادیهای سیاسی و دمکراتیک است، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح گردیده، ولی پای ترمزکننده نیرو مندی ما شین انقلاب را در این زمینه نگاه داشته و به این راضی نمی‌شود که قانون احزاب یا قانون مطبوعات را بشدت و در جهت ارتجاعی مسخ می‌کند، بلکه حتی همان مقررات تیم بندرانیز بلا احرا می‌گذارد.

همین مبارزه در عرصه سیاست خارجی نیز مطرح است، که مضمون آن، به گفته امام خمینی، مطرح کردن شوروی برای "منسج کردن" آمریکا است!

راه‌حلهای ارتجاعی و نیم بند - انقلاب ما را بسوی شکست خواهد برد. باید با قاطعیت سمد جالاک انقلاب را تا مقصد نهایی دواند، یعنی: پایگاه - های داخلی امپریالیسم - کلان سرمایه داری و بزرگ زمینداری - را کوبید، بسود طبقات و قشرهای محروم جامعه و علیه غارتگران اجتماعی تصمیمات روشن و قاطع عملی اتخاذ کرد آزادی‌های مندرجه در قانون اساسی را محترم شمرد، دوستان و دشمنان خود را در عرصه داخلی و جهانی تشخیص داد، نیروهای اصیل انقلابی را متحد ساخت و به‌شور آورد. در غیر این صورت انقلاب خواهد بود، مردم رنیده خواهند شد و انقلاب به جانب شکست یا مسخ خواهد رفت. ما این را با تمام روشنی و صراحت می‌گوئیم.

و ما مطمئنیم که اگر انقلاب در جهت تحقق اهداف اصلی خود: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، تعمیق پذیرد، اگر همه نیروهای انقلابی صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهب،ی، تجهب و متحد شوند، پیروزی نهایی انقلاب قطعی است.



وقایع مهم جهان در یک هفته

پیشنهاد های سازنده کشورهای

سوسیالیستی برای پیشبرد صلح

در "گفتگوهای وین" نمایندگی های کشورهای سوسیالیستی باردیگر به ابتکار مهمی دست زدند. نماینده لهستان از طرف هیئت های نمایندگی جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری خلق لهستان، اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی پیش بوس موافقت نامه ای را درباره تحدید دو جانبه سلاح ها و نیروهای مسلح در اروپای مرکزی در مرحله نخستین ارائه داشت. سند نامبرده، که نتایج مذاکرات مقدماتی گسترده راجع به بندی می کند، با رعایت منافع امنیتی همه کشورهای شرکت کننده در "گفتگوهای وین" تدوین شده است. این سند هدف نهایی این گفتگوها را تقلیل دو مرحله ای شماره نیروهای کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری به ۹۰۰۰۰۰ نفر تعریف می کند. مرحله نخست تقلیل سلاح ها و نیروهای مسلح اتحاد شوروی در ایالات متحده را در بر می گیرد. بر پایه این پیشنهاد نیروهای رمی اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا در اروپای مرکزی به ترتیب به میزان ۲۰۰۰۰۰ و ۱۳۰۰۰۰ نفر کاهش خواهد یافت.

آبی مادرید، ایالات متحده آمریکا را متهم ساخت که خواستار جلوگیری از روند تشریفاتی است. وی در جلسه عمومی این گردهم آبی گفت که: "محافل نظامی ایالات متحده آمریکا هیستری سیاسی و ایدئولوژیک شرم آوری را برای جلوگیری از روند عادی شدن اوضاع در لهستان و تبدیل این کشور به منبع دائمی تشریفاتی در اروپا برپا کرده اند". به گفته لئونید برژنف، صدر هیئت رخصه شورای عالی و دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، "حیاتی ترین و فوری ترین وظیفه خلق ها نگه داشتن صلح است". برژنف این سخنان را در پیامی خطاب به خوانندگان همدی مجموعه ای از سخنرانی های خود نگاشت. رهبر شوروی خاطر نشان ساخت که: "نیروهای تجاوزکار امپریالیسم خواستار تحمیل نضرات خود بر کشورهای مستقل و مداخله در امور آنها هستند. در تحلیل نهایی، هدف از تلاش آنها جلوگیری از پیشرفت سوسیالیسم و سرکوب جنبش های آزادی بخش ملی است".

لئونید برژنف تعهد اتحاد شوروی درباره کاهش به سرای جنگ افزارهای هسته ای خود بر پایه برابری و امنیت برابر تکرار کرد. وی در پاسخ به نامه یک سازمان استرالیایی هوادار همکاری بین المللی و سلاح دارای اهمیت اتحاد شوروی آماده است هم پیش نهاد های طرف مقابل را به دقت مطالعه کند. وی پشتیبانی خود را از "تعادل نظامی در سطحی پایین تر" اعلام داشت. برژنف افزود:

"مهم ترین مسئله در این زمینه دستیابی به نتایج سازنده در گفتگو های میان اتحاد شوروی و آمریکا در ژنو درباره سلاح های هسته ای میان برد در اروپاست. این وظیفه دارای اهمیت جهانگیر است، زیرا که هر خاصه هسته ای در اروپا به گونه اجتناب ناپذیری به جغرافیای جهانی بدل خواهد شد. رهبر شوروی اعلام آمادگی کرد که با آمریکا بی درنگ مذاکرات در باره جنگ افزارهای هسته ای میان برد، منع سلاح های هسته ای و تحدید فعالیت های نظامی در اقیانوس هند را از سر گیرد. هم این گفتگوها را ایالات متحده یک سو به قطع کرده است.

لئونید برژنف نوشت که، دلایلی نمی بیند که محدودیت های فعالیت های نظامی را نتوان به اقیانوس آرام نیز گسترش داد. برژنف در پایان اظهار تمینان کرد که: در پرتو پیکار سرسختانه خلق ها خرد سرانجام چیره خواهد شد و از فاجعه هسته ای جلوگیری به عمل خواهد آمد".

سارمان استرالیایی هوادار صلح نامه ای همانند نیر به ریگان فرستاده است.

خبرگزاری "ناس" ایالات متحده آمریکا را بخاطر انباشت جنگ افزارهای امحای نوده ای، ارحله سلاح های شیمیایی، کوهش کرد. بگزارش این خبرگزاری، رئیس جمهور ریگان پس از تصمیم به تولید بمب توترونی و گسترش سلاح های استراتژیک، برنامه چند میلیارد دلاری تسلیح شیمیایی را آغاز نهاده است.

"ناس" خاطر نشان می سارد: این آخرین تصمیم نشان می دهد که، چرا ایالات متحده آمریکا سالها است از پیوستن به معاهدات بین المللی درباره منع سلاح های شیمیایی سر باز می زند. "کاخ سفید" به کارزاری بهتانی آمیز پیرامون بمب اصطلاح استفاده اتحاد شوروی از جنگ افزارهای سمی در افغانستان و آسیای جنوب خاوری دست بازیده است در واقع، اتحاد شوروی یکی از نخستین امضا کنندگان "پروتکل ژنو" درباره منع جنگ افزارهای شیمیایی بوده و هیچ گاه به این گونه سلاح ها توسل نچسته است. این ایالات متحده آمریکا بود که در ویتنام، لائوس و کامبوجیا چنین کرد.

"فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان" در بیانیه ای تصمیم دولت ریگان را درباره تولید سلاح های جدید شیمیایی "اقدامی تجاوز کارانه" خواند و افزود: "ایالات متحده اتحاد شوروی را به خاطر پیشنهاد آن درباره منع جنگ افزارهای هسته ای و از بین بردن ذخیره های موجود به مبارزه طلبیده است".

لئونید ایل بی چوف، رئیس هیئت نمایندگی اتحاد شوروی در "گردهم"

در کنفرانس کشورهای رشد یابنده

سیاست نواستعماری کشورهای امپریالیستی محکوم شد

نمایندگان بسیاری از کشورها، از جمله ایران، کشورهای امپریالیستی و به ویژه ایالات متحده آمریکا، را به خاطر واپس ماندگی اقتصادی کشورهای نوپا ملامت کردند. آنها در کنفرانسی در دهلی شرکت داشتند، که نمایندگان ۴۴ کشور رشد یابنده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را در بر می گرفت. ایندیرا گاندی در سخنرانی گشایشی خود در روز ۳ اسفند ۶۰ (۲۲ فوریه ۸۲) خواهان ایجاد یک نظام جدید اقتصاد بین المللی، "استوار بر برابری و عدالت" شد. نمایندگان کوبا و ویتنام تاکید کردند که ایالات متحده آمریکا می تواند، تا با رستگیک بحران جهان غرب را به دوش کشورهای رشد یابنده بگذارد. نماینده هند گوشش آمریکا را برای وابسته ساختن کمک به کشورهای رشد یابنده به قیود سیاسی محکوم کرد.

دسیسه های آمریکا و اسرائیل در خاور میانه

در کرانه باختری رود اردن، که در اشغال اسرائیل است، اعتصاب همگانی به اعتراض علیه بستن دانشگاه بیرزید، در نزدیکی زام الله، برپا شد. در شهرهای دیگر نیز تظاهرات گسترده ضد اسرائیلی صورت گرفت. مقامات اشغالگر با گسیل گردان های ارتش و تیراندازی به سوی مردم به رویارویی با آنها پرداختند. چندین تظاهر کننده مجروح شدند. "شورای امنیت" به قطعنامه ای درباره افزایش "نیروهای پاسدار صلح" سازمان ملل متحد در لبنان به میزان ۱۰۰۰ نفر رای مثبت داد. این سپاه سه سال پیش به تصمیم "شورای امنیت" و پس از تجاوزات اسرائیل به جنوب لبنان به کشور اخیر اعزام شد. وظیفه آن کمک به دولت لبنان برای استقرار حاکمیت خود در مناطق جنوبی است. سیزده عضو "شورای امنیت" به پیش نویس قطعنامه رای موافق و اتحاد شوروی و لهستان به آن رای ممتنع دادند. روزنامه "برواد" (اتحاد شوروی) در مقاله ای نوشت: "ایالات متحده برای پیشبرد منافع دیرین نظامی - استراتژیک خود و به زیان امر صلح عادلانه، کوشش می ورزد. "واشنگتن" بدین سان تلاش می کند، تا اوضاع را به حالت مخاصمه و ارنکونی نگه دارد و پیچیدگی متشکل از اسرائیل و رژیم های مرتجع عرب، علیه اتحاد شوروی و متحدان آن برپا سازد. ایالات متحده آمریکا بر روی اجرای تبهانی و رشکسته "کمپ دیوید" اصرار دارد و از سیاست تجاوزکارانه و گسترش جویانه اسرائیل پشتیبانی می کند".

خلبانان آمریکائی مردم السالوادور را بمباران می کنند

آورد. بگزارش "رادیو ون سروس"، خلبان های آمریکایی در عملیات تنبیهی شرکت مستقیم دارند و بمب های ناپالم، فسفری و ۳۰۰ کیلوگرمی به روی غیر نظامیان می افکنند.

"شورای جهانی صلح" بیانیه ای درباره کشتار گسترده غیر نظامیان در السالوادور پخش کرد. این بیانیه از واقعت های مشخص سخن می گوید و اربساری از قربانیان، ارحله کودکان، نام می برد. "شورای جهانی صلح" "خونتا"ی وابسته به آمریکا را مسئول این کشتارها می خواند و "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد" را فرامی خواند که، به خلق کشی در السالوادور پایان بخشد و مهم ترین حق بشر، یعنی حق حیات، را برای مردم السالوادور تامین سازد.

تلویزیون شوروی فیلمی درباره ددمش های دژخیمان "خونتا" نشان داد. نمایندگان سازمانهای انقلابی عکس هایی را از سالمندان، زنان و کودکان السالوادوری نشان دادند، که به دست عمال رژیم السالوادور فجیعانه به هلاکت رسیده بودند. به گفته آنها، "خونتا" قصد دارد ناراضیان را سر به نیست کند در فیلم همچنین کارشناسان آمریکایی دیده می شدند، که در رهبری "عملیات تنبیهی" شرکت داشتند.

آرتو ریویرا ای داماس، بزرگ اسقف السالوادور، وحشیگری سربازان و ماموران "امنیتی" "خونتا" را در برابر مردم به باد انتقاد گرفت. وی در یکی از وعظ های خود گفت که، سربازان مردم بیگناه را دستگیر و آنها را در جریان بازجویی شکنجه می کنند. در ایالات متحده آمریکا بیش از ۲۵۰ رهبر مذهبی در نامه سرکشاده ای به "کنگره" خواستار قطع کمک های آمریکا به السالوادور و فراخواندن "کارشناسان" آمریکایی از آن کشور شدند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (م. ۱۰، ب. ۱۰) آدرس: تهران، منطقه ۱۳ پستی صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

یاد روزلسکی:

در لهستان

اصلاحات

ادامه

خواهد

یافت

در روز شویلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان برای بررسی تقویت وحدت حزب و وظائف آن در زمینه مبارزه در راه تحکیم حاکمیت خلق و پاسداری از سوسیالیسم تشکیل شد.

وویتسخ یاروزلسکی، دبیر اول کمیته مرکزی، از طرف هیئت سیاسی به کمیته مرکزی گزارش داد. یاروزلسکی از تلاش کشورهای غربی بویژه ایالات متحده آمریکا، برای مداخله در امور داخلی لهستان انتقاد کرد و عزم کمونیست های لهستان را برای پاسداری از دستاوردهای سوسیالیسم بیان داشت. وی گفت: "امیدهای غریب برای عقب راندن چرخ تاریخ در لهستان توهمی بیش نیست".

یاروزلسکی تاکید کرد که "ضد انقلاب پیروز نخواهد شد" و هشدار داد: "به آنتهای که هنوز قصد دارند به فعالیت های خرابکارانه خود ادامه دهند و به ترور و تخریب دست یازند، بهیچ روی رحم نخواهد شد. در لهستان حکومت نظامی بخودی خود هدف نبود و تنها بخاطر عادی سازی اوضاع برقرار گردید. شکر نیست که در این راستا به موفقیت هایی دست یافتیم. اصلاحات در کشور ادامه خواهد یافت و پایه تحکیم و تحول دموکراسی سوسیالیستی خواهد بود".

هربرت ونر، سیاستمدار نامدار آلمان فدرال، به دیدار خود از لهستان پایان داد. وی که رئیس فراکسیون "حزب سوسیال دمکرات آلمان (غربی)" در "بوندستاگ" (پارلمان آلمان فدرال) است، از وویتسخ یاروزلسکی نیز دیدن کرد. دوطرف خاطر نشان ساختند که سیاست تشریفاتی و همکاری، سیاستی اجتناب ناپذیر است. آنها کوشش برای استفاده از اوضاع داخلی را برای دامن زدن به وخامت شرایط بین المللی را "زیانبار" خواندند.

ویکتور گریشین، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی گروه های فرامرواد را ایالات متحده آمریکا و برخی از دیگر کشورهای غربی را بخاطر "تلاش خود برای تبدیل رویدادهای لهستان به بحرانی جهانی و احیای شرایط جنگ سرد" محکوم کرد. بگفته او، "این محافل کارزار تبلیغاتی را علیه لهستان و اتحاد شوروی آغاز نهاده اند. و در فعال لهستان به تحریم اقتصادی و تحدید آذوقه رسانی به آن کشور دست زدند".

ویکتور گریشین افزود: "این واکنش تبه کارانه پی آمد شکست دسیسه های امپریالیسم علیه لهستان بود. مقامات لهستان با اقدام بایسته و قاطع خود از کودتائی ضد انقلابی جلوگیری کردند، که در فرا سوی اقیانوس اطرح ریزی شده بود".